

ساواک در بازیهای آسیائی

اسرار

اعترافات جلاد تو انگری
(آرش)

اختلاف بختیار با شاه سابق

پر تاب گوجه فرنگی
به صورت شاه سابق

زندگان اوین

فعالیت ساواک علیه اقلیت‌های نژادی

ترجمه و تالیف :
اسکندر دلدن

به انضمام خاطرات آیت‌الله‌مطالقانی
از مدت اقامت در زندان اوین

اسرار

زندگان اوین

ساواک در بازیهای آسیائی

اعترافات جلاد تو انگری

فعالیت ساواک علیه اقلیتهای نژادی

(آرش)

پرتاب گوجه فرنگی به صورت شاه سابق

اختلاف بختیار با شاه سابق

ساواک

ترجمه و تالیف: اسکندر دلدی

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۰ ریال

ناشر: انتشارات بهروز

حق چاپ محفوظ است

تقدیم به:

خلق قهرمان ایران

دکتر بود ... چند شب را همراه دو نفر دیگر در سلولی بسیار کوچک صبح کرده بودیم . آنروز برای بازجوئی بردندش . فقط چند دقیقه وقت لازم بود تا نعره اش در بند بیچد . از ما هیچ کاری ساخته نبود . فقط می توانستیم گوش ها را بادست بگیریم ... هرچه لباس داشتیم همراه با پتوها رویش انداختیم تا بلکه جلوی لرزش را بگیریم اما بی فایده بود . حتی بعد از آنکه زیلوی کثیف و پاره سلول را رویش انداختیم باز هم می لرزید ... هم شلاق خورده بود و هم آویزانش کرده بودند . گفت می خواهم بروم توالت . نمی توانست روی پاهایش بایستد . من با کمک یکی دیگر از هم سلولی ها زیر بغلش را گرفتم .

کشان کشان به توالت رساندیمش . بهیچ وجه نمی توانست بایستد من او را از پشت بغل کردم تا نیمه ایستاده ادرار کند . این را باور کنید ، از مجرایش خون جاری شد . دلیل نعره هائی که میزد تازه فهمیدیم . " فکر می کنید در این چند جمله توانسته ام آن تصویر هولناکی را که به چشم دیدم برایتان مجسم کنم ؟ من می گویم هیچ کلامی قادر نیست لحظات تلخ و نفرت انگیز بازجوئی و زندان را شرح دهد . ما حتی پس از انجام بازجوئی توام با کتک و شکنجه حتی یک لحظه در زندان در امان نبودیم ، کوچکترین حرکتی اگر برای زندانبان خوش آیند نبود باید بیه سلول انفرادی و کتک را به تن می مالیدیم !

(خاطرات یک زندانی سیاسی از روزهای اقامت در زندان اوین)

• یکی از روزهای آخر اسفند ۱۳۵۴ ، در سلول شماره ۹ در بند ۵ کمیته با سروصدا باز شد ، نگهبان به داخل سلول سرک کشید ... نگاهی به ما کرد و پرسید :

— چند نفرید ؟

— گفتیم : ۱۳ نفر ...

— بیرون رفت و بعد ...

در آستانه در جوانی قد بلند با رخساری مهتابی پیدا شد . مات و مبهوت به ما نگاه کرد . قدم از قدم بر نمی داشت . نگهبان او را به داخل سلول هل داد و در راست ... همانطور که ایستاده بود به روبرو خیره شد و صدایش را که لرز داشت شنیدیم :

— گوش کنید ، منو فرستادن اینجا ، ۹۵ روز انفرادی بودم ، دارن روم کار میکنن . دارن به من فشار می آورن از تو سلول براتون جاسوسی کنم . من قبول نکردم . اما ممکنه زیر فشار مجبور بشم . پس از حالا تا من اینجا

پس از آنکه تازه وارد توسط هم زندانی هایش آرام شد ، او شروع به نقل داستان کرد . اسمش ایرج تیموریان بود . معلم مدرسه خصوصی بود و ماهی ۷۵۰ تومان حقوق می گرفت . او یکبار قبلاً " در سال ۱۳۵۱ ، بخاطر خواندن جزوه با دوستانش ، دستگیر شده بود ، پس از یکسال زندان بخودش قول داد که دیگر هرگز کاری به سیاست نداشته باشد . اما یکشب شعری علیه " شاه " سرود این شعر را لای کتابی قایم کرد ، بعد هم کل قضیه را فراموش نمود .

ولی حدود چهار ماه قبل ماجرای شعرش را برای صاحبخانه اش تعریف کرد . (بعداً " او می فهمد که صاحب خانه اش جاسوس ساواک بوده است ! " ایرج تیموریان " برای هم سلولی هایش تعریف کرد که بعداً " چه بر سرش آمده است :

" شب بود ، داشتم سمفونی شماره ۹ بتیون را گوش می کردم و یک لیوان چای می خوردم که سروصدا آمد . از پشت پنجره نگاه کردم . دیدم ریخته اند توی حیاط . چند نفر هم از دیوار آمدند . همه مسلسل دستشان بود . بعد ریختند توی اطاق من . وحشت کردم . چه شده بود ؟ همه جارو زبر و رو کردند . لای کتاب ها را گشتند و حتی یک کتاب که از نظر آنها ممنوع باشد پیدا نکردند . بعد به زخم گفتند :

- آقا را می بریم برای چند تا سؤال ، فردا بر می گرده .

" داشتیم میرفتیم بیرون که یک نفر از راه رسید و آمد تو ... نگاهی به اطراف کرد و رفت سراغ کتابها ، شانسی دست گذاشت و همان کتابی را بیرون کشید که شعر را لایش گذاشته بودم . بعد هم مرا آوردند . الان ۴ ماهه اینجا هستم ...

- هر روز می آمدند و ایرج را می بردند ... از سحرگاه که بزور بلندمان می کردند ، می نشست و به درزل میزد ، دهانش باز نمی شد ... از بازجویی که بر می گشت می گفت :

- آقای " کمالی " اگر هر روز صبح منو نبینه نمی تونه کارو شروع کند !
- " کمالی " نام بازجویش بود ...

چند ماه بعد شنیدم که ایرج را به زندان قصر برده اند و بعد در دادگاه محکوم شده است . می دانید چند سال ، همان که باز جو گفته بود :
- ۱۱ سال !

" ۱۱ سال برای سرودن ۴ بیت شعر " !

" از خاطرات یکی از زندانیان سیاسی اوین "

تشکیلات ساواک

در ساختمان سازمان اطلاعات و امنیت کشور " ساواک " ده شعبه وجود داشت که هسته اصلی آن سلطنت آباد واقع در باغ مهراں بود و هر کدام از شعب از حیث کار و ساختمان بندی با یکدیگر متفاوت بودند همچنین افراد شاغل در این سازمان از وجود یکدیگر بی اطلاع بوده و جز در موارد معدودی یکدیگر را نمی شناختند حتی افراد شاغل در یک شعبه که وظایف مشترکی داشتند بر بسیاری از موارد یکدیگر را بخوبی نمی شناختند و ارتباط آنها توسط مکاتبه و با اسم مستعار انجام میشد و نیز در هر شعبه کارکنان شعب دارای کارت های شناسائی مجزا با رنگ های متفاوت بوده اند . علت انتخاب رنگ در کارت های شناسائی به این منظور بوده است که افراد شعب مختلف با یکدیگر در تماس نباشند بدینصورت که کسانی که کارت سبز رنگ شعبه اول را داشتند نمی توانستند به ساختمان شعبه دوم وارد شوند و کسانی که کارت سفید شعبه دوم را داشتند به شعب دیگر راه نمی یافتند و از ورود افراد شعب دیگر به داخل شعبه های ثالث جلوگیری به عمل می آمد و در صورتیکه کسی کار شخصی یا اداری داشت فقط با مکاتبه و با نام مستعار کارش را انجام میداد .

شعب ده گانه هسته اصلی " ساواک " عبارت بودند از :

■ شعبه اول : اداره کارگزینی و استخدام پرسنل . این شعبه مسئول استخدام افرادی بود که پرونده‌های استخدامی آنها پس از تأیید کمیته اداره سوم شناسائی به این شعبه فرستاده میشد .

■ شعبه دوم : اطلاعات مرزبانی : کار این شعبه تهیه خبر و گزارش از مرزهای کشور بود مثلاً " در خطوط مرزی ایران و عراق و یا ایران و شوروی چه میگذرد و در روستاهای حاشیه مرز چه خبر است ؟ !

■ شعبه سوم : این شعبه به " کمیته " شهرت داشت و مسئولیت حفظ امنیت داخلی کشور را به عهده داشت . " کمیته " مرکب از نمایندگان ارتش ، شهربانی و ژاندارمری بود که وظایف آن به شرح زیر بوده است :

۱ - " دایره گشت " - مامورین دایره گشت مأموریت داشتند که به هر محلی که مشکوک باشند بدون اجازه دادستان وارد شوند و مظنونین را دستگیر نمایند ! افراد دایره گشت هر وقت کسی را دستگیر میکردند در طول انتقال به زندان در همان اتومبیل گشت شکنجه کرده و اظهار میداشتند در حین درگیری زخمی شده اند !

۲ - " دایره شکنجه " مامورین این دایره از متخصصین شکنجه بودند و در زندانهای " ساواک " افراد دستگیر شده را شکنجه میکردند که این مامورین شکنجه خود به ۲ گروه تقسیم میشدند : گروه اول متخصصین شکنجه های روحی بودند و با پخش نوارهای مختلف از تیراندازی ، خنده ، گریه و التماس یا خواهش ، ریختن آب سرد ، پخش صدای ماشین و آژیر در زندان

ساواک

به شکنجه افراد میپرداختند و گروه دوم متخصصین تنبیهات بدنی نظیر: شلاق زدن ، ناخن کشیدن ، سوزاندن و بریدن قطعات مختلف بدن و غیره ... بوده‌اند در میان مامورین شکنجه کسانی بودند که به علت اقامت زیاد در زندان و شکنجه زندانیان دچار ناراحتی های روحی و سادیسیم شده بودند و گاه مبادرت به تجاوز به زندانیان مینمودند حتی زمانی که چنین کاری ، جزو برنامه تعیین شده نبود !

۳- " بخش بازجوئی " پس از شکنجه های مقدماتی که به زندانی میدادند او را برای بازجوئی به بخش بازجوئی میبردند گاه از یک زندانی توسط چند " بازجو " به مدت ۲۴ تا حتی ۳۶ ساعت بازجوئی میشد! گاه " زندانی " را قبل از شروع بازجوئی به مدت چند ساعت در اتاق بازجوئی تنها میگذاشتند تا نوعی حالت تشویش و نگرانی به او دست بدهد این قسمت مستقیماً " زیر نظر " پرویز ثابتی " چهره معروفی که به مقام امنیتی معروف شده بود اداره میشد .

✽ شعبه چهارم : " بازرسی و شکایات " وظیفه این شعبه رسیدگی به شکایات شغلی پرسنل و یا شکایت های مامورین ساواک از یکدیگر بود در حقیقت این شعبه وظیفه ای شبیه کلانتری های داخل شهر را در داخل ساواک انجام میداد که معمولاً " کسی شکایتی نمیکرد زیرا شکایت در بیشتر مواقع به زبان خود شکایت کننده تمام میشد !

✽ شعبه پنجم : بخش عکسبرداری ، چاپ عکس ، لاهراتوار و گراور سازی بود که این شعبه ۳ مسئولیت عمده داشت ؛ ۱- تهیه عکس از مامورین ساواک

" ساواک " برای تهیه کارت شناسائی و پرونده های پرسنلی - ۲ - تهیه عکس از کسانی که توسط ساواک دستگیر میشدند - ۳ - تهیه عکس از کسانی که زیر شکنجه جان می سپردند برای حفظ دربارگانی !

■ شعبه ششم : " قسمت امور مالی و حقوقی " - این شعبه پرداخت حقوق افراد " ساواک " و مخارج سازمان را به عهده داشت . پرسنل رسمی ساواک حقوق خود را از بانک مرکزی دریافت میکردند و پاداش و مزایای آنها بطور نقدی در محل سازمان به آنها پرداخت میشد ! همچنین یک بودجه محرمانه و به میزان نامحدود نیز در اختیار این شعبه قرار داشت که برای تشویق به افراد ساواک و مامورین وابسته به آن پرداخت میکردید .

■ شعبه هفتم : " اداره تحقیق " - اداره تحقیق دو کار مهم انجام میداد " الف " - تحقیق پیرامون کادر پرسنلی " ساواک " " ب " - تحقیق از افراد مشکوک و افرادی که با رژیم مخالفت و مبارزه میکردند اگر چه اداره سوم امنیت داخلی را به عهده داشت اما اداره سوم که خود دارای عناصر محقق بود و شعب تحقیق در اختیار داشت برای شروع تحقیقات پرونده را به اداره هفتم میفرستاد و اداره هفتم پس از بررسی مجدداً پرونده را به اداره سوم عودت میداد وظیفه تحقیق پیرامون مخالفین رژیم سابق در خارج از کشور نیز به عهده اداره هفتم بود .

■ شعبه هشتم : " ضد جاسوسی کشور " - وظیفه شعبه هشتم انجام عملیات ضد جاسوسی در داخل و خارج کشور بود افراد شاغل در این شعبه گاه برای تعقیب و دستگیری جاسوسان به خارج از کشور هم میرفتند .

« شعبه نهم : " فیش مرکزی " - کلیه سوابق پرسنل ساواک و نیز سوابق مخالفین و زندانیان در این شعبه نگهداری میشد و اداره نهم آرشبو کاملی بود که ساواک از آن بهره گرفته و بشدت نیز از آن محافظت میشد .

« شعبه دهم : " بهداری و بیمارستان ، - برای افراد ساواک یک درمانگاه و بیمارستان مجهز وجود داشت که محل آن در سلطنت آباد بوده است البته بیمارستان ۵۰۱ ارتش نیز در اختیار ساواک بود و افراد ساواک که در عملیات شهری زخمی میشدند برای معالجه به این بیمارستان انتقال می یافتند . در راس این ده شعبه که اسکلت اصلی " ساواک " را تشکیل میدادند ارتشبد معدوم نصیری قرار داشت که البته قدرت اصلی را " پرویز ثابتی " قبضه کرده بود .

هر اداره یک مدیر کل و هر مدیر کل دو معاون و نیز یک مقام مسئول در اختیار داشت که معاونین وی عبارت بودند از معاون عملیاتی ، معاون تخصصی . هر شعبه دارای ۸ الی ۱۲ اداره بود که زیر نظر معاونین انجام وظیفه میکرد هر اداره نیز دارای چند بخش و هر بخش نیز دارای چند دایره بوده است .

راننده های سازمان امنیت نیز به چند گروه تقسیم میشدند :

- ۱- رانندگان حفاظتی .
- ۲- رانندگان اداری .
- ۳- رانندگان حمل و نقل .
- ۴- رانندگان عملیاتی .

۱- رانندگان حفاظتی " در قسمت های حفاظت مستقر در ادارات و موسسات وابسته به ساواک کار میکردند .

۲- " رانندگان اداری " که رانندگی مدیرکل ها و روسای بخش و معاونین و روسای دوایر را عهده دار بوده اند .

۳- " رانندگان حمل و نقل " که وظایف ترابری سازمان را به عهده داشتند .

۴- " رانندگان عملیاتی " ، این رانندگان در اختیار شعبه سوم بودند و در رانندگی مهارت فوق العاده داشتند و در مواقع عملیات و ماموریت های فوق العاده خطرناک از وجودشان استفاده میشده است .

چنین سازمان مخوفی توسط " سیا " در سال ۱۹۵۶ در ایران بوجود آمد .

" سیا " که از طریق کودتای ننگین " اوت ۱۹۵۳ " یکباره شاه سابق را بر سر کار آورده بود برای حفظ و استقرار قدرتی که شاه سابق در پناه حمایت " سیا " بناحق بدست آورده بود . سازمان اطلاعات و امنیت کشور "ساواک" را بنیان نهاد . این سازمان مستقیماً توسط " سیا " در ۱۹۵۶ و به کمک اعوان و انصار ارتجاع داخلی پایه گذاری شد و سازمان اطلاعاتی اسرائیل " موساد " نیز به تعلیم و تربیت کادر آن همت گماشت . سازمان اطلاعات و امنیت کشور حداقل دارای ۵۰ هزار جاسوس بوده است حدود و فعالیت های سازمان جاسوسی ایران تنها منحصر به داخل کشور و یا کشورهای منطقه خاور میانه و حوزه خلیج فارس نشده و " ساواک " دراروپا

۱۰ ساواک

و آمریکا نیز فعالیت های گسترده ای داشته است . " ساواک " در همه جا حضور داشت . در هر وزارتخانه ای حداقل یک مامور " ساواک " به عنوان معاون سرگرم کار بود و در هر بخشی از ادارات دیگر جاسوسان " ساواک " به خبرچینی سرگرم بودند انبوه خبرچین های " ساواک " در طبقات پائین جامعه نیز وجود داشتند در هتل ها و کافه های خیابانی جاسوسان ساواک به خبرچینی و استراق سمع به نفع ساواک سرگرم بوده و هر نوع حرکت مخالفی با رژیم را اطلاع میدادند .

" ساواک " به این اندیشه بود که سلطه خود را در سراسر جهان گسترش دهد این سازمان نه تنها شهروندهای ایرانی ، وزراء ، نمایندگان ، سیاستون و رجال ایرانی را تحت نظر داشت بلکه سیاستمداران جهانی را نیز مورد تعقیب قرار میداد . حادثه ای که یکبار در لندن روی داد موجب آبروریزی جهانی برای شاه سابق و " ساواک " گردید .

پیدایش ساواک

نقش و تسلط نام و کمال " ساواک " فقط با نظری به اوضاع و احوال زمان تاسیس آن قابل فهم است . " ساواک " مولود کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است . تا قبل از سال ۱۹۴۸ تنها دوسازمان اطلاعاتی و امنیتی کوچک در خدمت " شاه " سابق بودند که این ۲ سازمان عبارت بودند از اطلاعات پلیس و کارآگاهی . قسمت اطلاعات پلیس یا شهربانی که رکن ۲ نیز نامیده میشد منحصر ارتش را کنترل میکرد و کارآگاهی امور سیاسی کشور ،

مطبوعات ، سندیکاها و افراد سرشناس را تحت نظر میگرفت . پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بود که " سیا " تصمیم به گسترش این دو سازمان و ادغام آنها در یکدیگر و تشکیل یک سازمان مقتدر واحد گرفت . " سیا " ساواک را پایه گذاری کرده و شروع به آموزش مامورین آن کرد . سازمان امنیت و اطلاعات کشور " ساواک " رسماً در سال ۱۹۵۷ تاسیس و شروع به کار کرد دولت ایران در این سال لایحه‌ی مربوط به " ساواک " را به مجلس برد این لایحه همانطور که انتظار میرفت در مجلسین از سوی نمایندگان که منصوب شاه بودند تصویب شد و بدین ترتیب سازمانی که مخفیانه از چندین ماه قبل کار خود را شروع کرده بود جنبه قانونی یافت ! از این سال به بعد " ساواک " روز بروز گسترش پیدا کرد و تبدیل به سازمانی با قدرت نامحدود گردید " هارولد ایدنبرگر " محقق و نویسنده معروف اطریشی که از اعضای طرفدار حقوق بشر است در این باره میگوید که " ساواک " نه تنها توسط " سیا " تاسیس شد بلکه توسط آنهم اداره میگردد !

جاسوسی ساواک در منطقه

مبتکر " ساواک " آلن دالس رئیس وقت سازمان " سیا " بود و تاسیس " ساواک " را یکی از شاهکارهای پلیسی خود میدانست ! پس از تاسیس " ساواک " توسط سازمان " سیا " در ایران نوبت به اسرائیل رسید و " موساد " سازمان جاسوسی اسرائیل نیز توسط " سیا " تاسیس گردید " موساد " پس از تاسیس به کمک " سیا " به آموزش و تجهیز " ساواک " ایران پرداخت و

۱۲ _____ ساواک

مامورین آنرا نیز به کار گرفت " موساد " بدین ترتیب بیشترین اطلاعات و آگاهی های جاسوسی خود درباره کشورهای عربی و منطقه خاور میانه را از ایران بدست میآورد و ساواک فعالانه در منطقه خصوصا " درعراق ، سوریه و یمن جاسوسی میکرد علیرغم همه همکاریها و معاضدت ها و هماهنگی ها بین ساواک و سازمانهای اطلاعاتی دیگر کشورهای جهان که حکم پدر تعمیدی برای " ساواک " را داشتند نظیر " سیا " پایه های " ساواک " که یکی از مخوف ترین سازمانهای جاسوسی دنیا بود بارها به لرزه درآمد و تا مرز اضمحلال و نابودی پیش رفت . بحران های ساواک بلافاصله پس از انتخاب " تیمور بختیار " به ریاست آن آغاز شد " تیمور بختیار " را در آن زمان با " آیشن " جنایتکار معروف آلمان نازی مقایسه میکردند تیمور بختیار این لقب را در سال ۱۹۴۶ بدست آوردی در این سال با درجه سرگردی به سرکوبی جنبش انقلابی آذربایجان پرداخته و بطرز وحشیانه ای به کشتار آنان پرداخت پس از این کشتار وی به درجه سرهنگی نائل آمده و به تهران احضار شد وی در کودتای ماه اوت ۱۹۵۳ که " سیا " در ایران براه انداخت نقش مهمی داشت . پس از کودتا او به سمت فرماندار نظامی تهران منصوب گردید . در دوره فرمانداری نظامی " تیمور بختیار " تهران خونین ترین دوره خود را گذراند جنایت های تیمور بختیار ، سرکوبی آزادیخواهان و مبارزین علیه رژیم ، دستگیری روشنفکران و رهبران جنبش های سیاسی و قلع و قمع ده ها هزار ایرانی مخالف رژیم موجب شد تیمور بختیار شرایط کافی را برای ریاست " ساواک " بدست آورده و این پست را احراز نماید .

اختلاف بختیار با شاه

پس از انتخاب " تیمور بختیار " به ریاست ساواک بود که اختلاف عمیق او با شاه سابق آشکارتر شد وی که اکنون پست پر قدرتی را در اختیار داشت از موقعیت خود برای تضعیف موقعیت شاه سابق استفاده کرد و در همین زمان بود که در شهرستانهای ایران و نیز تهران درگیری های خونینی بروز کرد " تیمور بختیار " قدرت مضاعفی داشت ، او علاوه بر ریاست ساواک عضو یکی از ایالات بزرگ فارس بود همچنین روابط نزدیکی نیز با رهبران قبایل و روحانیون ایجاد کرده بود با توجه به این استعدادها بختیار اصلاحات ارضی شاه سابق را بهانه قرارداد مو مالکین را علیه شاه برانگیخت . اما در مبارزه با " شاه " به این علت که او هنوز قوی تر بود " تیمور بختیار " شکست خورد و بدستور شاه سابق به اروپا تبعید شد .

" تیمور بختیار " در سوئیس به مخالفت و مبارزه با شاه سابق ادامه داد و دامنه مبارزه را به کشورهای همسایه ایران " عراق ، مصر " نیز رسانید شاید بتوان اینرا به یک شوخی تاریخ تشبیه کرد که سازمانی که توسط " تیمور بختیار " بوجود آمده بود حالا بزرگترین مانع در راه رسیدن به قدرت و پیروزی او در مبارزه علیه " شاه " بود سرانجام بدستور " شاه " سابق " تیمور بختیار " بدست آجودان انگلیسی اش که توسط ساواک اجیر شده بود به قتل رسید .

شکنجه های روحی

سرلشگر پاکروان سفیر " شاه " سابق در فرانسه دومین رئیس ساواک بود سرلشگر حسن پاکروان تربیت شده امریکائیان و متخصص جنگ های روانی بود . در دوران ریاست پاکروان برساواک به دلیل همین تخصص بود که شکنجه های بدنی تا حدود زیادی جای خود را به شکنجه های روحی و روانی دادند!

در این زمان مامورین برای تحت فشار قرار دادن زندانیان به روشهایی نظیر : دسیسه اندازی بین زندانیان ، تهدید اعضاء خانواده مخالفان شاه و و . . . توسل می جستند اما گروهی در داخل " ساواک " به رهبری سرلشگر نصیری که بعدها به درجه ارتشبدی و ریاست " ساواک " رسید عقیده داشتند که با این روشها نمی توان تاج و تخت شاه را حفظ کرد و باید خشونت بیشتری را به کار گرفت ! سرلشگر نصیری که از مجریان کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ بود پاشاه سابق روابط دوستانه ای داشت و سرانجام شاه سابق بر اعتقاد نصیری مبنی بر اعمال خشونت زیادتر صحه گذاشت و او را به ریاست ساواک منصوب کرد سرلشگر حسن پاکروان از این تاریخ به بعد به ماموریت هایی در سفارت خانه های ایران در اروپا و آسیا فرستاده شد و مدت ها سفیر شاه سابق در پاکستان و فرانسه بود . در شروع انقلاب اسلامی ایران هنگامیکه شاه سابق برای منحرف کردن افکار عمومی و فریب ملت ایران قصد داشت با تعویض دولت و چهره های سیاسی مردم را از هدف اصلی شان منحرف نماید مجدداً " سرلشگر حسن پاکروان با سمت معاون نخست وزیر و

ساواک

رئیس ساواک به کار پرداخت که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران وی تسلیم دادگاه عدل اسلامی گردیده و در برابر جوخه آتش اعدام گردید .

۸ ایرانی ، یک ساواکی !

سومین رئیس "ساواک" ارتشبد نعمت‌اله نصیری که با درجه سرلشگری ریاست ساواک را به عهده گرفت یکی از منفورترین چهره های رژیم شاه بود وی مردی سادیست ، رشوه خوار ، زورگو و بی رحم بود وی در مدت ریاست طولانی خود به ساواک نه تنها میلیونها دلار از بودجه این سازمان را به جیب زد بلکه علناً " به پستوانه سازمان جهنمی " ساواک " از مردم باج خواهی میکرد ! در زمان ریاست ارتشبد نصیری ساواک بیشترین رشد را کرد . " ساواک " به نوشته مجله معروف " نیوزویک " بین ۳۰ تا ۶۰ هزار نفر کارمند فعال داشت اما در حدود ۳ میلیون ایرانی به عنوان خبرچین با ساواک همکاری میکردند بدین ترتیب برای هر هشت ایرانی یک ساواکی وجود داشت !

" ساواک " برای کنترل کامل ایران تشکیلات مجزا از هم ایجاد کرده بود ساواک تهران در پایتخت تشکیلات وسیعی داشت که شامل اداره مرکزی ساواک در سلطنت آباد ، ساواک تهران در خیابان میکده ، زندان اوین ، کمیته مشترک در شهربانی کل کشور ، زندان قزل قلعه و کمیته زندان قصر بوده است . همچنین به گفته منابع مطلع ، ساواک در تهران نزدیک به ده هزار خانه امن داشت که چند تائی از آنها در جریان

انقلاب ملت ایران تسخیر شدند یک نمونه از این خانه ها متعلق به شخصی به نام سرهنگ زیبایی بود که خود از مامورین قدیمی ساواک بوده است . در این خانه که در خیابان بهار تهران واقع است انواع وسائل شکنجه کشف گردید .

تقسیمات ساواک

" ساواک " تهران به چهار بخش تقسیم میشد .

شمال غربی ، شمال شرقی ، جنوب غربی و مرکز تهران . بخش مرکزی

شامل واحدهای زیر بوده است :

- ۱ - بخش مبارزه با جبهه ملی .
- ۲ - بخش مبارزه با حزب توده .
- ۳ - بخش کنترل سازمانهای دولتی
- ۴ - بخش کنترل کارگران
- ۵ - بخش کنترل دانشگاه های تهران .
- ۶ - بخش کنترل بازار .

بخش دوم ساواک یعنی ساواک استانهای ایران برای تحت نظر داشتن

استانهای کشور شبکه های بسیار فشرده ای از شعب ساواک را در مراکز و شهرهای

مختلف استانها تاسیس کرده بود .

" ساواک " مبارزین علیه رژیم و روشنفکران آزادیخواه را تروریست

می نامید " ساواک " همیشه در سرکوبی مخالفین رژیم هم نقش دستور دهنده

را ایفا میکرد و هم نقش مجری را .

" ویلیام . ج . باتلر " رئیس کمیسیون بین المللی حقوق بشر و پرفسور " ژرژ لواسیه " استاد دانشگاه پاریس که از طرف این کمیسیون تحقیقاتی در مورد " ساواک " ایران کردهاند تأیید میکنند که " ساواک " از سال ۱۹۷۵ به بعد بدستور " شاه " سابق خشونت بیشتری را پیش گرفته و به تمام افرادی که دستگیر میشوند بر حسب : اقدام علیه امنیت کشور را میزند !

ارقام دردناک !

" شاه سابق آنقدر به " ساواک " اختیارات بی حد و حصر داده بود که کار این سازمان به زور گوئی و قلدری رسیده و عملاً " مامورین ساواک به حقوق مردم تجاوز میکردند " شاه " خود نیز میدانست که بدون کمک " ساواک " قادر به ادامه سلطنت نیست " شاه سابق قصد داشت همه ناراضیاتی های مردم را با زور اسلحه ، تهدید اختناق و سانسور پاسخ گوید . موج ناراضیاتی مردم را فرا گرفته بود علیرغم تبلیغات شاه در مبارزه با بیسوادی هنوز هفتاد درصد ملت ایران بی سوادند ۲۳ درصد کودکان در ایران در سنین طفولیت به علت سوء تغذیه و درمان میمیرند و متوسط عمر در ایران در حد نصاب پائینی قرار داشته و ۳۸ سال است . برای بیش از ۳۵ میلیون ایرانی فقط ۷۵۰ بیمارستان وجود دارد ! یک کارگر صنعتکار با یک خانواده ۵ نفری بطور متوسط در ماه ۷۶۰ تومان حقوق دریافت میدارد و اجاره خانه بیشترین

۱۸ _____ ساواک

قسمت درآمد مردم را بخود اختصاص میدهد . . .

با این مشخصات مردم روز بروز ناراضی تر میشدند و " ساواک " روز بروز دژخیم تر و گسترده تر !

ملت ایران قربانی انقلاب سفید " شاه " شده بود زیرا از برکت این انقلاب هم بورژوازی ملی و هم اکثریت ملت و هر آنچه را که داشتند از دست دادند با این فرق که به ضعف بیشتر از اغنیا فشار آمد انقلاب سفید در حقیقت چیزی نبود جز حراج ایران به کارتل های جهانی و منافع سرمایه که شاه سابق نیز خود با آنها سرسری داشت !

این انقلاب به اصطلاح سفید که محور اصلی آن اصلاحات ارضی بود در حقیقت چیزی نبود جز تغییراتی مختصر که به خواست آمریکائی ها بوجود آمد طراح انقلاب سفید شاه شخصی به نام " فاستردالس " بود .

فروش زمین های شاه

فاستردالس برادر آلن دالس رئیس اسبق " سیا " بود او به شاه نصیحت کرد که زمینهای خود را بفروشد و پول حاصل از زمین را در کارهای پرمفعت تری مثل کارخانه ها ، بانک ها و شرکتهای تجاری بکار بیندازد ! اصلاحات ارضی بدین معنا نبود که زمینهای مالکین بین دهقانان تقسیم و به آنان هدیه شود بلکه شاه که خود بزرگترین زمین دار محسوب میشد و دارای بیش از دو هزار " ده " و هزاران چراگاه بود با این عمل زمینهای خود را به پول نزدیک کرد بدین صورت که بانک کشاورزی تاسیس شد و این

بانک زمین ها را از مالکین خریداری کرده و پس از کشیدن ۱۰ درصد سود آنها را به رعایا میفروخت . البته با این قرار که کشاورزان بدهی خود را به اقساط سالیانه و طول مدتی تا ۱۵ سال به پردازند شرایط پرداخت اقساط و طویل المدت بودن قروض ، دهقانان را نابود کرد آنها زمین ها را رها کرده و به شهرها رفتند در بند دوم از ماده دوم قانون اصلاحات ارضی آمده است که در سراسر کشور مالکیت یک فرد به یک ده محدود میشود صاحبان دهات اجازه دارند فقط یکی از آنها را برای خود انتخاب کنند دهات دیگر طبق مواد قانونی تقسیم خواهند شد . باغات میوه ، مزارع چای و تمام زمینهای زیر کشت مکانیزه از این قانون مستثنی هستند بدین ترتیب راه را باز گذاردند تا مالکین بتوانند املاک خود را به نام افراد خانواده خویش نموده و در حقیقت چیزی از دست ندهند بدین ترتیب مالکیت فئودال ها بر زمین ها فقط ۹ درصد کاهش یافت !

حالا چرا خوداربابان فئودال هم نسبت به شاه خشمگین بودند؟ این داستان جداگانه ای دارد و مربوط به چگونگی پرداخت اقساط است . برای اینکه شاه در واقع خود را از دیگران ثروتمندتر کرده و پول زمینهای خود را بلافاصله از بانک کشاورزی گرفته بود! در حالیکه زمینداران دیگر پول خود را به اقساط طویل المدت دریافت میکردند!

مساله بی بنام زبان مادری

رژیم شاه سالها ادعا میکرد که تمام مخالفین دستگاه بیدادگر پهلوی

افرادی هستند که با هم علیه شاه و مملکت اتحادی برای توطئه تشکیل داده اند و مارکسیست ، لنینیست و تروریستها هستند !

مجله معروف آلمانی اشپیگل مینویسد . تمام مخالفین رژیم شاه صرفنظر از ایدئولوژی خود اصل "ظلم مساوی بر همه " را مدنظر داشته اند زیرا رژیم شاه به یکسان نغمه های آزادیخواهی تمام طبقات و تمام افکار و عقاید را ظالمانه ترور کرده بود رژیم فاشیستی در ایران نظیر تمامی رژیم های فاشیست دیگر نه تنها نهضت های مترقی ، اجتماعی و اقتصادی بلکه اقلیت های ملی را نیز تحت فشار قرار داده بود ۵۱ درصد ملت ایران پارسی زبان هستند ، ۹/۵ درصد آنها کرد و ۲۰ درصدشان آذربایجانی میباشند مع الوصف رژیم فاشیستی محمدرضا پهلوی حتی اجازه صحبت کردن به زبان مادری را به این عده نمیداد مبارزات سیاسی در ایران دارای پیشینه ای طولانی است و از اینرو میتوان نقش ساواک را در بدو امر وحشت دیرینه و هول و هراس شاه از این مبارزات داشت از ژوئن ۱۹۴۹ مبارزات ملت ایران شدت وحدت بیشتری یافت .

تظاهرات آغاز می گردد

■ در ژوئن ۱۹۵۹ نزدیک به ۳۰ هزار نفر از کارگران کوره های آجرپزی دست به اعتصاب و تظاهرات میزنند " ساواک " وارد عمل میشود و با کشتن صدها نفر و دستگیری گروهی قضیه را پایان میدهد .

■ در دسامبر ۱۹۵۹ دانش آموزان دبیرستانهای تهران علیه محرومیت های اجتماعی و محدودیت های سیاسی دست به تظاهرات میزنند در این تظاهرات ساواک عمل کرده و ۸ نفر را به قتل میرساند گروه بسیاری زخمی

ساواک _____ ۲۱

میشوند و ۳۶۰ نفر هم روانه زندانهای " ساواک " میگردند!

✽ در آوریل ۱۹۶۱ دبیران دبیرستانهای تهران برای نیل به درخواست‌های حقوقی خود دست به اعتصاب میزنند آنها نسبت به درآمد ماهیانه خود اعتراض داشتند " ساواک " وارد عمل میشود یک معلم کشته، ۳ نفر مجروح و گروه بیشماری دستگیر میشوند.

✽ در ژانویه ۱۹۶۲ - دانشجویان دانشگاه تهران برای ازدیاد بورس تحصیلی اعتصاب میکنند ماموران ساواک به ساختمانهای دانشگاه هجوم آورده و آزمایشگاه‌ها را با خاک یکسان مینمایند در این حمله صدها دانشجو مضروب و دستگیر میشوند.

در ژانویه ۱۹۶۲ در دانشگاه تهران تظاهراتی برپا میشود و متعاقب آن دانشجویان برای ازدیاد بورس تحصیلی دست به اعتصاب میزنند دژخیمان ساواک با کمک " گارد " به دانشگاه حمله کرده صدها دانشجو را به شدت زخمی مینمایند گروه زیادی نیز دستگیر میشوند. بدنبال هجوم ناجوانمردانه " ساواک " دانشجویان میتینگی به منظور اعلام همبستگی با دانشجویان دستگیر شده برپا میکنند بار دیگر " ساواک " وارد عمل شده و پانصد نفر از دیگر دانشجویان را مضروب و به شدت زخمی مینماید در این حمله وحشیانه یکی از دانشجویان دانشگاه تهران به نام " مهدی کلهر " شهید میگردد.

در سال ۱۹۶۳ مراسم سوگواری ماه محرم الحرام مبدل به تظاهرات سیاسی بر علیه رژیم میشود تظاهر کنندگان خواستار آزادی زندانیان

ساواک ۲۲

سیاسی و اجرای انتخابات آزاد هستند " ساواک " " گارد شهربانی " و نیروهای ویژه حافظ شاه وارد عمل شده و هزاران نفر را به مسلسل میبندند در همین حین خبر میرسد که در ورامین هزاران نفر به قصد پیوستن به تظاهر کنندگان تهرانی اجتماع کرده اند بار دیگر دژخیمان ساواک وارد عمل شده و ورامین را به قتلگاه صدها شهید مبدل میسازند . همزمان در دیگر شهرهای ایران نیز تظاهراتی صورت میگیرد که از سوی ساواک و مزدوران شاه سابق تظاهر کنندگان به خاک و خون کشیده میشوند مجموعاً " ۴۰۰۰ نفر در این تظاهرات جان خود را از دست میدهند .

۲ سال بعد یعنی در ژوئیه ۱۹۶۵ در استان فارس اهالی و قبایل این استان علیه شاه بها میخیزند نیروی هوایی به سرکوبی عشایر و مخالفین شاه برخاسته و روستاها را بمباران میکند .

شورش علیه " شاه " در استان فارس با خشونت هرچه تمامتر سرکوب میشود رهبران عشایر و قبایل فارس به بیدادگاه های شاه کشانیده شده و بیدادگاه های نظامی حکم تیرباران مبارزین استان فارس را صادر میکند تعداد قربانیان این واقعه هرگز اعلام نشد .

جنگ و گریز مخالفین با سرسپردگان رژیم علیرغم سرکوبی وحشتناک عمال استبداد داخلی و استعمار خارجی ادامه مییابد در ماه مارس سال ۱۹۷۱ برای نخستین بار یک گروه چریکی به نبرد مسلحانه علیه رژیم منفور پهلوی دست میزنند در " سیاهکل " دو تن از مبارزین به شهادت رسیده و هفده تن دیگر به طرز وحشیانه ای در زندان اوین مورد شکنجه قرار میگیرند پای

یکی از دستگیر شدگان را با اره برقی زنده زنده قطع میکنند . رهبران گروه که خود بدست رژیم و به هنگام دستگیری به شهادت رسید " صفائی فرهانی " بود که تجربیات چریکی را در فلسطین آموخته بود واقعه " سپاهکل " نقطه عطفی در مبارزه علیه رژیم گردیده بطوریکه از آن پس توسل به اسلحه علیه رژیم بیشتر در میان مبارزین دیده میشود . در آوریل سال ۱۹۷۱ دو هزار تن از کارگران کارخانه پارچه بافی کرج " کارخانه چیت جهان متعلق به فاتح " تقاضای افزایش دستمزدهایشان را نموده و برای رسیدن به خواسته خود دست به اعتصاب زده و به طرف تهران راهپیمائی میکنند . مامورین " ساواک " که از ماجرا مطلع شده بودند به کمک عوامل ژاندارم در " کاروانسرا سنگی " راه را بر کارگران بسته و آنها را به مسلسل میبندند در این حادثه حداقل بیست تن از کارگران به قتل رسیده و صدها نفر زخمی میشوند اعتصاب های کارگری همچنان جسته و گریخته ادامه مییابد بطوریکه در اوت ۱۹۷۴ کارگران کارخانه آجرپزی " ایرانیان " واقع در جنوب تهران علیه اخراج ۴ تن از دوستان خود که به دستور کارفرما صورت گرفته بود اعتصاب می کنند " ساواک " برای شکستن اعتصاب وارد عمل شده و بلحاظ تیراندازی های وحشیانه عمال " ساواک " ۴ تن از کارگران به قتل می رسند علیرغم تلاش رژیم برای مخفی نگه داشتن این اخبار دانشجویان مبارز دانشگاه تهران از ماجرا مطلع شده و به عنوان همبستگی با کارگران مظلوم دست به تظاهرات گسترده ای می زنند که موجب اخراج یکصد و پنجاه تن از دانشجویان از دانشگاه می شود .

اعتصابات و تظاهرات ادامه مییابد. کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران، شرکت اتوبوسرانی تبریز و و. و. دست به اعتصاب می‌زنند. "ساواک" با همه تلاش خود و با همه فشاری که به مردم وارد می‌سازد موفق نیست گورستانی را که مورد علاقه شاه است ایجاد نماید زندانهای "ساواک" مملو از زندانیانی است که فقط به واسطه یک اعتراض ساده روانه سلول‌های تاریک و نمناک "اوین" شده و مورد شکنجه‌های وحشیانه قرار میگیرند. بریدن دست و پا با اهره برقی، بیرون آوردن چشم و کور کردن زندانی، تجاوز با باتوم، انداختن جانوران وحشی در سلول زندانیان تجاوز به زن و فرزند زندانی در برابر چشمانش و هزاران عمل وقیحانه و جنایتکارانه دیگر از شگردهای "ساواک" برای بزانو درآوردن معترضین و مخالفین بود مرکز اصلی شکنجه در زندان اوین واقع در اراضی "سعادت آباد" متعلق به سید ضیا الدین طباطبائی بود.

"زندان اوین" . . . باور نکردنی است . . . آنقدر باور نکردنی که هنوز هم پس از سقوط این "مخوف‌ترین" زندان همه تاریخ جهان . . . فتح "اوین" توسط توده‌های رزمنده خلق به یک رویا بیشتر شبیه است تا واقعیت . . . در همه‌ی روزهایی که انقلاب تداوم یافت هر گوشه از میهن عزیزمان سنگر مبارزه و آزادیخواهی بود . . . اما زندانهای سیاسی کشور، این نخستین سنگرهای مبارزه و آزادیخواهی که برجسته‌ترین فرزندان خلق مبارزمیهن‌رادر بند داشت مبارز ما را از سالها پیش "لبیک" گفته بود . . . فرزندان غیور و میهن پرست این سرزمین اسلام پناه زیر مهیب‌ترین

شکنجه ها ، اسیرمخوف ترین سلولهای زندان ، از جان گذشتند و هرگز به دشمن پاسخ مثبت ندادند عظمت مبارزه آنهاستیکه اقامت در سلولهای نمور ، تاریک و زیرزمینی را بر زندگی در محیط خفقان و استبداد ترجیح دادند ، اهمیت عظیم مبارزه مظلومینی که به دلیل اعتراض به ظلم و ظالم بهترین سالهای عمر خود را در مبارزه با " طاغوت " زیر شکنجه های طاقت فرسا گذراندند قابل توصیف نیست باید رفت و زندان " وحشتناک " اوین را دید و عظمت فاجعه را از نزدیک لمس کرد

" زندان اوین " در شمال غربی تهران و در دهکده سعادت آباد ملک سابق سید ضیاء الدین طباطبائی بنا شده است ما شما را به بازدید از این - دژ قرون وسطائی میبریم ساعت ۱۲ ظهر است . آفتاب در وسط سقف آسمان می درخشد اما انوار طلائی آن هرگز راهی به داخل سلولهای تاریک این قتلگاه رزمندگان آزادیخواه ایران ندارد قبل از بازدید لازم است چراغ قوه ای تهیه کنیم تا به کمک آن بتوانیم از راهروهای تنگ و طولانی و تاریک زندان عبور نمائیم

از برابر دفاتر اداری زندان میگذریم و وارد محوطه اصلی میشویم . دفاتر اداری زندان از یک ساختمان یک طبقه تشکیل شده است که در برابر در اصلی " اوین " قرار دارند ساواکی ها در این دفاتر از بهترین وسائل رفاهی استفاده میکرده اند فرش های گرانقیمت مبلمان های استیل ، تلویزیونهای رنگی و اطاق های استراحت در جوار اطاق کار ! این وضعیت نشان میدهد که مامورین " ساواک " در گوشه زندان هم برای خود زندگی

۲۶ _____ ساواک

مجللی داشته اند . . . در گوشه ای از این ساختمان دفتری یک بار وجود دارد که مامورین شکنجه و ساواکی ها در آن مشروب خواری میکرده اند یخچالهای منهدم شده و شیشه های شکسته نوشابه ها دلیل این مدعاست .

از ساختمان اداری بیرون میآئیم و راه اصلی زندان را پیش میگیریم . . . در قسمت شرقی خیابان اصلی زندان دو ساختمان بزرگ وجود دارد که پس از پرس و جو معلوم میشود آپارتمانهای مبله ای بوده است که مامورین ساواک به عنوان خانه های سازمانی از آن استفاده میکرده اند این ساختمانها به قدری شیک و زیبا ساخته شده اند که نظیر آنها را در شهر تهران هم کمتر میتوان دید ! این قسمت زندان ویژه افراد " ساواک " و زندانبانها بوده است . . . در داخل این " دژ " در یک گوشه فرزندان خلق اسیر شکنجه گر و سلول نمناک بودند و در این قسمت دژخیمان " ساواک " به خوشگذرانی میپرداختند . کوچه بار یکی از این خیابان جدا شده و در امتداد کوه ادامه می یابد این کوچه باریک به " زندان زنان " ختم میشود درد و طرف یک خیابان کوچک دو ساختمان طویل دو طبقه به موازات یکدیگر قرار گرفته اند . از این ساختمانها می توان بوی مرگ و نیستی را براحتی استنشاق کرد . سکوت سنگینی بر فضای داخل زندان سایه افکنده است . آدمی احساس میکند بار سنگینی روی دوش دارد . یکنوع التهاب در بیننده ایجاد میشود . فریاد زندانیان را میشنوی که در راهروی میان سلولها پیچیده است . صدای زندانیان را که تحت وحشیانه ترین شکنجهها قرار گرفته اند در سلولهایی که اینک به برکت انقلاب خالی شده اند روی

ساواک _____ ۲۷

دیوارهای نمناک و در فضای سنگین و تاریک سلول به وضوح میتوان شنید و درود دیوار سلولهای زندان آثار خون دیده میشود . . تعدادی لباس زنانه خون آلود در کف سلولها پراکنده است . اینجا یک راهروی طویل به طول تقریبی ۴۰متر و عرض یک متر! وجود دارد که در دو طرف آن سلولهایی به مساحت یک متر مربع مانند قوطی های کبریت کنار هم ردیف شده اند هر سلول مساحتی حدود یک متر در یک متر و چند سانت دارد بطوریکه یک نفر زندانی حتی نمیتواند داخل آن دراز بکشد! دیوارهای سلول تا نیمه خیس است هوای داخل سلولها غیر قابل استنشاق و از چراغ برق خبری نیست . در انتهای سقف هر سلول یک پنجره کوچک قرار دارد که شیشه آنرا با رنگ تیره ای پوشانده اند تا بدینوسیله زندانی را از ملاقات روزانه با خورشید نیز محروم دارند! کف هر سلول یک ظرف پلاستیکی رنگ و رو رفته وجود دارد که زندانیان در آن قضای حاجت میکرده اند! یک تشک پنبه ای هم کف هر سلول افتاده است . سطح دیوارها نیز با رنگ های تیره نقاشی شده اند وارد یکی از سلولها شده ام . نوعی حالت بهت و گیجی در خود حس میکنم . به روان پاک و روح سلحشور مبارزینی که در این سلولها زیر شکنجه های دژخیمان " ساواک " جان باخته اند درود میفرستم . اینجا محل مبارزه زنان و دختران آزادیخواه و مجاهدی بوده که همواره در برابر ظلم و ستم جوابشان " نه " بوده است و در راه ادای این " نه " شجاعانه از جان خود گذشته اند . یاد حرف های " دیکتاتور " می افتم که همیشه با لحنی فریبکارانه و چهره ای مزورانه ادعا میکرد تعداد سیاسیون زندانی

۲۸ _____ ساواک

پازندانیان سیاسی در ایران چیزی بین ۱۰۰ یا دویست نفر است در حالیکه در همین زندان زنان اوین فقط برای یکهزار نفر سلول وجود دارد!

قسمت بعدی زندان اوین یک زندان مدرن و نوساز است. تحقیقات نشان داده که این زندان را به این منظور ساخته بودند تا به هنگام بازدید نمایندگان کمیسیون حقوق بشر و سازمانهای مشابه بین المللی گروهی از خود مامورین را به زندان برده و آنها را فریب داده حقایق را پنهان دارند!

وارد ساختمانی میشویم که از بیرون دو طبقه به نظر میرسد این ساختمان زندان مردان بوده است. طبقات ساختمان را میشماریم از داخل ۵ طبقه است! ۵ طبقه را پشت سر میگذاریم تازه وارد یک حیاط خلوت بزرگ میشویم!

چیز عجیبی است اینکار را یکبار دیگر هم تکرار میکنیم اما درون راهروهای پر پیچ و خم زندان گم میشویم ساختمان را طوری ساخته اند که محال است اگر حتی یک زندانی را داخل آن آزاد بگذارند بتواند راه فرار خود را بیابد! در طبقه دوم این ساختمان عجیب یک دیوار متحرک وجود دارد که پشت دیوار ۲ آسانسور دیده میشود این آسانسورها به اعماق زمین فرو میروند و مشخص نیست که آیا نظیر چنین زندانهائی در زیر زمین هم بوده است یا نه؟! بکمک یکی از راهنمایان زندان از سردرگمی نجات یافته و محوطه آنرا ترک میکنیم بوی تعفن از داخل سلولها به مشام میرسد کف راهروها و پشت سلولها موکت های صداگیر که شبیه نوعی نمد است پهن کرده اند تا مامورین ساواک و زندانبانها هنگام سرکشی مخفیانه

پشت در سلولها و استراق سمع صدای پایشان به گوش زندانیان نرسد در بالای هر سلول یک روزنه هوا لوله کشی شده وجود دارد یکی از حاضرین میگوید از داخل این لوله ها تا صد درجه هوای منجمد شده سرد و تا صد درجه هوای گرم وارد میکرده اند و این یکنوع وسیله شکنجه بوده است بطوریکه زندانی را در داخل سلول تا مرز انجماد کامل به پیش میبردند!

در " زندان اوین " بدیدن یکی از سالنهای ویژه شکنجه میرویم . در این سالن به فاصله هر یکمتر از دیوار وسائل ویژه برقی آویزان کرده اند زندانیان را در کنار دیوارها می بستند و سیم های برق را به بدن آنها وصل میکردند در اینجا یک وسیله عجیب جلب نظر میکند که شبیه " گیوتین " است .

این وسیله ای برای قطع انگشتان دست زندانی به منظور شکنجه بوده و شکنجه گران انگشتان دست زندانی را زیر این گیوتین می بستند و انگشت دست او را آهسته آهسته قطع میکردند تا بدینوسیله از او اعتراف بگیرند! یک اطاق دیگر در زندان اوین وجود دارد که به اطاق " شمع سوز " معروف است در این اطاق به روشهای مختلف از جمله سوزاندن شمع زیر بدن ، زندانی را شکنجه میکرده اند . یک تخت خواب فلزی هم جلب نظر میکند که بی شباهت به یک اجاق برقی نیست . زندانی را روی این تخت می خوابانیده اند و سیم های برق را که به تخت متصل بود به " پیریز " وصل میکردند تا تخت خواب سرخ شود و زندانی دچار سوختگی گردد! " مهدی رضائی " مجاهد شهید را با همین وسیله تا بدان حد سوزاندند که به شهادت رسید. نوعی

۳۰ _____ ساواک

وسیله شکنجه دیگر که دژخیمان از آن استفاده میکرده اند یک سینی بزرگ است که شبیه ماهی تابه های آشپزی است آنها زندانی را درون این ظرف بزرگ گذاشته و سرخ میکرده اند! آثار جنایت مامورین شکنجه ساواک آنقدر فراوان است که بیننده نمیداند به تماشای کدامیک بایستد نیست تماشاگری که از اینهمه قساوت و بیرحمی دچار آشفتنگی روحی نشود.

در یکی از انبارهای زندان اوین که تدارکات مامورین ساواک را انجام میداده است نزدیک به یکصد لباس ضد گلوله بدست آمده که مامورین "کمیته اقدام" ساواک به سرپرستی "پرویز ثابتی" هنگامیکه به رویارویی با مجاهدین و مبارزین خلق های محروم ایران میرفته اند این لباس ها را به تن میکردند تا در برابر شلیک احتمالی گلوله مصون باشند این لباسها طوری تهیه شده اند که گلوله بر آنها کارگر نیست.

بازدید از زندان "اوین" خاطره کوره های آدم سوزی "نازیها" رادربیننده تداعی میکند زیرا در یکی از سالنهای زیرزمینی آن یک دستگاہ عظیم وجود دارد که به دو منبع سوخت متصل است. احتمال میدهند که "ساواک" قربانیان خود را در این کوره ها میسوزانیده است در یک سالن بزرگ که پشت محوطه زندان زنان اوین قرار دارد انبوهی از مدارک، کتب و جزواتی که هنگام دستگیری مبارزین علیه رژیم شاه سابق بدست آمده نگهداری میشد این کتب مدارک دستگیری جوانان اندیشمندی بوده است که به جرم مطالعه کتاب به زندانهای طویل المدت محکوم شده اند در لابلای کتاب ها این عناوین را دیدیم. روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران.

مجله آهنگان مجله نوید و وو . . . آثاری از این نویسندگان هم دیده
میشد . صمد بهرنگی ، ماکسیم گورکی ، جلال آل احمد ، محمود دولت
آبادی و و . . .

ظاهرا " زندانیان حق داشته اند تا برای دوستان و بستگان خود نامه
بنویسند . . . اما ما صدها نامه پیدا کردیم که زندانیان به عنوان خانواده
خود فرستاده ولی مامورین ساواک آنها را نگهداری کرده و نگذاشته بودند
به دست بستگانشان برسد مقررات زندان به محبوسین اجازه نمی داد که از
شرایط زندان و اوضاع داخلی آن چیزی برای اقوام و آشنایانشان بنویسند
اما همین نامه های ساده آنان را نیز جمع آوری و بایگانی میکردند تعدادی
از این نامه ها را پس از مدتی جستجو پیدا کردیم . مامورین " ساواک " از
قدرت بی چون و چرائی برخوردار بودند آنها همه ی مقامات و مراجع دولتی
و کشوری و لشگری را تحت نفوذ خود داشتند در کشوی میز یکی از روسای
ساواک نامه سفارشی را پیدا کردیم که به عنوان یکی از نمایندگان مجلس
نوشته بود تا برای یکی از بستگان خود کاری پیدا کند !

مامورین ساواک در یورش های وحشیانه خود به منازل مردم حتی
آلبوم های عکسهای خانوادگی آنها را نیز جمع آوری کرده و با خود به
" اوین " آورده و ضمیمه پرونده کرده بودند ما تعدادی از این آلبوم های
خانوادگی را در یکی از دفاتر بایگانی زندان اوین پیدا کردیم .

بنظر میرسد " زندان اوین " مقر عملیات در سراسر کشور بوده است
به کمک چند تن از مجاهدینی که به هنگام تسخیر دژ " اوین " شرکت

داشته اند در ب یکی از کمدهای بایگانی را باز کردیم و نامهای را که سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان غربی به مدیریت کل اداره سوم " ساواک " فرستاده بود و ضمیمه پرونده ای بود مطالعه نمودیم نامه که چندین مهر محرمانه روی آن خورده است حاکی از دستگیری هشت جوان دانشجو در دانشگاه آذربادگان و شکنجه و آزار و اذاء آنان توسط مقامات ساواک آذربایجان غربی است این هشت نفر دانشجو که متهم به اقدام علیه امنیت کشور بوده اند بطوریکه در متن گزارش ساواک آمده است بدلیل خواندن چند روزنامه و اعلامیه دستگیر شده اند .

در این نامه محرمانه " صیادیان " رئیس ساواک آذربایجان غربی با کمال وقاحت و بیشرمی اقرار کرده است که این هشت نفر دانشجو پس از دستگیری شدیداً " مورد شکنجه قرار گرفته و چون اقرار نکرده اند برای تحقیقات بیشتر ! همراه با محافظین امنیتی به تهران و به اوین فرستاده میشوند تا در تهران با استفاده از وسائل پیشرفته شکنجه " مقرر " بیایند ! به هر گوشه " زندان اوین " که سرک میکشی ، آثاری از شکنجه و آزار و اذاء زندانیان بیدفاع مشهود است . در دفتر یکی از روسای زندان به نوعی ابزار برقی برخورداریم که معلوم شد نوعی وسیله مخصوص برای ناخن کشیدن زندانیان بوده است ...

راستی در طول مدت زمانی که از عمر این دستگاه جهنمی میگذرد ... چند نفر در زندانهای آن به بند کشیده شده اند ؟ ! چند نفر در زیر شکنجه وحشیانه دزخیمان آن جان باختند ؟ ! و چند نفر به جرایم واهی تیرباران

شده اند؟ ...! " شاه سابق " همیشه تعداد زندانیان سیاسی را چیزی کمتر از هزار نفر ذکر میکرد ولی آیا برآستی این چنین بوده است؟! " زندان اوین " یکی از زندانهای " ساواک " بوده است نظیر این زندان در عادلآباد شیراز، رشت، سلطنتآباد، قزل قلعه و دیگر شهرستانهای ایران نیز وجود داشته است. آیا اینهمه سلول های انفرادی و زندانهای دسته جمعی برای نگهداری صد و پنجاه تا دویست نفر بوده است؟ آیا در مدت بیش از پنجاه سال حکومت رضاخانی و محمد رضا خانی در این مملکت دستگاه اهریمنی " ساواک " فقط برای دستگیری سالی چند نفر چنین ابعادی پیدا کرده بود؟

" رضاخان " پس از بقدرت رسیدن در ایران و برپائی رژیم منحوس پهلوی بین سالهای " ۱۳۰۹ و ۱۲۹۹ " برای نخستین بار در ایران یک دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی تاسیس کرد و بعدها همین دستگاه جاسوسی رضاخانی پایه های تشکیل یکی از مخوف ترین سازمانهای جاسوسی فاشیستی جهان گردید . در نخستین روزهای سال ۱۳۲۸ دکتر محمد مصدق متوجه شد . بیشترین مخالفین فعال او در سازمان اطلاعات ارتش هستند ، مرحوم دکتر مصدق سعی کرد تا ارتش را از وجود این عناصر تصفیه نماید اما موفقیتی در اینکار حاصل ننمود و سرانجام نیز توسط همین نظامیان دولت ملی اوسرنگون گردید . پس از سقوط حکومت دکتر مصدق " تیمور بختیار " که فرماندار نظامی تهران بود به قدرتمندترین مرد ایران مبدل گردید " بختیار " صرفنظر از فرمانداری نظامی ریاست اداره اطلاعات ارتش و

۳۴ _____ ساواک

رہاست اداره کارآگاہی تهران را نیز بہ عہدہ داشت . بختیار در موضع قدرتمند فرماندار نظامی ، رئیس ادارہ اطلاعات ارتش و رئیس ادارہ کارآگاہی شدیداً " با فعالیت احزاب سیاسی و گروہ ہا و جمعیت ہای مخالف رژیم مبارزہ میکرد . سرتیپ بختیار کہ بعدہا تا درجہ سپہبدی نیز ارتقاء مقام پیدا کرد در سال ۱۳۳۶ با کمک مستشاران آمریکائی پایہ های یک سازمان اطلاعاتی جدید را بنیان نہاد . کارگزاران آمریکائی این سازمان کہ بعدہا سازمان امنیت و اطلاعات کشور " ساواک " نام گرفت مامورین " سیا " بودند کہ تحت عنوان " ہیئت سری آمریکا " بہ ایران آمدہ و بعدہا با ہمکاری " موساد " اسرائیل ساواک را بنیان نہادند هنگامیکہ نگارندہ این سطور بہ بازدید از زندان اوین و قہمت ہای مختلف آن رفتہ بودم چندین آلبوم بزرگ عکس در یکی از قسمت ہای " اوین " نظرم را جلب کرد کہ ہر آلبوم متعلق بہ یکی از دانشکدہ های ایران بود و در آن عکس کلیہ دانشجویان را جمع آوری کردہ و بہ ہمراہ عکس مشخصات و آدرس صاحب عکس نیز دیدہ میشد . . . مامورین " ساواک " بعضی از عکسہا را بیرون آوردہ و در جای آن با علامت سیاہ " ضربدر " زدہ بودند . از این آلبوم های عکس و مشخصات " ساواک " برای کلیہ مستخدمین دولت و بخش خصوصی و صاحبان اصناف و مشاغل و حرف گوناگون تہیہ کردہ و ہر وقت یکی از این افراد دستگیر و یا کشتہ میشدند عکس او را از آلبوم درآوردہ و جای خالی را با ضربدر مشخص میکردند قانونی کہ مجلسین فرمایشی وقت مبنی بر تاسیس " ساواک " تصویب نمودند وظایف این سازمان را بہ شرح

زیر تصریح مینمود :

۱- سازمان " امنیت و اطلاعات کشور " قسمتی از اداره نخست وزیری بوده و رئیس آن مقام معاونت نخست وزیر را دارا میباشد رئیس " ساواک " توسط " شاه " تعیین میگردد .

۲- سازمان " امنیت و اطلاعات کشور " جمع آوری اطلاعات لازم برای " حفظ امنیت ملی " است . دیگر وظایف قانونی " ساواک " کشف فعالیت های جاسوسی ، عملیات و فعالیت های ضد سلطنتی میباشد .

۳- در مورد جرائمی که در حیطه ی اختیارات مقامات " ساواک " قرار دارد ، این مقامات برابر با سیستم دادگاه نظامی که ویژه مجرمین سیاسی تشکیل شده است نظیر نظامی عمل می نماید . بطوریکه از لابلای این سطور مشهود است قانونگذار با جمله بندی ماهرانه و انتخاب و جایگزینی کلمات مناسب راه فرار را برای مأموران ساواک باز گذاشته است بطوریکه - آنها که بخواهند عمل کرده و عمل خود را نیز با قوانین مصوبه مجلسین مطابق بدانند! رئیس " ساواک " با قدرت بی چون و چرای خود فقط در برابر شخص " شاه " پاسخگو و مسئول بوده است . بعضی از روسای " ساواک " نظیر " ارتشبد نصیری " با سوء استفاده از قدرت خود علاوه بر انجام ده ها کار غیر قانونی و خلاف موازین اخلاقی و انسانی حتی کار را به باج خواهی نیز رسانیده بودند تا جائیکه سرمایه داران و ثروتمندان مجبور بودند به خاطر مصون ماندن از تعرض مامورین " ساواک " مبالغ گزافی به رؤسای " ساواک " باج بدهند!

_____ ۳۶ ساواک

هنگامیکه همسر ارتشبد نصیری به مسافرت اروپا رفته بود در ویلای متعلق به محمود خیامی در سوئیس اقامت گزید و در مراجعت به تهران به ارتشبد نصیری اظهار داشت که ویلای خیامی را پسندیده است فوراً "نصیری" خیامی را احضار کرد و از او خواست تا ویلای خود را به همسر او واگذار نماید! "شاه سابق" "شخصاً" بر کلیه فعالیت های "ساواک" نظارت داشت او در سال ۱۳۴۲ بدنبال عدم موفقیت "ساواک" در کنترل شورش مردم "سازمان" را به شدت مورد انتقاد قرار داد و از ارتش خواست تا وارد عمل شده و مردم را سرکوب نماید. . . .

"تیمور بختیار" در سال ۱۳۴۰ سعی کرد تا در ارتش، برای خود پایگاهی بیابد اما مامورین اطلاعاتی ارتش و ساواک به رئیس خود نیز رحم نکرده و "شاه" را مطلع نمودند! بدنبال این اقدام "بختیار" به خارج از کشور تبعید شد و سرانجام نیز در سال ۱۳۴۹ به عراق رفت جالب اینکه "ساواک" یک سلسله عملیات بین المللی نیز برای ترور و آدمکشی در خارج از کشور تدارک دیده بود که طبق همین روش "تیمور بختیار" رئیس سابق ساواک را مامورین در عراق به قتل رساندند.

"زندان اوین" عمری طولانی دارد این زندان در دهکده ای به نام "سعادت آباد" واقع است. ده "سعادت آباد" از املاک سید ضیاء الدین طباطبائی نخست وزیر کودتا بوده که در همان زمان کودتای اوت ۱۲۹۹ زندان جمعی از دستگیر شدگان بود این زندان کوچک بعدها تبدیل به یکی از مخوف ترین زندانهای جهان گردید. دومین رئیس "ساواک"

ساواک _____ ۳۷

پس از تیمور بختیار " سرلشگر " حسن پاکروان " بود سرلشگر " حسن پاکروان " نتوانست شورش سال ۱۳۴۲ مردم علیه رژیم دیکتاتوری شاه سابق را پیش‌بینی کند ضمناً در سال ۱۳۴۴ به شاه سابق تیراندازی شد که این مسئله نیز مزید بر علت شده و " شاه " سابق سرلشگر پاکروان را از کار برکنار نمود . در خرداد ۱۳۴۲ وظیفه سرکوبی مردم را حکومت نظامی تهران به عهده گرفت که " نصیری " در آن تاریخ فرماندار نظامی تهران بود " نصیری به واسطه جنایات و خشونت‌هایی که در زمان فرمانداری نظامی خود انجام داد سرانجام به خاطر همین خوش خدمتی‌ها از سوی " شاه سابق " ریاست " ساواک " را تحویل گرفت و جاه طلبی‌ها و بیرحمی‌های او سرانجام " ساواک " را به یک گول جهنمی مبدل ساخت. بودجه رسمی " ساواک " بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳ دوپست و پنجاه و پنج میلیون دلار و برای سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴ سیصد و ده میلیون دلار بوده است اما مشخص است که این مبلغ بسیار کمتر از مبلغ اصلی بودجه ساواک بوده که در بودجه محرمانه این سازمان منظور میشد .

" شاه سابق " تعداد مامورین ساواک را ۳۱۲۰ نفر در سال ۱۹۷۶ ذکر کرده بود اما هفته نامه آمریکائی " نیوزویک " این تعداد را ۶۰ هزار نفر میداند .

" فردهالیدی " نویسنده معروف در کتاب معروف " ایران دیکتاتوری و توسعه " مینویسد: از هر یازده نفر ایرانی یکنفر بنحوی با " ساواک " مرتبط بوده است یعنی ۳ میلیون نفر با " ساواک " همکاری داشته و برای

آن خبرچینی میکرده اند " ساواک " وظایفی بیش از آنچه معمولاً به یک سازمان اطلاعاتی نسبت داده میشود انجام میداد نمونه هائی از این ماموریت ها عبارت بوده اند از : جاسوسی ، ضد جاسوسی ، جمع آوری اطلاعات سیاسی و نظامی و سرکوبی مخالفین در داخل و خارج کشور :

" ساواک " از طریق واحد " عملیات و اقدام " خود یک شبکه گسترده در تهران ایجاد کرده بود که به منزله سلسله اعصاب " ساواک " بودند " ساواک " در گوشه و کنار تهران صدها خانه امن را اجاره کرده و این خانه ها که شعب ساواک بودند با مرکز اصلی در " اوین " ارتباط داشتند این منازل امن اماکن جمع آوری اخبار و محل مبادله اطلاعات بوده و در ضمن هر وقت اتفاق غیر منتظره ای روی میداد پرسنل مستقر در این منازل به مقابله با آن میپرداختند یکی از این خانه های امن که ضمناً " شکنجه گاه هم بود در جریان انقلاب ملت ایران بدست مردم افتاده و اسرار زیادی از جنایات ساواک فاش گردید . این خانه ها که شعب کوچکی از " ساواک " بودند بنا به یک خبر تائید نشده تعدادشان در حدود ده هزار خانه بوده است .

فعالیت های " ساواک " بسیار گسترده بود در زندانها از همهی گروه های مردم اعم از دانش آموز ، دانشجو ، بازاری ، کاسب ، اداری و و اشخاصی در بند بوده اند . ساواک در سرکوبی مردم در تمام زمینه ها فعالیت داشت کار این سرکوبی از توقیف دستگیری و شکنجه نیز بالاتر رفته بود " ساواک " علاوه بر اینکه خود عامل " سانسور " در کشور

بود راسا" به انتشار کتاب و مجلات نیز میپرداخت " ساواک" کنترل ۰۰۰۰
اتحادیه کارگری را به عهده داشت و مقامات " ساواک" حتی کار را به جایی
رسانده بودند که در بعضی از کارخانه ها برای خود دفاتری تشکیل داده و
اینکار را تحت عنوان دفاتر " حفاظت " در تمام سازمانهای دولتی و غیر
دولتی نیز بسط و گسترش داده بودند! " ساواک " به تبعیت از یک " استراتژی "
و تز روحی و روانی محیط سوءظنی را در کشور ایجاد کرده بود که هر کسی
دیگری را مامور " ساواک " میدانست. این یک راه بسیار مؤثر و موزیانه برای
تضعیف روحیهی مخالفین بود.

همانطوریکه در قسمت های قبلی این گزارش مطالعه نمودید ما ضمن
تفحص و جستجو در دوایر مختلف " ساواک " و زندان اوین متوجه اسناد
و مدارکی شدیم که احتمال وجود افراد خارجی را در دوایر ساواک و زندان
اوین میداد در شرح وظایف ساواک نیز در چهار مورد جاسوسی، عملیات
پنهانی در خارج کشور، ارتباط با سازمانهای جاسوسی خارجی و زیر نظر
گرفتن ایرانیان در خارج از کشور. همکاری ساواک با سازمانهای مشابه
در دیگر کشورهای جهان " محرز " است مامورین " ساواک " در آن گروه از
کشورهای آسیای غربی که رژیم سابق ایران مدعی داشتن منافعی در آنها
بود فعالیت داشتند مامورین " سیا " در مصاحبه هائی که در نشریات
آمریکائی و اروپائی آمده است فعالیت های " ساواک " را در کشورهای
حوزه خلیج فارس، خاور میانه، مصر و لبنان تأیید کرده اند حتی یکی
از مقامات " سیا " گفته است که ما به مامورین " ساواک " در مورد این
ساواک

فعالیتها نمرات بالائی میدهیم! " ساواک " به هنگام شورش کردها در شمال عراق یک سازمان امنیتی به نام " پرستین " برای حفظ جان " بارزانی " تشکیل داده بود! " ساواک " در عمر فعالیت های خود با سازمان " سیا " و " موساد " اسرائیل همکاری موثری داشته و علاوه بر این سازمانها ، سازمان " اف - بی - آی " که یک سازمان جاسوسی داخلی در آمریکا است نیز با پلیس سیاسی ایران همکاری نزدیک داشته است .

از سال ۱۹۷۳ به بعد به دنبال تعطیل مرکز جاسوسی آمریکا در " نیکوزیا " پایتخت " قبرس " " تهران " به عنوان مقر اداره مرکزی " سیا " در خاور میانه برگزیده شد در این سال " ریچارد هلمز " رئیس سابق " سیا " نیز به عنوان " سفیر کبیر " آمریکا به تهران آمد که انتصاب " هلمز " رئیس سابق " سیا " نیز به عنوان " سفیر کبیر " در یک زمان توأم با انتقال مقر جاسوسی " سیا " به خاور میانه نمیتواند بی دلیل باشد مطبوعات آمریکائی علاوه بر همکاری واضح و روشن " ساواک " با " موساد " و " سیا " خبر از همکاری های " ساواک " در سطح بسیار گسترده با سازمانهای جاسوسی " پاکستان " ، " اردن " ، " افغانستان " ، " عربستان سعودی " و " ترکیه " میدهند " ساواک " تا قبل از کودتای دست چپی آوریل ۱۹۷۸ با سازمان اطلاعاتی افغانستان در تماس بوده است .

در حین جستجو در یکی از بایگانی های " ساواک " نگارنده متوجه چند سند محرمانه " ساواک " شد که از روی آنها عکس برداری شده بود و کپی های عکس واصل سند تو اما در محل وجود داشتند این محل یک

لابراتوار پیچیده و مدرن عکاسی بود. در این لابراتوار عکسهائی که مخفیانه از تظاهرات و گرد همائی های مخالفین توسط ماموران " ساواک " گرفته میشد ظاهر کرده و با شناسائی افراد ماموران به تعقیب آنها میپرداخته اند .

" ساواک " در خارج از کشور هم به تعقیب مخالفین رژیم میپرداخت اعم از اینکه این مخالفین ایرانی بوده و یا تبعه کشور دیگری باشند .

مدارکی که در سال ۱۹۷۵ طی یک حمله توسط جوانان مبارز و مخالف رژیم شاه سابق به سفارت ایران در " ژنو " بدست آمد و در این گزارشها تعدادی از آنها را به چاپ داده ایم نشان میدهد که سفارت ایران در " ژنو " اداره ی مرکزی " ساواک " در اروپا بوده است . در دستوری هم با امضای پرویز ثابتی که در یکی از این مدارک دیده میشود آمده است که ۲ تن از نمایندگان پارلمان انگلیس که از اعضای حزب کارگر این کشور بوده اند بایستی مورد تعقیب قرار گرفته و مدارکی علیه آنها جمع آوری گردد .

مدارک بدست آمده همچنین نشان میدهد که مامورین " ساواک " در جریان عملیات خود اقدام به ضبط مکالمات تلفنی این مخالفین نموده اند ! در سال ۱۳۴۵ این مدارک در مطبوعات اروپا و آمریکا انتشار یافت و دولت - " سوئیس " سفیر ایران در این کشور را به عنوان جاسوس " ساواک " از کشور خود اخراج نمود . سفیر ایران در ژنو " احمد مالک مهدوی " بود که در همین مدارک ارتباط وی با یکی از اعضاء سفارت ایران در پاریس فاش و مشخص شده است . در این مدارک دلایلی وجود دارد مبنی بر اینکه سفارت خانه های ایران در خارج از کشور به شعب " ساواک " تبدیل شده بودند .

ساواک _____ ۴۲

وزارتخارجه ایران نیز به کارگزار " ساواک " تبدیل شده بود متن یکی از نامه های محرمانه وزارت امور خارجه نمایانگر این ادعاست .

وزارت امور خارجه

اداره : کارگزینی

شماره ۱۶/۱۴۵۸۴

تاریخ ۵۳/۱۱/۲۴

سری

بخشنامه به روسای - ماموریت های شاهنشاهی - نظربه اینکه مامورین سازمان اطلاعات و امنیت کشور که در نمایندگی های شاهنشاهی در خارج بخدمت اشتغال دارند وظایف خود را زیر نظر و با راهنمایی و ارشاد روسای نمایندگی های شاهنشاهی انجام میدهند رعایت هماهنگی در انجام وظایف محوله ایجاب مینماید که با آنان نیز مانند سایر اعضای نمایندگی رفتار و به منظور آشنائی با اوضاع و احوال محل ماموریت در جلساتی که معمولاً با شرکت کارمندان تشکیل میشود شرکت داده شوند و بدینوسیله در جریان امور جاری سفارت قرارگیرند . انتظار دارد کمال همکاری و تشریک مساعی را نسبت به مامورین مزبور معمول دارند .

وصول این بخشنامه را اعلام فرمائید .

وزیر امور خارجه - عباسعلی خلعتبری رونوشت برابر اصل است .

* قانون تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور " ساواک " منحل در

۱۳۳۵ به تصویب رسید در این قانون ۵ ماده تصریح شده و در لایحه اصلاحی آن که در سال ۱۳۳۷ تصویب شد ۲ ماده دیگر بدان اضافه گردید .

« قانون تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور "ساواک" »

" مصوب ۱۳۳۵ شمسی "

« ماده یک: برای حفظ امنیت کشور و جلوگیری از هر گونه توطئه که مضر به مصالح عمومی است سازمانی به نام اطلاعات و امنیت کشور وابسته به نخست وزیر تشکیل میشود و رئیس سازمان سمت معاونت نخست وزیر را داشته و به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی منصوب خواهد شد .

« ماده دوم: سازمان اطلاعات و امنیت کشور دارای وظایف زیر است:

الف) تحصیل و جمع آوری اطلاعات لازم برای حفظ امنیت کشور .
ب) تعقیب اعمالی که متضمن قسمتی از اقسام جاسوسی است ، عملیات عناصری که بر ضد استقلال و تمامیت کشور و یا به نفع اجنبی اقدام کنند .

ج) جلوگیری از فعالیت جمعیت هائی که تشکیل و اداره کردن آنها غیر قانونی اعلام شده یا شود و همچنین ممانعت از تشکیل جمعیت هائی که مرام و یا رویه آنها مخالف قانون اساسی است .

د) جلوگیری از توطئه و اسباب چینی بر ضد امنیت کشور .

ه) بازرسی و کشف و تحقیقات نسبت به بزه های زیر:

۱- بزه های منظور در قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال

مملکت مصوب ۲۲ خرداد ماه ۱۳۱۰

۲ - جنحه و جنایاتی که در فصل اول باب دوم قانون کیفر عمومی مصوب دیماه ۱۳۰۴ پیش بینی شده است .

۳ - بزه های مذکور در مواد ۳۱۰ ، ۳۱۱ ، ۳۱۲ ، ۳۱۴ ، ۳۱۶ ، ۳۱۷ ،

قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۳۸

ماده سوم : ماموران سازمان اطلاعات و امنیت کشور از حیث طرز تعقیب بزه های مذکور در این قانون و انجام وظایف در زمره ضابطین نظامی خواهند بود و از تاریخ تصویب این قانون رسیدگی به کلیه بزه های مذکور در فوق در صلاحیت دادگاه های دائمی نظامی خواهد بود .

تبصره ۱ - انجام وظایف و تکالیف سازمان اطلاعات و امنیت کشور از حیثی که ضابطین نظامی محسوب اند بهیچ وجه مانع انجام وظایف و تکالیفی که بموجب قانون دادرسی و کیفر ارتش بر عهده ضابطین نظامی است نخواهد بود و همچنین مواد این قانون مانع اجرای قوانین و احکام و آئین نامه ها و مقرراتی که مربوط به تکالیف نظامی و ژاندارمری و شهربانی نسبت به انجام وظایف و خدمات محوله است نمیباشد .

تبصره ۲ - رسیدگی به بزه هایی که به موجب این قانون در صلاحیت دادگاه دائمی نظامی شناخته و متهمین به ارتکاب بزه های مزبور که قبل از تصویب این قانون در مراجع صالح دیگر تحت تعقیب قرار گرفته اند هر گاه بر علیه متهمین کیفر خواست صادر نگردیده پرونده های متشکله به دادستانی ارتش جهت تعقیب و رسیدگی فرستاده میشود و نسبت به

پرونده هائی که کیفرخواست صادر شده و در دادگاه های مربوطه رسیدگی خواهد شد .

ماده چهارم : کارمندان سازمان اطلاعات و امنیت کشور هرگاه متهم به ارتکاب بزهی شوند که راجع به خدمت بوده و یا ملازمه با خدمات آنها داشته باشد از حکم نظامیان و خدمتگزاران ارتش هستند و با رعایت مقررات قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۳۸ دادگاههای دائمی نظامی خواهند بود .

ماده پنجم : اساسنامه سازمان و آئین نامه های داخلی و استخدامی و مالی مربوط به این قانون با تصویب هیئت دولت قابل اجراء است .

* اصلاح قانون سازمان اطلاعات و امنیت کشور " مصوب ۱۳۲۷ شمسی "

ماده اول : در مورد بزه های مصرح در قانون سازمان اطلاعات و امنیت کشور مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۲۵ هرگاه متهم نظامی و یا کارمند مسلح شاهنشاهی باشد وظیفه ضابطین به عهده اشخاص متدرج در ماده ۱۲۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش و مامورین سازمان ضد اطلاعات خواهد بود .

ماده دوم : مامورین سازمان ضد اطلاعات در زمره ضابطین نظامی محسوب میشوند .

این متن قانونی بود که برای دفاع از قانون اساسی به سبک شاه وضع گردید و حمام خون در بازداشتگاه ها و شکنجه گاه های ساواک براه انداخت .

در ضمن بازدیدی که از زندان اوین به عمل آوردم به نحوه شکنجه ای که از سوی دژخیمان رژیم در مورد زندانیان اعمال میشده است آشنا شدم این نکته قابل توجه است که بین روشهای شکنجه اعمال شده در شکنجه گاه های " ساواک " و کشورهای چون " شیلی " " برزیل " و کشورهای دیکتاتوری مشابه قرابت و نزدیکی زیادی وجود دارد روش نزدیک به روشهای شکنجه در دیگر کشورهای که " سیا " در آنها فعالیت دارد این نکته را تایید میکند که هدایت عملیات از نقطه دیگری بوده است و " سیا " وظیفه تعلیم و هدایت مامورین " ساواک " را به عهده داشته است .

" ساواک " در سالهای ۱۹۵۰ به بعد مرتب از شکنجه استفاده کرده است اما در این سالها نوع شکنجهها چندان متعدد نبوده است . در حین بازدید از یک سالن شکنجه که در زندان " اوین " قرار دارد یکی از زندانیان آزاد شده که سالها در این زندان اقامت داشت به من گفت که چگونه زندانی را صبح ها با پای خود به سالن شکنجه برده و شب ها با " برانکارد " به سلول زندان بر میگردانند وجود چند برانکارد خون آلود در کف سالن دلیل بازرسی برای این ادعا بود مدارک بدست آمده نشان میدهد که چگونه مامورین " ساواک " بطرزی وحشیانه زندانیان بیدفاع را

ساواک

شکنجه میکرده اند.

* " مهدی رضائی " ۱۹ ساله را آنقدر شکنجه میدهند که فشار
خونش به ۵ میرسد و ۲۰ کیلو هم لاغر میشود... او را دستبند قپانی
زده و به چنگک آویزان میکنند ولی او به سختی مقاومت کرده و سخنی
به نفع دژخیمان به زبان نمی‌آورد اینبار ماء‌موران " ساواک " مهدی
رضائی را روی اجاق گاز میسوزانند اصغر بدیع زادگان را یک ساعت روی
اجاق گاز میسوزانند تا بوی گوشت سوخته همه جا را فرا گرفت اما او
بدون توجه " سوره والعصر " را قرائت میکرد مامورین شکنجه اینبار او
را به پشت روی اجاق خوابانیده و پس از گذشت ۴ ساعت آتش به
استخوانهای ستون فقراتش رسید و سرفراز سربر بستر شهادت گذاشت.
دژخیمان " ساواک " سراپای مجاهد قهرمان " محمد عسگری زاده " را
با قیچی سیمی چیدند و نمک پاشی کردند! دست و بینی مجاهد شهید "
محمد حنیف نژاد " را شکستند و سپس پارچه ای خیس بر روی بدن او پهن
کرده و با اطوی داغ روی آن کشیدند تا تمام سطح بدن او تاول بزند آنوقت
تاول ها را میترکانند و بار دیگر اطو کشیدن را تکرار میکردند.
" دکتر رضا براهنی " نویسنده معروف ایرانی که بیش از ۱۰۲ روز
زندانی ساواک بوده است میگوید: در روزهای نخست باز داشتم با کابل
های سیمی کف پا و دستهایم میزدند. بعداً " رئیس شکنجه گران انگشت
کوچک دست مرا شکست و گفت: اگر اعتراف نکنی به زن و دختری در
جلوی چشمانت تجاوز خواهم کرد.

" اشرف دهقانی " یکی از چریک های زن که مدتها اسیردژخیمان " ساواک " بوده است در مورد شکنجه های اعمال شده در باره خود میگوید :
در خلال بازجوئی بارها با رفتارهای ضد انسانی و ضد اخلاقی ماموران ساواک مواجه شدم " اشرف دهقانی " از شخصی به نام سروان " بیژن نیفتاب " نام میبرد که از افسران ساواک بوده و در مورد وی قساوت زیادی نشان داده است .

* " شکرالله پاک نژاد " کارمند سازمان برنامه به علت شرکت در یک گروه مبارزه علیه رژیم در سال ۱۹۷۱ در بیدادگاه شاه سابق محاکمه شد .
" پاک نژاد " در این دادگاه اظهار داشت :

پس از دستگیری در تاریخ ۱۸ دیماه ۱۳۴۸ مرا به سازمان امنیت خرمشهر بردند . در آنجا ۳ نفر به ضرب مشت و لگد مرا لخت کرده و به اصطلاح بازدیدبدنی کردند . از ساعت هشت بعد از ظهر تا یک بعد از نیمه شب بازجوئی توأم با مشت و لگد ادامه یافت . . . فردای آنروز مرا به زندان شهربانی آبادان منتقل کرده و در یکی از مستراحهای آن محبوس کردند یک هفته در این مستراح تنها با یک پتوی سربازی بدون لباس و روزانه با یک وعده غذا گذراندم . روز هشتم با دستهای بسته در یک لندور سازمان امنیت به تهران و به زندان اوین منتقل شدم . در بدو ورود به زندان اولین بازجوئی همراه با شکنجه شروع شد بدین ترتیب که دو نفر به نامهای " رضا عطاپور " مشهور به دکتر " حسین زاده " و دیگری بیگلری مشهور به " مهندس یوسفی " با چک و مشت و لگد به جان من افناده و قریب

یک ساعت متوالی مرازند بعد مرا پشت میز نشانده و ضمن اینکه چند بار به من دستبند قبانی زده و مرا روی چهار پایه قرار داده بودند خواستند بنویسم که کمونیست هستم و به کار جاسوسی اشتغال دارم و چون من امتناع کردم به دستور رضا عطاپور دو نفر درجه دار آمده و مرا روی زمین خوابانده و با شلاق سیمی سیاه رنگی به جان من افتادند و به اتفاق بیگری بیش از سه ساعت متوالی با شلاق و مشت و لگد مرا میزدند و به ترتیب نوبت عوض کرده رفع خستگی مینمودند! در جریان زدن شلاق من دوبار بیهوش شدم. تمام بدنم کبود شده و خون از پشت من راه افتاده بود.

باز جوئی روز اول بهمن خاتمه یافت و روز دوم همین ماجرا بار دیگر تکرار شد و اوادارم کردند یک پایم را روی هوا نگهدارم و هر چند دقیقه یکبار با لگد چهار پایه را از زیر پای من پرت کرده و مرا روی زمین میانداختند روز سوم در اثر کشیده های محکمی که عطاپور به گوش من می نواخت خون از گوش من راه افتاد که منجر به پاره شدن پرده گوش چپ من شده است. گوش چپ من بکلی قوه شنوائی خود را از دست داده است. میتوانم معاینه کنید. همان روز سوم ساعت تقریبا " ۱۰ بعد از ظهر مرا با چشم بسته از سلول انفرادی زندان وحشتناک اوین بیرون کشیده و به داخل باغ زندان بردند. در حالیکه چشمهایم همچنان بسته بود مرا به جلو راندند صدای "عطاپور" و "بیگری" را شنیدم که پیچ میکردند و گاهی من میشنیدم که در باره من حرف میزنند قار قار کلاغها و سرمای دیماه درد زخم شلاق ها و گوش چپ و صدای منحوس عطاپور و بیگری جلادان ساواک که مرتبا " ساواک

همدیگر را دکتر و مهندس صدا میزدند سخت آزار دهنده بود مرا به درخت بستند صدای پای عده ای همراه با دستورهای خشکی که صادر میشد روشن میکرد که جوخه اعدام را صدا کرده اند عطاپور رای صادره دادگاه را میخواند که شکرالله پاک نژاد بجرم قصده جان اعلیحضرت همایونی و ارتباط با دولت خارجی به اتفاق آراء محکوم به اعدام شده است بعد دستور داد که جوخه آماده باشد و مرتبا " یاد آوری میکرد که تو در کنار مرز عراق دستگیر شده ای و کسی از توقیف تو اطلاعی ندارد و همه فکر میکنند تو به عراق رفته ای و هیچکس از اعدام تو اطلاعی نخواهد یافت . پس از چند لحظه پچ و پچ و گفتگوی درگوشی عطاپور فریاد زد : این چه وضعیتی است ؟ چرا دستور صادر میکنند و بعد لغو میکنند ؟ مگر مسخره بازی است ؟ و با صدای بلند قدری هم دشنام به من داد . مرا از درخت باز کرده و دوباره به سلول انفرادی برگرداندند .

تمام این صحنه سازی ها برای این بود که من اعترافاتی مطابق میل آنها بکنم . در جریان بازجوئی های بعدی ناخن سبابه چپ و ناخن کوچک دست راست مرا کشیدند . بارها با فنون کاراته با پا و دست ، مرا روی زمین انداختند دشنامهایی که این جلادان در تمام مدت بازجوئی به من میدادند تنها لایق خودشان و اربابانشان بودو من از تکرار آنها شرم دارم ۳۰ بار و هر بار به مدت ۴۸ ساعت به من بیخوابی دادند از شکنجه های گرسنگی طولانی و ازدیاد نور که بارها انجام شد سخنی نمیگویم . شکنجه ۱۸ روز ادامه یافت ...

آقای رئیس دادگاه یکی از دلایل دیر فرستادن ما به این دادگاه اینست
که باید آثار شکنجه از بین برود!

البته اینگونه شکایات علنی به ندرت در دادگاه صورت گرفته و به
خارج نیز رخنه نمیکرد.

گفته های پاک نژاد فقط به این علت بر ملا شدند که "تبییری مینون"
حقوقدانان معروف فرانسوی موفق شده بود به نمایندگی از طرف مجمع
بین المللی حقوق بشر در جلسه دادگاه شرکت نماید. معمولا "ساواک"
میتوانست بدون اینکه کسی اطلاع یابد زندانیان را شکنجه کند. در تهران
زندانیهای معروف ساواک عبارت بودند از زندان قزل قلعه، زندان موقت،
زندان قصر، زندان "قزل اختر"، زندان "عشرت آباد" و زندان مخوف
اوبین که شنیدن نام آن لرزه بر اندام آدمی می انداخت پس از بازدید
"تبییری مینون" کارشناسان مجمع بین المللی عفوگزارشی در باره شکنجه
تحت عنوان: "گزارشی در باره شکنجه" منتشر کرده و در آن متذکر شده اند
که ساواک علاوه بر شوک الکتریکی و کتک زدن روشهای زیر را برای شکنجه معمول
میدارد. فرو کردن بطری شکسته در معده زندانی، آویختن وزنه های سنگین
به بیضه های آنها، مجبور کردن قربانیان خود به حمل "کلاه خود"
مخصوص که در زیر آن صدای فریاد ناشی از درد خود را که تقویت و شدید
تر شده مجدداً بشنوند!

عمل منافی عفت نیز انجام میگرفت. دکتر "رضا پراهنی" نویسنده و
شاعر ایرانی که خود مدت ۱۰۲ روز بدون کوچکترین اعلام جرمی در یکی
۵۲ _____ ساواک

از زندانهای " ساواک " زندانی بوده است مشاهده نموده که چگونه یک زندانی سیزده ساله هنگامیکه خانواده‌اش برای ملاقات آمده بودند یکی از سربازجویان را با این کلمات معرفی مینماید . ایشان همان آقائی هستند که با من با اعمال زور عمل جنسی انجام داده است . " ساواک " برای اعمال جنسی اجباری حتی از حیوانات وحشی که برای همین منظور ترتیب شده بودند استفاده میکرد .

از جمله این حیوانات " خرس " بوده است " ساواک " برای آنکه شکنجه جنبه روانی هم داشته باشد ، زنان زندانی را در برابر شوهران و یا پدران خود مورد تجاوز قرار میداد و یا به عکس زنان و دختران زندانیان را جلوی چشم آنها مورد تجاوز قرار میدادند .

مواردی نیز وجود دارند که خانواده های زندانیان سیاسی هرگز در باره دستگیری بستگان خود مطلع نشده اند و حتی تا مدت‌ها نمیدانستند که آنها در کجا به سر میبرند . این امر یک نوع فشار روانی برای زندانیان تلقی میشد . اینگونه شکنجه های روانی راحتی خود شاه سابق نیز نفی نمیکرد .

" کریستوفر اوگون " خبرنگار مجله تایم که در ماه اوت ۱۹۷۶ همراه با " هنری کی سینجر " به تهران آمده بود در باره روشهای شکنجه با شاه سابق مصاحبه کرده بود " اوگون " از قول شاه سابق مینویسد : ما در ایران دیگر احتیاجی به شکنجه زندانیان نداریم و مانند کشورهای مترقی از روشهای شکنجه روانی استفاده میکنیم . مثلاً " زندانیان را با اقرارنامه های رفقاییشان مواجه

میکنیم و آنها پس از اطلاع از خیانت رفقای خود همه چیز را اعتراف میکنند
در این مصاحبه " شاه سابق " تعداد زندانیان سیاسی ایران را که
مجمع بین المللی عفو بالغ بر صد هزار نفر تخمین زده بود تکذیب نمود
و ادعا کرد تعداد آنها در حدود ۳۵۰۰ نفر است و اینها زندانیان سیاسی
نبوده و تروریست و آدم کش هستند .
" ساواک " در مواردی که اقدام به دستگیری و شکنجه میکند بیش از
هر چیز توجه خود را متوجه روشنفکران و هنرمندان می نماید . دوران تاخت
و تاز ساواک ، در میان دستگیر شدگان و شکنجه شدگان افراد روشنفکر و
هنرمندی چون : ویدا حاجبی جامعه شناس برجسته ، غلامحسین ساعدی
نمایشنامه نویس معروف و فریدون تنکا بنی نویسنده دیده میشوند .
در اینگونه موارد نیز روشهای مخصوصی به کار بسته میشدند . مثلاً "
عمدا " اشخاص معروف و صاحب عقیده انتخاب می گردیدند تا مخالفین رژیم
به هراس افتاده و از مخالفت با رژیم دست بردارند .

خاطرات آیت الله طالقانی

هنگامیکه نگارنده این گزارش ها پس از فتح زندان مخوف اوین توسط
رزمندگان انقلاب اسلامی سرگرم بازدید از قسمت های مختلف آن بود
حضرت آیت الله العظمی طالقانی مجاهد نستوه نیز به بازدید از دژ فتح
شده اوین آمده بودند فرصت مناسبی بود تا از خاطرات روزهایی که این
مجاهد کبیر و روحانی عالیقدر در سلولهای تنگ و تاریک اوین گذرانده
۵۴ _____ ساواک

بودند جویا شوم .

" حضرت آیت الله طالقانی " که در دوران استبداد و حکومت طاغوتی سالیان درازی را در سنگر زندان گذرانده اند ۳ سال از دوران حبس طولانی خود را در " اوین " زندانی بوده اند به حضرت آیت الله میگویم : اکنون که رژیم طاغوتی منقرض گردیده و این دژهای قرون وسطی به تسخیر خلق مسلمان درآمده است حضرت آیت الله چه احساسی دارند : آیت الله طالقانی میگویند : من ۳ سال را در بدترین شرایط درهمن اوین گذراندم سلول من یک سلول کوچک و نمور بود که حتی پنجره کوچک آن را بارنگ سیاه آغشته بودند . ۳ سال تمام من در این سلول کوچک زندگی کردم و در طول ۲۴ ساعت شبانه روز فقط یک ساعت به دستشویی ، توالت و حیاط کوچک پشت زندان میرفتم . در این ۳ سال تنها فاصله ای را که من و هم سلولی هایم می پیمودیم فاصله کوتاه دستشویی تا سلول بود ! اکنون آمده ام تا از نزدیک شاهد فتح این زندان باشم زیرا هنوز هم در رویا هستم و باور کردن تسخیر این زندان هولناک که سالیان دراز فرزندان مبارز خلق را در خود جای داده بود برایم باور نکردنی است . فرصت مغتنمی است که نظر آیت الله را پیرامون سؤال دیگری جویا شوم . میگویم : امیدواریم که دیگر در آینده چنین زندانهائی نداشته باشیم !

" حضرت آیت الله طالقانی " میگویند : در حکومت عدل اسلامی مردم در رفاه خواهند بود بطوریکه دیگر کسی به علت نیاز ، به دزدی
ساواکی

دست نخواهد زد . مردم در " حکومت اسلامی " که اجرای عدل و انصاف سرمشق آن است موردی برای قانون شکنی نخواهند داشت . پس دیگر نیازی هم به زندان برای به حبس کشیدن مردم نخواهد بود اگر کسی هم پیدا شود که بدون آنکه نیاز داشته باشد دزدی کند باید به طریقی او را " مستقیم " کرد و اگر نشد در این مورد در قوانین اسلامی مجازات های لازم پیش بینی شده است که به اجرا گذاشته خواهد شد بنا بر این فقط ممکنست بازداشتگاه های موقتی داشته باشیم که اگر خدای نکرده کسی جرمی مرتکب شد تا انجام مجازات لازم نگهداری شود . همچنین است در مورد قتل نفس . در مورد زندانیان سیاسی هم باید گفت که در حکومت اسلامی مازندانی سیاسی نخواهیم داشت زیرا در حکومت اسلامی هر کس حق ابراز عقیده و اعتراض دارد و تا زمانیکه اعتراض سیاسی به قتل نفس و جنایت آلوده نشود ایرادی ندارد در حقیقت همه ی زندانیان دوران رژیم گذشته زندانی اعتراض بوده اند و قتیکه یکی از خلفای مقتدر عرب به خلافت رسید در حضور عده کثیری به سخنرانی پرداخت او ضمن سخنرانی خود اظهار داشت : اگر من در حین خلافت از راه حق و عدالت " منحرف " شدم وظیفه شما مردم است که مرا " مستقیم " کنید هنوز سخن " عمر " به پایان نرسیده بود که مردی عرب شمشیر خود را کشید و گفت : بخدا قسم که اگر " مستقیم " نباشی با همین شمشیر تو را مستقیم خواهم کرد !

ببینید آزادی بیان و اظهار عقیده و دمکراسی در حکومت اسلامی تا چه اندازه بوده است که یک فرد عادی با " شمشیر " خلیفه را تهدید میکند

که اگر از راه حق و عدالت منحرف شود او را مجازات خواهد نمود . اما در حکومت طاغوتی و دیکتاتوری " محمد رضا خان " گروه گروه از بهترین جوانان تحصیل کرده روشنفکران این مملکت را فقط به خاطر اعتراض به نظام ستم گرانه و استبدادی به سیاهچال ها افکندند و از بین بردند در حقیقت مازندانی "اعتراض" بوده ایم نه زندانی " سیاسی " !

حضرت آیت الله در ادامه سخنان خود میگویند: یکبار وقتی از بیمارستان زندان مجدداً " به سلولی که در آن زندانی بودم برگردانده میشدم مشاهده کردم روی دیوار سلولها و راهروی زندان را خون پوشانده است . بعداً " معلوم شد این خون طلبه های مدرسه فیضیه قم است که ماموران ساواک و زندان اوین با کوبیدن طلبه های بیدفاع به دیوارها موجب ریختن آن شده اند!

آلبوم محرمانه

« در بازدید از زندان اوین صفحه ای از یکی از آلبوم های بسیار محرمانه سازمان امنیت که در زندان " اوین " نگهداری میشد بدست خبرنگاران ما افتاد در این آلبوم ، عکسها و مشخصات دانشجویان دانشکده های مختلف و سایر موسسات آموزش عالی در داخل ایران و خارج از ایران جمع آوری شده بود . همچنین از سایر کارمندان و کارکنان موسسات دولتی و غیر دولتی نیز آلبوم هایی تهیه شده بود که در صورت دستگیری و از میان رفتن کسی که عکسش در این آلبوم ها بود بدست عوامل ساواک عکس ساواک

او حذف و با علامت ضربدر جای خالی آن مشخص میشد .

بودجه رسمی سازمان " امنیت و اطلاعات کشور " در اسفند ماه ۱۳۳۵ یعنی در بدو تاسیس توسط کارگزاران " سیا " ۲۷ میلیون تومان و بودجه سری آن نامحدود بود آمریکائی ها سرلشکر " تیمور بختیار " جلاد خون آشام را به ریاست " ساواک " انتخاب کردند چرا که " بختیار " در پست ریاست فرمانداری نظامی حکومت و کودتائی که انجام داده بود با بخاک و خون کشاندن هزاران ایرانی میهن پرست مراتب غلامی خود نسبت به آمریکائی ها را نشان داده بود " تیمور بختیار " در آن سالها در مطبوعات غرب به عنوان مرد " شماره ۲ " ایران نامیده میشد و این لقبی بود که همواره " شاه " سابق را به هراس میانداخت " ساواک " با بیش از ۶۰ هزار عضو خبر چین وحشیانه ترین اعمال فاشیستی را در عمر ۲۳ ساله خود انجام داد .

هدف اصلی " ساواک " در داخل کشور سرکوبی هر نغمه مخالفی در گلو بود در ایران کمتر کسی را میتوان یافت که به نحوی از انحاء سنگینی کشتار اختناق و ترور ساواک را بر زندگی خود و یا اطرافیان خود حس نکرده باشد " ساواک " همه جا حضور داشت در اداره ، در کارخانه ، در مدرسه ، در بازار ، در کوچه ، در خیابان ، در اتوبوس ، در تاکسی و در همه جا . . خبر چین های " ساواک " همه جا پخش بودند آنها هرچه را می شنیدند و یا می دیدند فوراً به اطلاع رابط خود میرساندند ساواک ماموران خود را با توجه به شرایط کافی برمیگزید . وفاداری به شاه نخستین شرط پیوستن به " ساواک " بود

ساواک _____ ۵۸

"ساواکی" ها هر وقت میخواستند سوگندی یاد کنند میگفتند: "به" ذات
اقدس همایونی! "وبا به" شرافت "اعلیحضرت! ابراز احساسات شاهدوستانه
بصورت رقابتی بین افراد ساواک در آمده بود بطوریکه بارها اقوام
نزدیک خود را به جرم انتقاد و یا احیاناً "اهانت به شاه دستگیر و تحویل
"ساواک" میدادند! "ساواک" از محل بودجه ویژه ای به خرید افراد
روشنفکر نما و صاحب نام میپرداخت و از آنها برای مقاصد تبلیغاتی خود
سود میجست .

از جمله این افراد "کوروش لاشائی" بود در ذیل به متن نامه محرمانه
ساواک در مورد "کوروش لاشائی" توجه نمائید:

به: برسیتول - ۳۳۴

از: سیمین

شماره ۱۶۶۳

تاریخ ۱۳۵۱/۱۰/۲۸

پیرو شماره ۱۶۳۹ - ۵۱/۱۰/۲۱

آقای جهانبخش فیروز فولادی که اخیراً از فرانسه مراجعت و با اینجانب
ملاقات نموده اند اظهار داشتند که مصاحبه اخیر کوروش لاشائی تاثیر بسزائی
بین دانشجویان داشته است و جز عده معدودی که عقیده دارند که لاشائی
از اول عامل لوبیا "ساواک" بوده اکثریت دانشجویان دچار یکنوع بهت
محمودی زدگی غافلگیری شده اند!

سری

به ۱ پیوسته - ۲۲۴
 از ۱ سخن
 شماره ۱۶۳۹ - ۱/۱۰/۲۱
 شماره ۱۶۶۲
 تاریخ ۰۱/۱۰/۲۸
 آتی جهانیش امروز نولاری که اخیراً از فرانسه مراجعت با اینجانب ملاقات
 نمودند اظهار داشتند که معاصیه اخیر کوروش لاشانی تأثیرات بسیار بدی در دانشجویان
 است و جزده معدودی که عقیده دارند که لاشانی از اول طالب لیبرال
 است دانشجویان در چارکین بهترین روش و تکنیکی شدند .
 محمودی (۳)
 عین محرمانه

به ۱ پیوسته - ۲۲۴
 از ۱ سخن
 شماره ۱۶۳۹
 تاریخ ۰۱/۱۰/۲۱
 بازگشت بشماره ۱۲۴۱/۲۲۴-۱۰/۱۰/۰۱
 نشریه مربوط به معاصیه کوروش لاشانی به آدرس دانشجویان ارسال و ضمن
 محتای آن آموزش داده شد که مکتب العمل دانشجویان را در مطالب طالب خد ر ج
 ارزیابی و گزارش نمایند .
 با توجه با اینکه دانشگاه هارورده تعطیلات سال جدید سپتامبر را میگذرانند
 و از تاریخ ۲۳ الی ۲۵ دیماه به سرخ شروع به کار خواهند نمود طبقه دانشجویان
 حتماً با مرکز همگامی خواهد شد .
 محمودی

به : پرسیتول - ۳۳۴

از : سیمین

شماره ۱۶۳۹

تاریخ ۵۱/۱۰/۲۱

بازگشت به شماره ۱۲۴۱ ر ۳۳۴ - ۵۱/۱۰/۲۱

نشریه مربوط به مصاحبه کورش لاشائی به آدرس دانشجویان ارسال و
ضمناً "به منابع آموزش داده شد که عکس العمل دانشجویان را در مقابل مطالب
مندرج ارزیابی و گزارش نمایید .

با توجه به اینکه دانشگاه ها دوره تعطیلات سال جدید مسیحی را
میگذرانند و از تاریخ ۲۳ الی ۲۵ دیماه بتدریج شروع بکار خواهند نمود
علیهذا نتیجه متعاقباً " به مرکز منعکس خواهد شد .

محمودی

وجود عوامل ساواک در سفارت خانه ها

آنچه از متن این نامه ها مشهود است وجود عوامل ساواک در میان ایرانیان مقیم خارج میباشد علاوه بر این " ساواک " سفارتخانه های خارجی در ایران را نیز تحت نظر داشت و اینکار از طریق عوامل موجود در سفارتخانه ها و کنترل مکالمات آنها صورت میگرفت: در سال ۱۳۵۰ من " اسکندر دلدن " نویسنده این گزارش ها هنگام خروج از سفارت شوروی در ایران دستگیر شدم.

در آن سال من در روزنامه توفیق سرگرم کار بودم به مناسبتی برای بخش فارسی رادیو مسکو مقالاتی نوشتم که این مقالات در بخش فارسی رادیو مسکو پخش گردید یکبار هنگامیکه شعبه فارسی رادیو مسکو به عنوان تشکر از نگارش این مقالات یک آلبوم از نقاشیهای نقاشان معروف شوروی را برای من ارسال داشته بود از طرف سفارت برای دریافت آلبوم و نیز یک سری از تمبرهای روسی که رادیو مسکو برای نگارنده ارسال داشته بود به انجمن فرهنگی ایران و شوروی دعوت شدم در محل سفارت نامه تشکر رادیو مسکو همراه با این هدایا به نگارنده داده شد. مقاله من نه تأییدی از شوروی

بود و نه انتقادی از دولت ایران بلکه اوضاع سیاسی بین المللی وقت را مورد نقد و بررسی قرار داده بودم .

به مجرد خروج از محل سفارت ۲ نفر که در صندلی عقب یک اتومبیل "آریا" نشسته بودند از اتومبیل خارج شده و به طرف من آمدند یکی از آن دو مرا به اسم صدا کرد و گفت: بدون هیچگونه مقاومتی و یا جلب توجهی باید همراه آنها به داخل اتومبیل بروم . آلبوم عکسهای انقلاب اکتبر را در یک دست داشتم و آلبوم تمبرهای قدیمی مربوط به شهر مسکو همراه با نامه تقدیر رادیو مسکو را در دست دیگر: اگر چه حدس زده بودم این افراد بایستی از عوامل ساواک باشند معهذا چنان قدرت تفکر خود را در آن لحظه از دست داده بودم که اگر یکی از آن دو با حرکت دست مرا به جلو نمی راند شاید ساعتها در همان محل می ایستادم بهت زده و نگران بین آن دو در صندلی عقب اتومبیل نشستم . اتومبیل آبی رنگ آریا که جوانی در حدود ۲۵ تا ۲۷ ساله آنرا هدایت میکرد در شهر به حرکت درآمد ساعتی در خیابان تخت جمشید ، فردوسی و کوشک حرکت کردیم در این مدت یکی از آن دو که ۴۵ ساله به نظر می آمد و دارای موهای جوگندمی و چهره ای تیره بود از موقعیت خانوادگی ، وضع کار و تحصیل و امور اجتماعی من سئوالاتی نمود آنگاه در حالیکه به نامه ای که در دست داشت می نگریست گفت: شما برای رادیو مسکو چه نوشته اید؟ گفتم مطلبی در خصوص استعمار و امپریالیزم جهانی . گفت: چرا این مطلب را به مطبوعات داخلی برای چاپ نداده اید؟ گفتم برای آنکه میدانم چاپ نخواهد شد . گفت: آیا شما برای نوشتن این

مطلب دستمزدی هم از رادیو مسکو گرفته اید؟ گفتم خیر گفت: پس شما باید نسبت به شوروی‌ها و رادیوی آنها سمپاتی‌تان باشید که مجانا "برایشان مطلب مینویسید؟"

گفتم: معنی "سمپاتی‌تان" را نمیدانم!
گفت: نویسنده‌ای که مطلب برای رادیو مسکو و در خصوص امپریالیسم جهانی مینویسد چطور معنای "سمپاتی‌تان" را نمیداند! لابد معنای زندان کتک، شکنجه و اعدام را هم نمیدانی؟!
و سپس بدون آنکه منتظر پاسخ من بشود به راننده گفت: بطرف "لوبیا" برو!

اتوموبیل بطرف شمال شهر حرکت کرد تا میدان "ولیعهد سابق" را به خاطر دارم هنوز چند متری از میدان بالاتر نرفته بودیم که به من گفتند بند کفش را باز کن من بدون اطلاع از نیت آنها برای آنکه خشم آنها را برانگیخته باشم خم شدم و مشغول باز کردن بند کفش خود شدم که ناگهان ضربه محکمی را روی شانه خود حس کردم آنها با قدرت مرا کف اتوموبیل کوبیدند. نفر اول که او را "سرگرد" خطاب میکردند پایش را طوری روی سر من قرار داده بود که حالت خفگی پیدا کرده بودم حدس می‌زدم در حدود ۲۰ دقیقه دیگر در راه بودیم. اتوموبیل مجدداً حرکت کرد حدس زدم اتوموبیل بایستی در برابر محلی نظیر اطلاعات یا حفاظت یا قسمتی شبیه آن توقف کرده باشد.

در مسیر جدید نیز در حدود ۲ یا ۳ دقیقه حرکت کردیم پس از توقف

مجدد اتومبیل: شخصی که " سرگرد " نامیده میشد لاستیک سیاهی که شبیه لاستیک بریده شده تویی اتومبیل بود از زیر صندلی جلو در آورد و طوری به سر من کشید که علاوه بر پوشاندن چشمانم کار تنفس را هم مشکل کرده بود از آنجا در حالیکه زیر بغل مرا گرفته بودند از چند پله بالا بردند و از محل دیگری هم عبور کردیم و وارد اطاقی شدیم . با بسته شدن درب اطاق چشمان مرا هم باز کردند یک اطاق ۴ × ۳ یا قدری هم بیشتر بود که در وسط آن میز چوبی کرم رنگی قرار داشت در قسمت جنوبی اطاق نیز به دیوار عکسی از شاه مخلوع نصب بود به " سرگرد " گفتم : اینجا کجاست ؟ گفت : رادیو ایران : تو را به این جا آورده ایم تا برای رادیو ایران برنامه بنویسی ! هنوز جمله سرگرد پاهان نگرفته بود که شخص دیگری وارد اطاق شد سرگرد با دیدن او سلام کرد و گفت : بیا دکتر اینهم نویسنده ای که منتظر مقالاتش بودی !

دکتر پوشه ای را که زیر بغل داشت روی میز گذاشت و صندلی را جلو کشید و پشت آن نشست . . . من مضرب و نگران همچنان وسط اطاق ایستاده بودم . . . از فرط اضطراب عرق کرده بودم با آنکه هوا چندان گرم نبود اما از روی پیشانی ام به پائین میریخت دهانم خشک شده بود احساس میکردم قادر به فرو بردن آب دهان خود نیستم شخصی که حالا او را دکتر میشناختم بسته سیگاری از جیب خود در آورد و از من کبریت خواست . سیگار نداشتم ولی کبریت ام را به او دادم . گفتم ممکنست سیگاری هم به من بدهید گفت : سیگار برای سلامتی تو بد است در ثانی بعدها که در زندان سیگار بدست

نمیرسد خیلی ناراحت خواهی شد بهتر است که از هم اکنون سیگار را ترک کنی!

* "دکتر" پوشه قرمز رنگ خود را باز کرد نامه تایپ شده ای را بیرون آورد و گفت: "اسکندر دلدوم" نویسنده مطبوعات شماره شناسنامه ۲۳۴ متولد تهران مترجم کاریکاتور است و طنزنویس، فاقد سو پیشینه.

خب بگو ببینم چه نسبتی با "لنین داری؟!
گفتم: ببینید آقای دکتر! من خوب نمیتوانم صحبت بکنم اما حقیقت ماجرا این است که از کشتار ویتنامی ها توسط آمریکا خشمگین بودم مطلبی در خصوص آمریکا و جنایاتش در ویتنام برای رادیو مسکو نوشتم.
"دکتر" گفت: گل بود به سبزه نیز آراسته شد! آمریکائی ها به تو چه کرده اند مادر...

متعاقب این ناسزا از جای خود بلند شد و به طرف من آمد.
و با نوک کفش چنان ضربه ای به ساق پای من کوفت که از فرط درد فریاد بلندی کشیدم.

دکتر گفت ببین من اگر بخواهم دهانت را ببندم نمیتوانم حرف هایت را بنویسم بنابراین تحمل نوازشهای مرا داشته باش چون اعصاب من خراب است و جز آواز گلپایگانی و مرضیه نمیتوانم صدای دیگری را بشنوم.

گفتم: آقای "دکتر" من هیچ سو پیشینه ای ندارم و تا بحال هم کاری نکرده ام این مطلب هم اولین کار من بوده است حالا اگر شما میگوئید

اشتباه کرده ام چون من تحمل کتک و زندان را ندارم اشتباهم را قبول میکنم بنابراین ببائید و مرا مرخص کنید زیرا من نان آور یک خانواده ام و خدا را خوش نمی آید خانواده ای را بی سرپرست کنید .

گفت : غصه نخور شوروی ها خانواده ات را اداره خواهند کرد گفتم . آقای دکتر گور پدر هر چه روس و هر چه شوروی چی است من مسلمانم و مخالف کمونیست اگر مطلبی از من در رادیو مسکو پخش شده است که دلیل نائید شوروی از جانب من نیست .

" دکتر " گفت : چند بار به سفارت شوروی رفته ای ؟ !

گفتم : بار اول و آخرم بود !

گفت : یاخیلی زرنگی یاخیلی زود جازده ای من شما مطبوعاتی های مادر را میشناسم . بهر حال چون امشب جایی کار دارم تو شام را میهمان ما باش تا فردا صبح خدمت برسم !

" دکتر " پوشه خود را جمع کرد و از اطاق خارج شد هنوز دکتر پای خود را از اطاق بیرون نگذاشته بود که دو نفر دیگر بدرون آمدند و مرا از اطاق بیرون بردند . راهروی تنگ و تاریکی بود که بوی رطوبت از آن به مشام میرسید به انتهای راهرو که رسیدیم از پله ها پائین رفتیم .

در راهروی زیرزمینی تعدادی سلول به موازات یکدیگر قرار گرفته بودند مرا در کنار توالت در یک سلول تنگ انفرادی و نمودر پس از گرفتن کمر بند ساعت و بندهای کفش زندانی کردند .

ساق پایم از شدت ضربه ای که دیده بود متورم و دچار خون مردگی

شده بود در وسط سلول ایستادم . حوادث آنروز مثل پرده سینما از جلوی چشم میگذشت دچار سردرد شدیدی شده بودم ، در عین گرما احساس سردی میکردم آشکارا دچار لرزش شده بودم طولانیترین شب زندگی ام را گذراندم از شامی هم که دکتر گفته بود خبری نشد صبح فردا راس ساعت ۹ یا ۱۰ مرا از سلول بیرون آورده و به همان اطاق بردند .

" دکتر " پس از ساعتی که در اتاق به انتظارش نشسته بودم آمد پوشه دیروزی را نیز در بغل داشت : گفت متن برنامه رادیوئی ات را ضبط کرده بودیم آنرا از روی نوار پیاده کرده اند و تایپ شده اش اینجاست " ساواک " یک سازمان ملی و حافظ جان و مال ملت و مملکت و ذات اقدس همایونی ! است شانس آورده ای که سابقه ای نداری و سن تو هم کم است اگر با ما همکاری کنی و واقعیت را بگوئی آزادت می کنیم .

گفتم : چه واقعیتی !

گفت : چرا علیه آمریکائی ها مبارزه میکنی ؟

گفتم : مبارزه !

گفت : انکار بیفایده است . ما از همه چیز تو خبر داریم و دوستانت را هم شناسائی و دستگیر کرده ایم ، برایت همه ماهه روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران فرستاده میشود با آنها هم در ارتباطی از کارهای دیگر هم در این پرونده مدارک غیر قابل انکاری در دست داریم .

گفتم : روزنامه مردم یکبار بیشتر برای من نیامده است و زحمت خواندن آنرا هم بخود نداده ام ارتباطی هم با توده ای ها ندارم . فعالیت ضد آمریکائی هم نکرده ام . یک مقاله نوشته ام که شما میگوئید ضد آمریکائی

است قبول کردم این یک مقاله ضد آمریکائی ولی فقط همین بوده است .
گفت : به ذات مبارک ملوکانه قسم اگر حقایق را نگوئی با برانکارداز این
اطاق خارجت میکنم !

گفتم به همه‌ی مقدسات قسم همماش همینست من دروغ نمیگویم .
دکتر گفت . " کسی که با بیگانه همکاری میکند چطور میشود قسمش را
باور کرد این مملکت مثل ساعت کار میکند ما اگر کسی در نوالت خانه اش
هم حرفی با خودش بزند مطلع هستیم . تو که نمیتوانی ما را فریب بدهی
پسرجان تو هنوز خیلی کوچکی ما پوزه خسرو روزه‌ها را به خاک مالیده‌ایم .
توده ای نابالغ !

گفتم : آقا جان من اصلا " نمیدانم حزب توده یعنی چه ؟ !

گفت : حالا من برایت میگویم .

دست در کشو میز خود کرد و زنجیر قطوری را از آن بیرون کشید و
گفت یک ضربه‌ی این زنجیر کافی است که زبانت را باز کند و با زنجیر به
طرف من آمد .

منتظر فرود آمدن زنجیر بر سر خود بودم که دکتر که گوئی شگردش
زدن ضربه به ساق پا بود اینبار نیز با قدرت هرچه تمامتر ضربه ای به ساق
پای من کوبید از درد به خود پیچیدم و نقش زمین شدم . دکتر موهای سرم
را چنگ زد و بلندم کرد حس کردم از محل ضربه ای که به پایم زده است خون
میریزد .

دکتر همچنان فحش و ناسزا میداد به من به " لنین " به مارکس و چند

اسم دیگری که بلد بود!

گفتم: آقای دکتر! شما میدانید که من کاری نکردم، کاره ای هم نیستم مطلبی نوشته‌ام که موافق میل دستگاه نبوده است. فقط همین! اگر هم میدانستم اینهمه کتک و مشکلات در انتظارم است هرگز اینکار را نمی‌کردم بیاثید و مرا رها کنید ۲۴ ساعت است خانواده‌ام از من بی اطلاع هستند گفت: مهم نیست چون آنها را هم نزد تو خواهیم آورد و یک سلول خانوادگی به شما خواهیم داد!

متعاقب این حرف مجدداً " مرا تحویل ۲ نفر مشکی پوش دیگر داد و روانه زندان شدم ۲۸ روز در زندان بودم. پای راستم دچار عفونت شدید شده و متورم بود روی پای راست نمیتوانستم بایستم و با پای چپ خودم را به اینطرف و آنطرف میکشیدم.

پس از ۲۸ روز زندان بار دیگر مرا به همان اطاق کذائی بردند و گفتند میتوانی بروی!

باور نمی‌کردم که به این زودی رهایم کرده باشند حرفی نزدم. ساعتی در اطاق منتظر ماندم شخص سیه چرده‌ای که موهای فری داشت داخل اطاق آمد و گفت راه بیفت: گفتم بدون کمک شما نمیتوانم زیر بغلم را گرفت و بداخل راهرو آورد بار دیگر چشمانم را بستند همان ماجرای روز دستگیری تکرار شد سوار اتومبیل شدم پس از ساعتی که اتومبیل در خیابانهای تهران گردش کرد در گوشه‌ای متوقف شد مرا که کف اتومبیل دراز کشیده بودم از اتومبیل بیرون کشیده و به گوشه‌ای انداخته رفتند

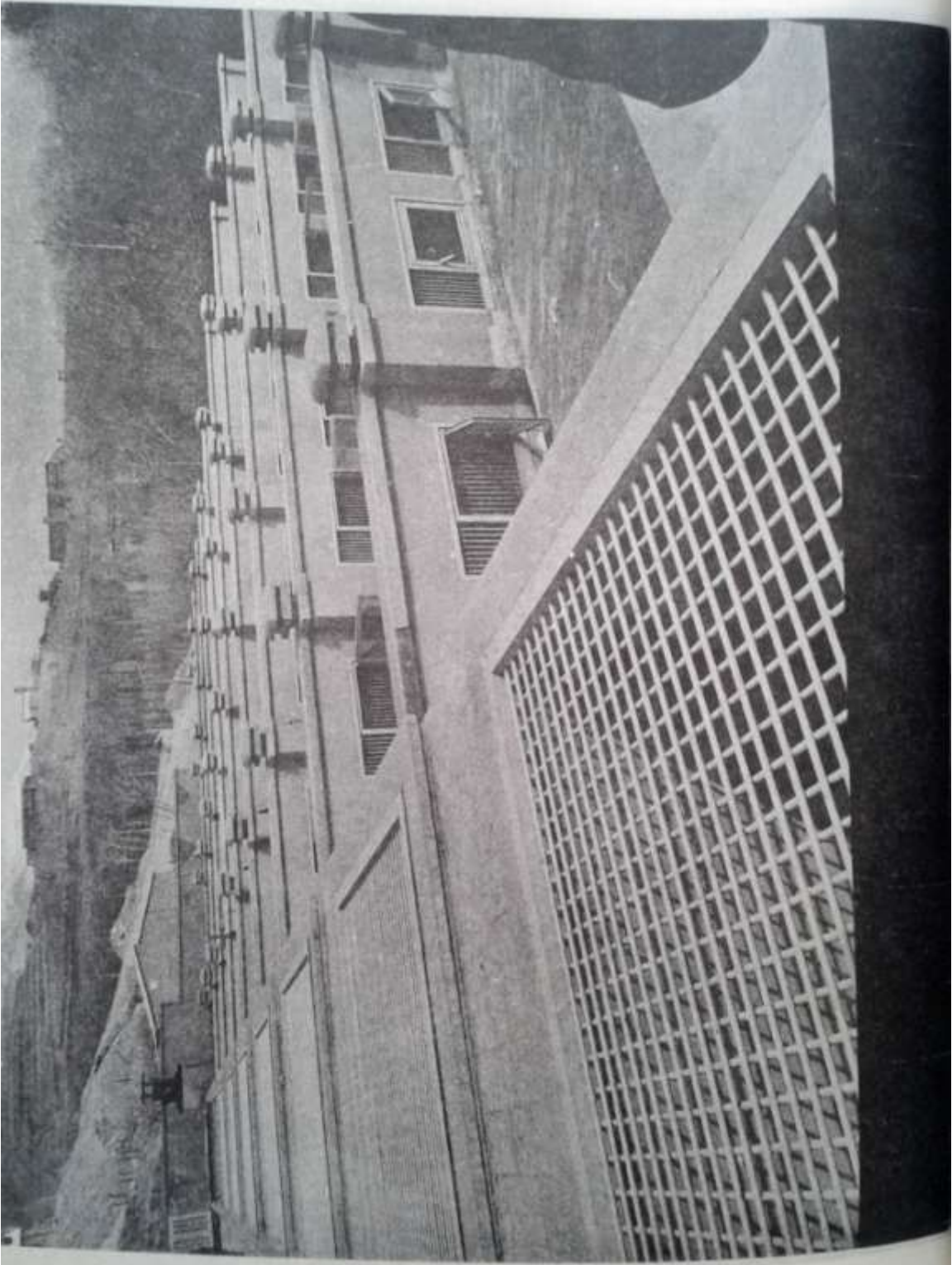
ساواک ۷۰

لحظاتی بعد چشمانم را به سختی گشودم در کنار یک خیابان خلوت و در حاشیه چند تپه خاکی کوچک بودم به زحمت خودم را حرکت دادم و بطرف خیابانی که از دور نور چراغ های برق آن دیده میشد حرکت کردم و به خیابان عباس آباد رسیدم . شاید ساعت ۱۱ شب بود جلوی یک اتومبیل شخصی را گرفتم گفتم : آقا یک اتومبیل به من زده و متواری شده است لطفا " مرا به منزلم برسانید راننده اتومبیل با شک و دودلی مرا سوار کرد فردای آنروز در بیمارستان شیروخورشید سرخ تهران نوبستری و مورد عمل قرار گرفتم گفتم پایم شکسته است اما اهمیتی نداده ام و حالا عفونت پیدا کرده معالجه ام تحت نظر یک دکتر انگلیسی بود به او اطمینان کرده بودم واقعیت ماجرا را برایش بطور خصوصی تعریف کردم کوشش زیادی کرد و مرا از خطر قطع پا نجات داد اما هنوز هم پس از ۸ سال که از آن ماجرا میگذرد بیش از نیم ساعت نمیتوانم روی پاهایم ایستم و یا بکنواخت راهپیمائی کنم . شب ها از درد پا براحتی نمیخوابم و این یادگاری است که از " ساواک "

دارم .

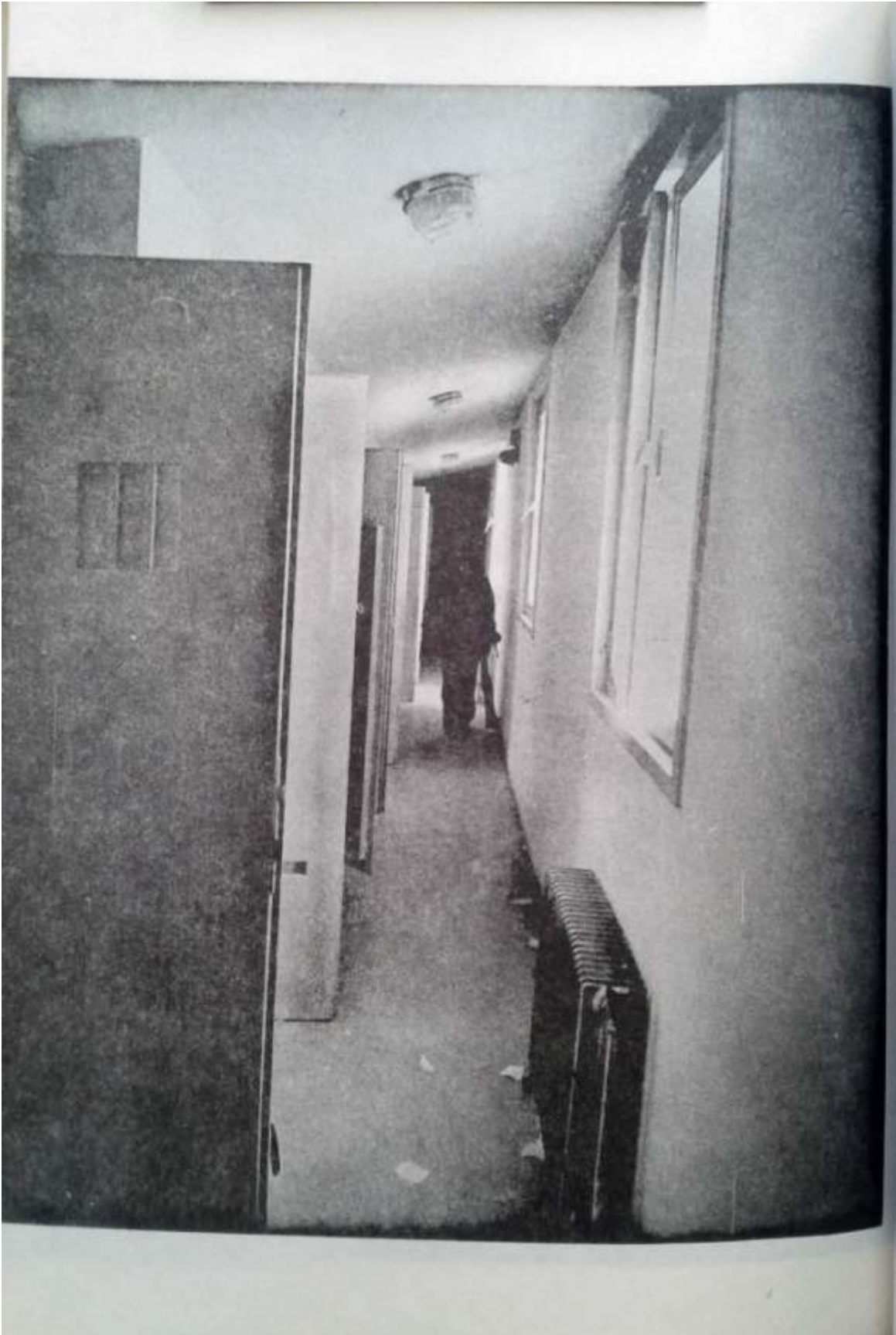
سعی کردم با تحریر این گزارش گوشه ای از چهره واقعی این سازمان خون آلود را برای شما خواننده گرامی تصویر نمایم به امید آنکه دیگر در آینده شاهد ترکتازی چنین سازمانهای فاشیستی و خونخواری نباشم . به امید روزی که از انسان برای به بند کشاندن انسانی دیگر استفاده نشود و به امید روزی که آزادی بدون قید و شرط ارمغانی برای همه ی مستضعف و ستم دید جهان و خاصه سوم باشد به امیدنا بودی امپریالیزم و جها نخواران بین المللی ، به امیدنا بودی نیروهای ارتجاع ، به امید قلع و قمع فاشیست ها و به امید پیروزی خلق های محروم همه ی جهان .

کوشه‌ای از زندان اوین ، بطوریکه مشاهده میشود حتی
سقف حیاط خلوت ها را با شبکه های فلزی پوشانده اند فقط
در همین قسمت از زندان اوین که در محوطه شرقی آن قرار
دارد صدها سلول بر پا شده و این در حالی بود که شاه سابق
ادعا میکرد تعداد زندانیان سیاسی آن از تعداد انگشتان
دست تجاوز نمیکند !



زندان نمایشی !

این راهروی طولانی شامل ده ها سلول انفرادی است .
مجهز ، روشن و تمیز ! دارای شوقاژ و تهویه مطبوع . . .
"ساواک " خارج از زندان اوین در محوطه غربی آن این
زندان را با استفاده از آخرین روشهای ساختمانی و با استفاده
از الگوی زندانهای مدرن اروپا ساخته بود ! به هنگام بازدید
کمیسیون حقوق بشر و سازمانهای مشابه بین المللی ، گروهی
از خود ساواکی ها و افراد وابسته به ساواک را به این سلولها
میردند و این سلول های شیک و زیبا را بازندانی های
مرتب ، آسوده و راضی از اعمال زندانبانها به نمایش در
برابر سازمانهای بین المللی می گذاشتند ! در حالیکه در
گوشه دیگر زندان ، زندانیان واقعی در زیر شکنجه های
وحشیانه عطارپورها ، تهرانی ها و حسینی ها به شهادت
میرسیدند !



در یک سلول ۴ متری حداقل ده نفر را نگه می‌داشتند!
به هر زندانی فضائی کمتر از نیم متر مربع میرسید. این
یک زندان عمومی بود که زندانیان در آن بایستی نوبتی
دراز می‌کشیدند و بقیه چمباتمه زده به نوبت می‌ایستادند تا
شخصی که به استراحت پرداخته جای خود را به آنها بدهد!
توالت و دستشویی در همان محلی است که زندانیان جیره
اندک خود را صرف می‌کردند!



زندان زنان

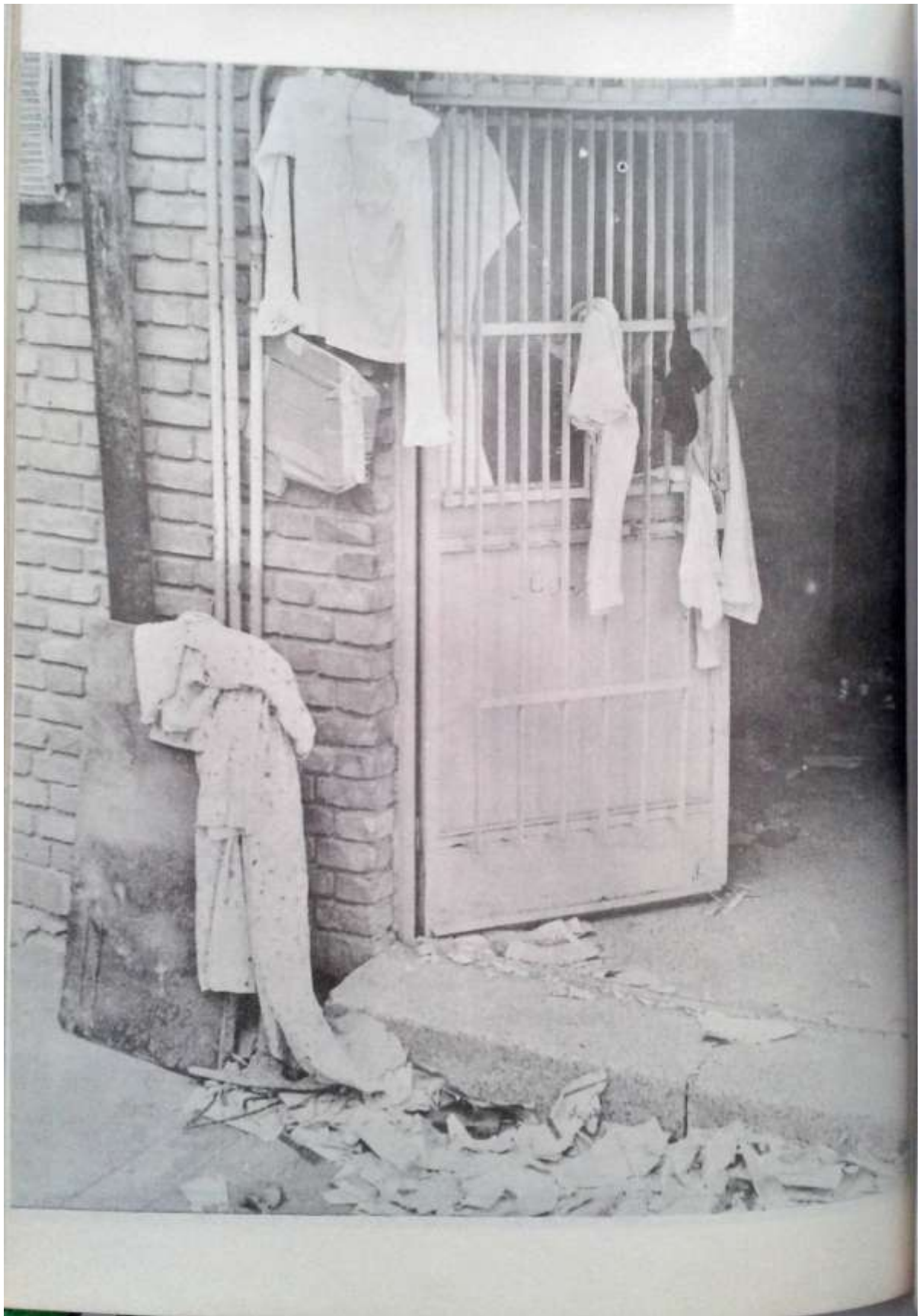
زندان زنان در منتهی الیه شمال شرقی محوطه زندان
اوین قرار داشت . فضائی متعفن و نمور . . . در اینجا گروهی
از بهترین فرزندان این مرزوبوم تحت و حشیانه ترین شکنجه‌ها
جان باختند

جلادان ساواک چه بسیار از خواهران رزمنده و مجاهد
مارا که در این سلول‌ها مورد تجاوز و اعمال شنیع دیگر قرار
دادند ! " اشرف دهقانی " از خاطرات خود از اعمال تجاوز
به زنان زندان از سوی دژخیمان " ساواک " میگوید .
" رجوع شود به متن کتاب "



لباسهای خون آلود

در جلوی یکی از سلول های زندان اوین به لباسهای پاره پاره شده و خون آلود زنان زندان برخوردیم . از این گونه لباس ها در کف همه ی سلول ها به چشم میخورد . دیوارها اکثرا " خون آلود بود و حکایت از این داشتند که در داخل سلول ها زندانیان مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار گرفته اند .



هواکش میکروبی !

این ستون عظیم فلزی به داخل زمین راه داشت. صحبت
از این بود که هواکش سلول های زیر زمینی زندان اوین است
گروه دیگری نیز میگفتند با استفاده از این دستگاه میکروب
وارد سلول ها میکردند تا زندانیان مبتلا به بیماری های
گوناگون شده و جان ببازند !



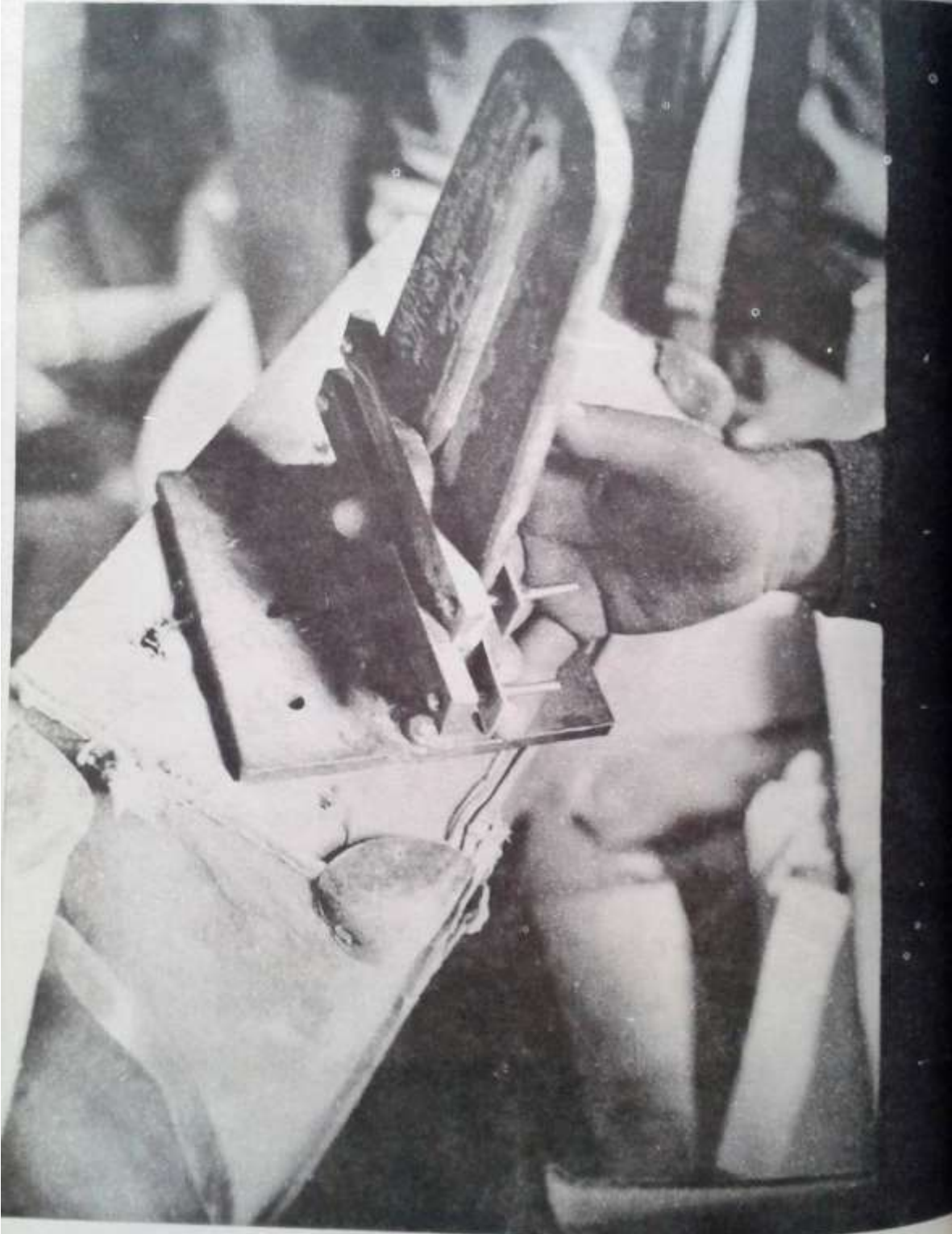
مدارک .

پرونده های زندانیان ساواک را پس از فتح زندان اوین در نخستین ساعات پیروزی انقلاب بدست آوردیم و متون همین پرونده ها بودند که ما را در نگارش این کتاب یاری کردند متن یکی از پرونده ها نشان میداد که شخص زندان شده مامور ساواک است که برای جاسوسی از زندانیان دیگر در یکی از سلول ها زندانی شده و وانمود کرده اند که او از مخالفین رژیم است و همین شخص گزارشاتی از افراد زندانی به رئیس زندان اوین ، بهمن نادری پور داده بود که بخاطر این گزارش مورد تشویق و تقدیر قرار گرفته بود . !



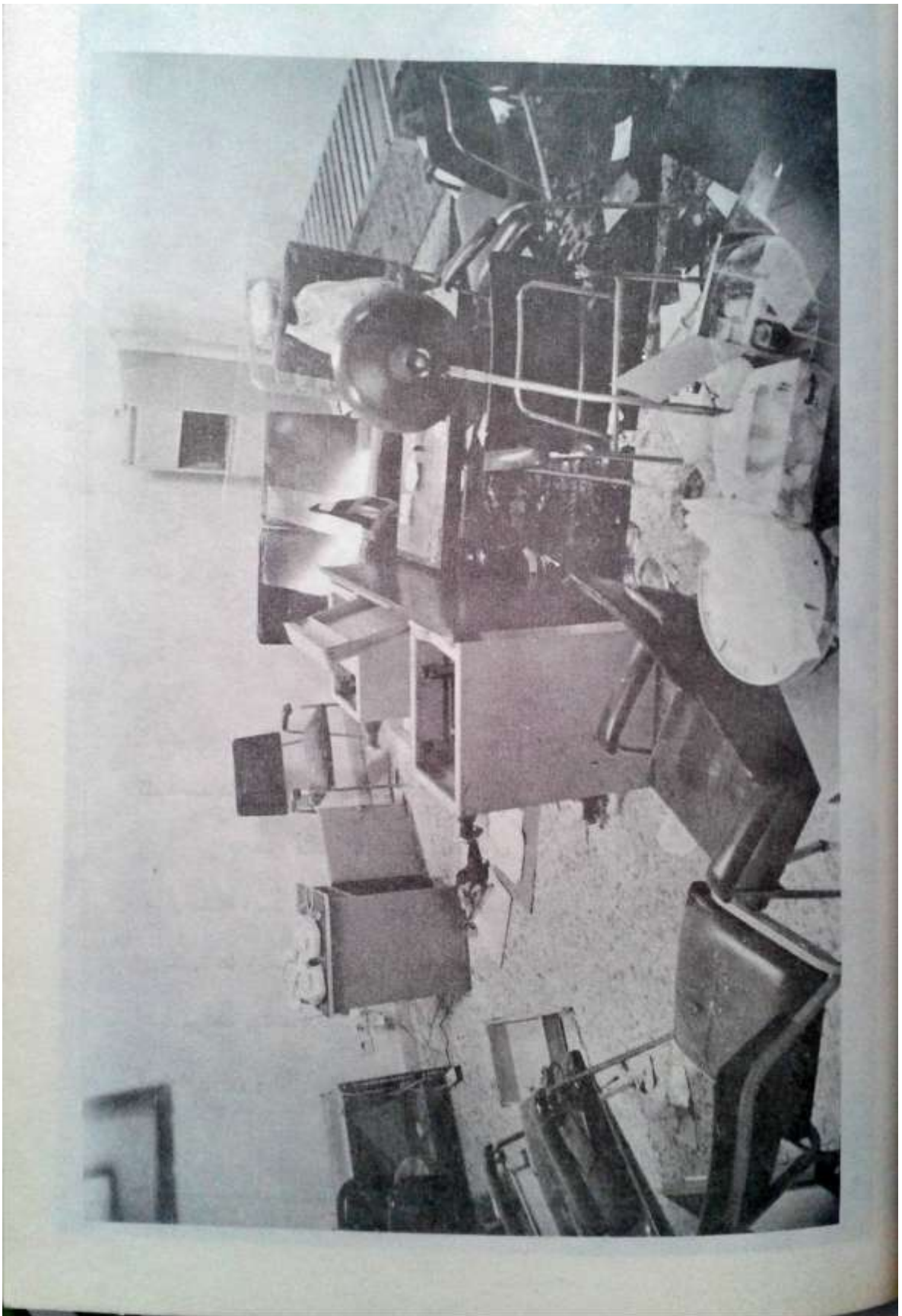
گیوتین برای قطع انگشتان دست :

یکی از آلات شکنجه ای که در زندان اوین بدست ما
افتاد . نوعی وسیله فلزی بود که انگشت دست شخص زندانی
را داخل آن می بستند و با قطع اندک اندک انگشت دست او
از وی اعتراف می گرفتند !



فتح زندان اوین

بهمن نادری پور "معروف به تهرانی سرپرست زندان
مخوف اوین برای خود در این زندان دفتر کاری زیبا و از
هر حیث مجهز فراهم آورده بود . اما این دژخیم سفاک که
دستش به خون جوانان برومند و مجاهد وطنمان آلوده بود
هرگز تصور نمی کرد روزی دفتر کارش چنین سرنوشتی پیدا کند !
در نخستین لحظات پیروزی انقلاب به همت رزمندگان
جان برکف و همه ی نیروهای انقلابی دژ خوفناک اوین فتح
شد و زندانیان به یمن پیروزی انقلابی از بندها رهائی یافتند
دفتر کار سرپرست زندان هم چنین سرنوشتی پیدا کرد !



کلید بند هائی که پیدا نشدند!

در داخل دفتر کار بهمن نادری پور سرپرست زندان
اوین صدها کلید مربوط به سلول های زندان پیدا شد که به
این کلیدها تیکت هائی وصل بود و شماره سلول ها را روی
آنها نوشته بودند عجیب اینکه بسیاری از این سلولها که
کلیدهایشان پیدا شده بودند گشفت نشدند!





صفحه‌ای از یکی از آلبوم های محرمانه سازمان امنیت
 که در زندان "اوین بدست خبرنگاران ما افتاد در این آلبوم
 ها عکسها و مشخصات دانشجویان دانشگاه ها و سایر موسسات
 آموزش عالی در داخل ایران و خارج از ایران جمع آوری شده
 بود همچنین از سایر کارمندان و کارکنان موسسات دولتی
 و غیر دولتی نیز آلبوم هایی تهیه شده بود که در صورت
 دستگیری و ازمیان رفتن کسی که عکسش در این آلبوم ها بود
 بدست عوامل ساواک ، عکس او حذف و با علامت ضربدر
 مشخص میشد!

ساواک بین المللی !

مدارک بدست آمده از سفارت ایران در ژنو . . .

" بامداد " اسم مستعار پرویز ثابتی بود . پرویز ثابتی در نامه ای که به سیمین " نمایندگی ساواک در ژنومستقر در سفارت ایران " ارسال داشته است خواستار ارسال روزنامهها ومجلات خارجی که علیه رژیم مطالبی می نویسند به تهران شده است . " ۳۳۵ " نام مستعار مرکز فعالیت های بین - المللی ساواک و " کارگشا " نام مستعار نصیری ، معدوم بود " ساواک " همه ساله از طریق سفارت خانه های ایران در خارج از کشور مبالغ هنگفتی به نشریات خارجی رشوه میداد تا از نوشتن گزارشاتی بر خلاف مصالح رژیم وقت خودداری کنند !

این مبالغ گاه به صورت مستقیم و گاه به صورت رپرتاژ آگهی و آگهی های دولتی نظیر تبلیغات هواپیمائی و غیره تامین میشد .
جرایدی که تن به درخواست های ساواک و رژیم نمی دادند اجازه نشر در ایران را نمی یافتند و ساواک از ورود این نشریات به کشور جلوگیری میکرد .

به : سمین

شماره ۲۲/۲۳۰

از : ۲۳۰

تاریخ ۲۰/۲/۴

در اجرای اوامر گشاد ستور فرمائید کلیه شایعات و اخبار اقران آمیزی که درباره ایران
در جراید خارجی چاپ میشود و نشان دهند و آنست که عناصر و عوامل دولت هائیس
 علیه ایران تحریکات مسموم کنند و منطابند همراه ترجمه آن جهت بررسی و بافتن
سرنخی بمركز فرستاد شود .

با اعداد

دولت ایران از تمام آزادی و تبعیض از اقلیت
فریب ندهد

۳۵.۷.۱۴

همکاری ساواک با سازمانهای مشابه در اروپا و آمریکا

مدارک بدست آمده از سفارت ایران در ژنو " نشان میدهد که سازمان امنیت و اطلاعات " ساواک " با سازمانهای مشابه نظیر "موساد" اسرائیل و سازمانهای دیگر در ایتالیا ، سوئیس و چندین کشور دیگر آسیائی ، اروپائی و آمریکائی در تحت نظر داشتن و سرکوب مبارزین ایرانی همکاری داشته است . نامه ای که "خوانساری" سفیر ایران نوشته است حاکی از آنست که ارتشبد نصیری معدوم رئیس وقت ساواک برای سرکوبی دانشجویان مبارز در اروپا با افراد امنیتی کشورهای اروپائی از جمله " جیورجیوالمیرانته " تماس داشته است .

در این نامه آمده است: پیرو مذاکراتی که چندی قبل در مرکز " ساواک " تهران میان آقای " جیورجیوالمیرانته " و ارتشبد نصیری صورت گرفته بود ، این نمایندگی " سفارت ایران در ژنو " با ایشان تماس حاصل نمود قرار شد از این پس برای مبارزه علیه دانشجویان منحرف به اصطلاح کنفدراسیون " مشترکا " اقدام گردد!

بدینوسیله تقاضا میگردد لیست کاملی از دانشجویان منحرف محل تهیه و به ساواک ارسال نمائید تا پس از بررسی در مرکز دستورات لازم اتخاذ گردد .

با احترام خوانساری



خداست برای شانشین ایران
بررسی دانشجویان ایرانی در سوئیس ایتالیا

پیرو ما اذاتس که چندی قبل در مرکز میان آقای "جیورجیو المیرانته"
GIORGIO ALMIRANTE و جناب آقای

ارتشبد نصیری صورت گرفته بود، این نمایندگی با ایشان تماس
حاصل نمود و قرار شد از این پس برای مبارزه علیه دانشجویان
منحرف با صلاح گفتار - یون مشترک اقدام گردد.
بدین سبب تقاضا میگردد نسبت کامی از دانشجویان منحرف محل
تهیه و به ساواک ارسال نمایند تا پس از بررسی در مرکز دستورات
لازم اتخاذ گردد.

با احترام
خوانساری

« وفاداری به نظام شاهنشاهی ، قانون اساسی و انقلاب شاه و مردم
عامل پیشرفت و موقعیت !

سفارت خانه‌های ایران در اروپا و آمریکا به مراکز ساواک تبدیل شده
بودند ! شرط تمدید گذرنامه دانشجویان مبارز و مخالفین رژیم در خارج از
کشور توسط سفارتخانه های ایران اعلام وفاداری به نظام شاهنشاهی ،
قانون اساسی و انقلاب شاه و مردم بود ، آنها تیکه قبول نمیکردند با مشکل
عدم تمدید گذرنامه روبرو میشدند . . .

در سفارتخانه ها برای دانشجویان موعظه میکردند که شرط پیشرفت
و موفقیت و بازگشت به ایران و احراز شغل مناسب اعلام وفاداری به نظام
شاهنشاهی ، قانون اساسی و انقلاب شاه و مردم است . و کسانی که این اصول
را قبول نداشتند دچار ناراحتی فراوان میشدند . سفارت ایران در ژنو به
عباسعلی خلعتبری وزیر خارجه معدوم نوشته است که کسانی که این اصول
را قبول نداشته باشند تکلیف مملکت با آنان روشن است !

« یعنی تعقیب ، دستگیری و شکنجه و به شهادت رساندن آنان !



نماینده کمی و دانشی ایران
نزد سازمان بین المللی کار - ژنو

لمی

تاریخ
شماره
پرست

جناب آقای خلعت پری وزیر محترم امور خارجه

شماره ۲۱۷۰-۱/۲/۵۲ د مورد سه دسته زهر :

۱- دانشجویان و ایرانیان ضحرف که دستور عدم تمدید گه نامه آنان
داد رگردد و در مسامرت اخیرا تیمسار ارتشبد نصیری ریاست سازمان اخلاعات
واضحت کشور مذاکره و قرار بر این شده پس از مطالعه کامل در صورتیکه افراد مذکور
در زمانند گمهای سیاسی شاهنشاهی وفاداری خود را نسبت به سه اول : نشام
شاهنشاهی ایران و قانون اساسی و انقلاب شاه و مردم گنبا - اعلام و تائیدهای عضویت
در حزب رستاخیز ملی ایران را بنمایند گه نامه آنان بعدت یکسال تمدید و در صورتی
که طی سالهای آینده تغییر وفاداری خود ندادند طبق رویه گه نامه هایشان
تمدید و تجدید گردد و در غیر این صورت برای همیشه تکلیف مطاکت با آنان روشن
خواهد بود .

۲- دسته دوم افراد تحصیل کرده ایرانی در مقابل پشت پرده که جزو سال است
دارای گه نامه ایرانی معتبر بوده و در حال حاضر در اروپای غربی، پسر، برنند
و پیشنهاداتی نیز در مورد آنان طی بند ۷ گزارش شماره ۷۳۵-۱/۱۲/۲۵۳ !
کمیسیون ژنو عرض رسیده نیز در صورت اعلام وفاداری به اصول سه گانه فرتها ۱۱ شمار
و قبول عضویت در حزب رستاخیز ملی ایران گه نامه آنان مرتبا تمدید و تجدید
گردد و نسبت به معادلات آنان به کشور تصمیم مساعدی اتخاذ گردد .

۸۱
۵۴۰۲
تاریخ
شماره

بخشنامه به کلیه نمایندگی های شاهنشاهی

پیرو بخشنامه شماره ۱۲/م/۲۷۶۸۸ مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۴ در مورد

عدم تمدید و تجدید گذرنامه ایرانیان مقیم خارج از کشور اسامی ۱۲ تن

دیگر از ایرانیان منحرف بیپوست ایفاد میگردد .

خواهشمند است دستور فرمائید درآینده از تمدید و تجدید گذرنامه

آنان خودداری نمایند .

وزیر امور خارجه



کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران
تلفن ۰۲۱۹۱۰۱۲۳
کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران
تلفن ۰۲۱۹۱۰۱۲۳

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران
تلفن ۰۲۱۹۱۰۱۲۳
کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران
تلفن ۰۲۱۹۱۰۱۲۳
کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران
تلفن ۰۲۱۹۱۰۱۲۳

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

موضوع - مبارزه با کنفدراسیون

در زمینه مبارزه با کنفدراسیون دانشگاهیان ایرانی در خارج از کشور گزارشی به عرض رسید که مورد تأیید و تصویب تیمسار ریاست ساواک واقع گردیده است با اعلام موارد مندرج در گزارش مزبور به شرح زیر خواهشمند است دستور فرمایید در اجرای امر اقدامات لازم معمول دارند .

۱- استخدام هرچه بیشتر - منابع مفید " جاسوس " و نفوذ دادن آنان در رده های مختلف کنفدراسیون و به ویژه در بین تشکیلات سیاسی خارج از کشور به منظور کسب اطلاعات لازم از هرگونه فعالیتی که علیه کشور و رژیم شاهنشاهی ایران در خارج از کشور انجام میشود و شناسائی کامل عاملین اینگونه فعالیتها و حتی الامکان بدست گرفتن مسئولیتهائی در کنفدراسیون .

۲- اجرای طرح های ویژه عملیاتی مانند دستبرد و سانسور به منظور بدست آوردن مدارک و اطلاعات خاص و حائز اهمیت .

۳- ایجاد انشعاب و تقویت اختلافات موجود بین سازمانهای مختلف سیاسی و گردانندگان کنفدراسیون به منظور تضعیف نیروی محرکه آن .

- ۴ - انجام اقدامات و خنثی گری به طرق مختلف مانند انتشار نشریات و اعلامیه های آشکار و پنهانی که به طور غیر مستقیم یا مستقیم خنثی کردن اثرات تبلیغات مختلف در خارج از کشور موثر باشد .
- ۵ - انجام اقدامات ارشادی از قبیل مصاحبه با دانشجویان در هنگام بازدیدهای آنان از ایران و در صورت لزوم توسط نمایندگان در خارج از کشور و همچنین مذاکره با اولیاء دانشجویان .
- ۶ - کمک در پیشبرد فعالیتهای مثبت در خارج از کشور که در وظیفه دیگر سازمانهای مسئول مملکتی میباشد و توجه دادن این سازمانها به گسترش این فعالیتهای به منظور خنثی کردن و جلوگیری از فعالیتهای مضره در خارج از کشور .

تابتی

شماره ۱۰۱ / ۲۰۲
تاریخ ۱۲ / ۸ / ۵۳

از مرکز / ۳۳۰
به ناخدگی ساواک در زنجو

موضوع - مبارزه با کفدراسیون

- در زمینه مبارزه با کفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور گزارشی بحررررسید که مورد تائید و تصویب تیمار ریاست ساواک واقع گردیده است با اعلام موارد مندرج در گزارش مزبور بشرح زیر خوا - هشمند است دستور فرمایید در اجرای امر اقدامات لازم معمول دارند .
- ۱ - استخدام هر چه بیشتر منابع معید رفعود دادن آنان در رده های مختلف کفدراسیون و به ویژه در بین تشکیلات سیاسی خارج از کشور به حضور کسب اطلاعات لازم از هرگونه فعالیتی که علیه کشور و رژیم شاهنشاهی ایران در خارج از کشور انجام میشود و شناسائی کامل اینگونه فعالیتهای و خنثی الا امکان بدست گرفتن مسئولیتهای در کفدراسیون .
- ۲ - اجرای طرح های ویژه عملیاتی مانند دستبرد و سانسور به منظور بدست آوردن نداشت و اسذعات خاصه حائز اهمیت .
- ۳ - ایجاد انشعاب و نفوذ اختلافات موجود بین سازمانهای مختلف سیاسی و گرداندگان کفدراسیون بصورت تضعیف نیروی محرکه آن .
- ۴ - انجام اقدامات و خنثی گری به طرق مختلف مانند انتشار نشریات و اعلامیه های آشکار و پنهانی که بطور غیر مستقیم یا مستقیم در خنثی کردن اثرات تبلیغات مختلف در خارج از کشور موثر باشد .
- ۵ - اسعام اقدامات ارشادی از قبیل مصاحبه با دانشجویان در هنگام بازدید های آنان از ایران و در صورت لزوم توسط نمایندگان در خارج از کشور و همچنین مذاکره با اولیاء دانشجویان .
- ۶ - کمک در پیشبرد فعالیتهای مثبت در خارج از کشور که در وظیفه دیگر سازمانهای مسئول مملکتی میباشد و توجه دادن این سازمانها به گسترش این فعالیتهای به منظور خنثی کردن و جلوگیری از فعالیتهای مضره در خارج از کشور - تابتی

درباره جمع آوری اطلاعات

از مرکز " ساواک تهران "

به سیمین " مرکز اروپائی ساواک در ژنو "

این اطلاعات در موارد زیر مورد نیاز مرکز است خواهشمند است

دستور فرمائید در موارد زیر تحقیق و نتیجه را به مرکز ارسال دارند :

۱- آنچه کامل و دقیق از شروع فعالیت های مضره دانشجویی و نحوه

تشکیل سازمانها ، به انضمام هرگونه تغییری که در سازمانها پیدا شده .

۲- آمار تقریبی دانشجویانی که در آن کشور مشغول تحصیل هستند

همراه با تعداد دانشجویان منحرف هر شهر .

۳- شرح حال افراد خارجی آن کشور که فعالیت های مضره دانشجویان

را پشتیبانی میکنند .

۴- نشریاتی که توسط سازمانها و یا گروه های آن کشور تهیه میشود

با ذکر تیراژ و گردانندگان در حد امکان .

بامداد " پرویز ثابتی "

۲۱۸۴
۱
۹
۱۰

ن / ۲۲۲

بیمین

درباره جمع آوری اطلاعات

ن اطلاعات در موارد زیر مورد نیاز مرکز است خواهشمند است دست
رامون موارد زیر تحقیق و نتیجه را بمرکز ارسال دارند :
نجه کامل و دقیق از شروع فعالیت های مضره و انشجوی و نحوه تشکی
، بانضمام هرگونه تغییراتی که در سازمان ها پیدا شده .
نفریبی و انشجویانی که در آن کشور مشغول تحصیل هستند همراه با تعداد
نمصرف هر شهر .
حال افراد خارجی آن کشور که فعالیت های مضره و انشجویان را پشتیبانی

شریاتی که توسط سازمان ها و یا گروه های آن کشور تهیه میشود بازگردد
و گردانندگان در حد امکان . باطرا . ۰ / ۱

نور


فعالیت های ساواک علیه اقلیت های نژادی

در باره اکراد مقیم خارج از کشور

چون امکان دارد دامنه فعالیت های اکراد مقیم خارج از کشور که اخیراً "تأحدودی رنگ ناسیونالیستی بخود گرفته و به صور مختلف از قبیل تشکیل کنفرانسها و نشر و توزیع اعلامیه و غیره انجام میگیرد بلحاظ هدف و ایدئولوژی واحد بطور مستقیم یا غیر مستقیم به داخل کشور شاهنشاهی نیز نفوذ یافته و موجبات تحریک و اغفال بیشتر اکراد ایرانی و افراد فرصت طلب مقیم داخل و خارج کشور را فراهم نماید لذا مقرر است از هر گونه فعل و انفعالات اکراد مقیم خارج از کشور و همچنین نحوه و چگونگی تشکیل مجامع و کنفرانسهای کلیه اکراد مقیم خارج بخصوص آن عده که بنحوی از انحاء علیه مصالح ایران فعالیت می نمایند به موقع آگاهی حاصل و پیش گیری های لازم معمول گردد. بفرموده خواهشمند است دستور فرمائید به منظوری بردن به کم و کیف و شناسائی عاملین و عناصر اصلی و در نتیجه خنثی کردن اثرات سوء ناشی از این قبیل فعالیت ها نسبت به نفوذ بین اکراد مورد بحث و مجامع و محافل آنها اعم از ایرانی و غیر ایرانی و انتخاب و استخدام منابع و عوامل واجد شرایط بین آنان اقدامات سریع و همه جانبه معمول و نتایج حاصله را مرتباً "اعلام دارند!

فوری سری

از: ماسها

به: منظره

درباره افراد مقیم خارج از کشور

همون امکان دارد دانشفصلیهان افراد مقیم خارج از کشور که اخیراً تاحدودی رنگ ناسیونالیستی بخود گرفته و بصیر مختلف از تهیه تشکیل کفرانسها و نشر و توزیع اعلامیه وغیره انجام میگردد بلحاظ همدن واید تولوزی واحد بلورستقیم باغیر مستقیم به داخل کشور شاهنشاهی نیز نفوذ یافته و موجبات تعریف و اغفال بیشتر افراد ایرانی و افراد فرصت طلب مقیم داخل رخاان کشور را فراهم نماید لذا مقررات از هرگونه عمل و انفعالاً افراد ایرانی مقیم خارج از کشور دشمنین نحوه و چگونگی تشدید مجامع و کفرانسها کلمه افراد مقیم خارج بخصوص آن عده که بنحوی از آنها علیه مصالح ایران فعالیت میکنند بموجب آتاعی حائیل و پیشگیریهای لازم معمول گردد و فرموده خواهشمند است دستور فرمائید بنظور بی بردن به کم و شیب و شناسائی عاملین رعنا سر اصلی و در نتیجه خنثی کردن اثرات سوء ناشی از این قبیل فعالیتها نسبت به نفوذ بین افراد مورد بحث و مجامع و محافل آنها اهم از ایرانی و غیر ایرانی و انتخاب و استخدام منابع رعنا من واجد شرایط بین آنان اقدامات سرریه و همه جانبه معمول و نتاین حاصله را مرتباً اعلام دارند

مهر
ایران

۳۱۴/۱۲۷۸

۵۱/۲/۲۵

سری

شاه سابق مستقیماً "ساواک" را هدایت میکرد .

بر اساس مدرک بدست آمده از سفارت ایران در ژنو شاه سابق مستقیماً "ساواک" را رهبری و هدایت نمیکرده است در این نامه آمده است : برابر اعلام وزارت امور خارجه ، سازمان نجات فلسطین ، به منظور استقرار امنیت در لبنان و جلوگیری از هرج و مرج و قتل و سرقت اقدامات شدیدی آغاز نموده و از جمله دادگاه صحرایی سازمان در تاریخ ۱۳۵۴/۱۱/۹ ۵ نفر از آشوبگران را به اتهام سرقت و تجاوز به مرگ محکوم کرده است که هر پنج نفر اعدام شده اند . با وجود این که این افراد به جرم سرقت محاکمه و اعدام شده اند علیهذا هیچیک از احزاب کمونیست و کشورهای افراطی اعتراضی ننموده اند در حالیکه در مورد اعدام یک مشت جانی و آدمکش در ایران (توضیح: مصادف با اعدام گروهی از مجاهدین و جوانان مبارز توسط ساواک) این همه سرو صدا راه انداخته اند مراتب از شرف عرض منصور . . .

(توضیح: اسم مستعار شاه سابق منصور بود) گذشت اوامر منصور چنین شرف صدور یافت : " این مطلب به سفیران ما منعکس شود که از آن بهره برداری کنند و در جواب های خود به روزنامه ها و مقامات دست چپی از آن استفاده نمایند . مراتب جهت اطلاع و هر گونه اقدام مقتضی اعلام گردید .

بامداد "پرویز ثابتی"

به : سپین

شماره ۲۲۴/۳۰۵۹

۲۲۴ :

تاریخ ۵۴/۱۱/۲۳

برابر اعلام وزارت امور خارجه سازمان نجات فلسطین بمنظور استقرار امنیت در لبنان و جلوگیری از هرج و مرج و قتل و سرقت اقدامات شدیدی آغاز نمود و با جمله دادگاه صحرایی سازمان در تاریخ ۵۴/۱۱/۹ پنج نفر از آشوبگران را به اتهام سرقت و تجاوز بزرگ محکوم کرد و است که هر پنج نفر اعدام شده اند با وجود اینکه این افراد بجرم سرقت محاکمه و اعدام شده اند علیهذا لیهیچیک از احزاب کمونیست و کشورهای افراطی اعتراض ننموده اند و حالیکه در مورد اعدام يك مشت جانی و آد مکتور رایران اینهمه سروصدای راه انداخته اند مراتب از شرف عرض منصور گذشت و امر منصور چنین شرف صد دریافت « این مطلب به سفیران ماضعکس شود که از آن بهره برداری کنند و در جواب های خود به روزنامه ها و مقامات دست چپ از آن استفاده نمایند » مراتب جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی اعلام گردید .

با اعداد

بیت

گوشه ای از اقدامات " ساواک " در جریان برگزاری بازیهای آسیائی

تهران .

از مرکز " ساواک تهران "

به سیمین " . مرکز اروپائی ساواک در ژنو "

در باره بازیهای آسیائی تهران

همانطوریکه اطلاع دارند هفتمین دوره مسابقات آسیائی از تاریخ

۱۰/۶ الی ۲۶/۶/۱۳۵۳ در تهران برگزار میگردد .

باتوجه به اهمیت موضوع و اینکه امکان دارد عناصر خرابکارو گروه -

های برانداز ، طرحها و برنامه هائی به منظور اخلال نظم ، ایجاد رعب و

وحشت و احتمالاً " تأخیر مسابقات در پیش گیرند ، لذا خواهشمند است

دستورفرمائید از هم اکنون کلیه منابع و همکاران را توجیه تا هرگونه اخبار

و اطلاعاتی دراین زمینه کسب می نمایند گزارش ، ضمناً " نسبت به هرگونه

غیبت و مسافرت ناگهانی عناصر فعال به موقع آگاهی یافته و مراتب به مرکز

منعکس نمایند .

بامداد " پرویز ثابتی "

ساواک _____ ۱۱۰

سری

از . مرکز / ۲۲۲

به . سین

۳۳۲/۷۵۳

دوره . بازیهای آسیایی تهران ۲۵ ۲۴ ۲۳

همانطوریکه اطلاع دارند هفتمین دوره مسابقات آسیایی از تاریخ ۱۰/۱۰ الی ۲۲/۱۰/۲۲ در تهران برگزار میگردد .

با توجه با اهمیت موضوع و اینکه امکان دارد عناصر غربی با ریزشهای برانداز طرحها و برنامه های بنشیند اختلال نظم ایجاد دهد و وحشت و احتیاط تاخیر مسابقات در پیش گیرند لذا خواهشمند است دستور فرمائید از هم اکنون کلیه منابع و همکاران را توجیه تا هرگونه اخبار و اطلاعاتی در این زمینه کسب نمایند گزارش شما نسبت به هرگونه نیت و سانسرت ناگهانی عناصر فعال بموقع آگاه^{باشند} و مراتب را مرتباً به مرکز منعکس نمایند . با مدام . ج

از تاریخ


رئیس منابع گذشته



« پرتاب گوجه فرنگی به صورت شاه سابق در دفتر اروپائی سازمان ملل
متحد!

هنگامیکه شاه سابق برای سخنرانی در کنفرانس بین المللی کار به
ژنورفته بود در دفتر اروپائی سازمان ملل متحد یک کارمند تونسسی به طرف
او گوجه فرنگی گندیده پرتاب کرد و او را به باد ناسزا گرفت. این ماجرا
در روزنامه های معتبر خارجی منعکس گردید و جنجال بزرگی در جهان به
پا کرد اما اختناق حاکم بر ایران اجازه نداد روزنامه هائی که در اروپا و
آمریکا این خبر را درج کرده بودند به ایران برسند اگرچه ماجرا بزودی
فراموش شد اما "ساواک" آنرا فراموش نکرد و به تعقیب کارمند تونسسی دفتر
سازمان ملل در اروپا پرداخت و پس از چندی این کارمند زن به طرز مرموزی
مفقود شد!

متن یکی از گزارش های ساواک در مورد این حادثه به این شرح است:

بپیوست مشخصات و یک قطعه عکس زنی که کارمند سازمان بین المللی
کار بوده " مشارالیه تابعه کشور تونس بوده " و موقع تشریف فرمائی نیکنام
"شاه سابق" به محوطه سازمان ملل متحد جهت ایراد فرمایشات در ماه

به : ۳۲۲ - ۳۲۲

شماره ۱۰۰۶

از : منظره

تاریخ ۰۱/۶/۱۰

پرو شماره ۱۳۴۹ - ۰۱/۳/۲۹

بهبودت مشخصات يك قطعه عكس زنی که کارمند سازمان بین المللی کار بوده
(مشارالیهما تبعه کشور تونس است) و موقع تشریف فرم شدنش نیکام محفوظه سازمان
طلک متحد جهت ابراد فرمایشات در راه روشن ۱۹۷۲ به معظم له اسانه ادب نمود
برود تقدیم میگردد .

ضمنا با استحضار میرساند که مشخصات زن مورد بحث و عکس وی بطور مخصوص از معاین
پلمس امنیتش رتو گرفته شد و بنا با اظهارنا میرد زن مورد بحث از سازمان موصوف
اخراج ولی فعلا در رتو میرسد که پلمس اصرار دارد برای همیشه خاک سوشیس را ترک
نماید و مضافا بحرض میرساند نظرها اینکه جناب آتای هدایت رشمین هیئت نمایندگان
دائمی ایران نزد سازمان طلک متحد نیز این موضوع را به وزارت امور خارجه ضمکس
نموده بود لذا از اینجانب تقاضا نمودند که يك قطعه عکس و بیوگرافی زن مورد بحث
از مقامات پلمس اخذ و در اختیار ایشان گذارد شود تا جهت هرگونه اقدام مقتضی
وزارت امور خارجه ارسال دارند .

آزرمین

ژوئن ۱۹۷۲ به معظم له اسائه ادب نموده بود تقدیم میگردد .
ضمناً "به استحضار میرساند که مشخصات زن مورد بحث و عکس وی
بطور خصوصی از معاون پلیس امنیتی ژنو گرفته شده و تنها به اظهار نامبرده
زن مورد بحث از سازمان موصوف اخراج ولی فعلاً " در ژنو به سر میبرد که
پلیس اصرار دارد برای همیشه خاک سوئیس را ترک نماید ، مضافاً " به عرض
میرساند نظر به اینکه جناب آقای هدایت رئیس هیئت نمایندگی دائمی
ایران نزد سازمان ملل متحد نیز این موضوع را به وزارت امور خارجه منعکس
نموده بود لذا از اینجانب تقاضا نمودند که یک قطعه عکس و بیوگرافی زن
مورد بحث از مقامات پلیس اخذ و در اختیار ایشان گذارده شود تا جهت
هر گونه اقدام مقتضی به وزارت امور خارجه ارسال دارند .

آزوملین !



مصاحبه با بهمن نادری پور آخرین رئیس زندان اوین و شکنجه گر ساواک "...
بهمن نادری پور آخرین رئیس زندان اوین و شکنجه گر معروف ساواک
معروف به " تهرانی " که بارای دادگاه عدل انقلابی اسلامی برابر جوخه
اعدام قرار گرفت و معدوم گردید در آخرین روزهای حیات ننگین خود طی
مصاحبه ای پرده از اسرار فعالیت های " ساواک " برداشت مطالبی که
" نادری پور " در این مصاحبه اظهار داشت تأییدی بر محتویات این کتاب
است .

در خصوص چگونگی تشکیل کمیته " نادری پور " اظهار داشت :
کمیته ضد خرابکاری ساواک - شهربانی ، بدنبال درگیریهایی که در
سال ۱۳۴۹ بین کمیته های شهربانی و ساواک که بطور جداگانه علیه مبارزان
عمل میکردند روی داد ، در سال ۱۳۵۰ بوجود آمد ، در آن زمان ناصر
مقدم ، مدیر کل اداره ساواک بود و به دستور شاه این کمیته بوجود آمد تا
ساواک با همکاری شهربانی ، ارتشو ژاندارمری بتواند اغتشاش ! دردانشگاه ها
را خنثی کند .

تهرانی که در بهمن ماه آن سال به کمیته پیوست گفت : با تشکیل کمیته

ضد خرابکاری، این کمیته موفق به کشف گروه های مسلح مبارزه با رژیم شاه شد، کمیته ابتدا به وجود گروه "سیاهکل" پی برد و سپس موفق به کشف سازمان "مجاهدین خلق" شد.

وی گفت: "عطارپور"، معروف به دکتر "حسین زاده" و "عضدی" زیر نظر "ثابتی" و "ناصر مقدم"، بعد از آنکه "فرسیو" بوسیله گروه های مبارز ترور شد و پاسگاه کلانتری "قلهک"، مورد حمله مردان مسلح قرار گرفت، شالوده کمیته ضد خرابکاری را با الگو برداری از کمیته های مشابه که در آمریکای لاتین وجود دارد، بنیان نهادند.

وی افزود: بطور کلی در تمام سازمان های اطلاعاتی، معمولاً از دو عامل انسانی و فنی - برای تعقیب و دستگیری مبارزان استفاده میشود و ساواک نیز همین گونه عمل میکرد. ماموران امنیتی و منابع اطلاعاتی، به وسایل مختلف، به داخل گروه های مبارز نفوذ داده میشدند و پس از آنکه اطلاعاتی از یک منبع بدست آمد، تیمهای تعقیب و مراقبت، به کار میکروفون گذاری در محل و کنترل تلفن مبارزان میپرداختند. خانه تیمی، تیمهای مراقبت و تعقیب که عموماً "به یک دستگاه مرکزی بی سیم و اتومبیل های بی سیم دار مجهز بودند، در جوار یک گاراژ تهیه میشد تا در آن گاراژ وسیله نقلیه اعضاء، از قبیل دوچرخه، موتور سیکلت و اتومبیل نگهداری شود و بموقع مورد استفاده قرار گیرد.

"تهرانی" افزود: تعقیب، معمولاً به ۲ شکل مثلثی و موازی انجام میشد و گروه های تعقیب سوژه را با استفاده از بی سیمی که در اختیار

داشتند ، بهمدیگری پاس میدادند و سرانجام که اطلاعات تکمیل میشد ، بدستور مرکز ، سوژه به دام میافتاد و براساس اطلاعاتی که از قبل بدست آمده بود بازجویی از دستگیر شدگان توأم با شکنجه در ساواک ، آغاز میشد .

« از بهمن نادری پور معروف به تهرانی در خصوص دستگیری مبارزان و مجاهدین سؤال شد تهرانی اظهار داشت :

" مراد دلفانی " ، از طریق منبعی که در کرمانشاه به " ساواک " اطلاعاتی میداد شناسایی و دستگیر شد و سپس " ناصر صادق " مورد تعقیب قرار گرفت و با دستگیری آنان در شهریور ۵۰ خانه های امن " مجاهدین " مورد هجوم کماندوها قرار گرفت و حدود یکصد نفر از اعضای اصلی آن سازمان دستگیر شدند .

رسیدگی به کار سازمان مجاهدین در کمیته بوسیله " منوچهر هوشنگ از غندی " ، معروف به " منوچهری " آغاز شده بود که اطلاع رسید مهندس " بدیع زادگان " نیز بوسیله شهربانی دستگیر شده است .

" تهرانی " اعتراف کرد که مهندس " بدیع زادگان " ، پس از دستگیری ، بوسیله ماموران اطلاعات شهربانی ، بشدت مورد شکنجه قرار گرفته بود و بدنش را بوسیله اجاقهای برقی سوزانده بودند و شدت جراحات به حدی بود که علیرغم درخواست های مکرر " ساواک " و مراجعات پی در پی " از غندی " به شهربانی برای تحویل گرفتن او ، ماموران شهربانی ، از ترس ، " بدیع زادگان " را تحویل نمی دادند . " بدیع زادگان " بدنبال اجاره یک اتومبیل پیکان از محلی که اتومبیل کرایه میدادند ، مورد شناسایی

ساواک _____ ۱۱۷

قرار گرفت و دستگیر شد .

وی آنگاه به دستگیری و شکنجه سه تن دیگر از اعضای سازمان مجاهدین خلق اشاره کرد و اظهار داشت : حنیف نژاد " ، سعید محسن " و " محمود عسگری زاده " ، بنیانگذاران آن سازمان ، پس از دستگیری ، به شدید ترین وجهی شکنجه شدند ، اما هیچ اطلاعاتی در اختیار ساواک نگذاشتند ، حتی عسگری زاده ، پس از دو هفته شکنجه ، با آنکه از نظر ساواک کاملاً " شناسایی شده بود ، حاضر به افشای نام و مشخصات خودش نشد .

تهرانی در تشریح چگونگی مقاومت مجاهدین زیر شکنجه و از خود گذشتگی آنان برای بقای سازمان و نجات جان هم‌زمان خود اظهار داشت :

با آنکه ساواک میدانست عده ای از اعضای سازمان مجاهدین ، در برنامه ناموفق گروگان گیری شهرام پهلوی نیا شرکت کرده بودند ، اما حنیف نژاد و بدیع زادگان و سعید محسن و عسگری زاده ، این گروگان گیری را بخود نسبت میدادند تا بدینوسیله جان دوستان خود را به خطر نیندازند .

تهرانی در مورد ماجرای هواپیما ربایی اعضای سازمان مجاهدین خلق ، اطلاعات تازه ای بدست داد . وی گفت : من از طریق بولتن های ساواک مطلع شدم که تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق از طریق دویی به فلسطین رفته اند . جریان بدینگونه بود که چند نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق ، در دویی دستگیر شده بودند و در زندان با خرید قاضی دادگاه آن شیخ نشین ، میخواستند خود را نجات دهند ، ولی قاضی رضایت نداد . از سوی دیگر هم‌زمان آنها ، برای نجات رفقای خود ، پرواز و ساعت

۱۱۸ _____ ساواک

پرواز هواپیمایی را که میخواست مجاهدین را تحویل ایران کند ، شناسائی کردند و بصورت مسافر ، سوار هواپیما شدند و هواپیما را با رفقای اسیرشان از آسمان دویی ربودند و به عراق بردند . در آن زمان روابط ایران و عراق تیره بود و عراق به تصور اینکه ، اینها جاسوس هستند ، آنها را زندانی و شکنجه کرد ، اما وقتی متوجه شد که آنها علیه رژیم ایران می جنگند ، وسیله ای فراهم کرد و بنا به تقاضای خودشان ، آنها را به فلسطین فرستاد .

« از تهرانی پیرامون چگونگی شهادت گروه جزئی سؤال شد : در مورد شهادت گروه جزئی پیش از این ، اطلاعات دقیقی وجود نداشت اما تهرانی که خود یکی از عوامل اجرای نقشه وحشیانه ساواک بود ، برای نخستین بار از ماجرای شهادت گروه ۷ نفری جزئی و دو مجاهد خلق ، پرده برداشت . وی گفت : متأسفانه این کثیف ترین جنایتی بود که ساواک انجام داد و من هم در آن نقش داشتم .

وی در تشریح ماجرا گفت : بعد از ترور سرتیپ رضا زندی پور ، رئیس وقت کمیته مشترک در اوایل فروردین ۵۴ ساواک به قصد انتقام جوئی ، نقشه وحشتناکی طرح کرد که عمده عوامل اجرای آن ، تا آخرین دقایق اجرای نقشه از چگونگی آن آگاه نبودند .

وی گفت : یک روز محمد حسن ناصری مرا خواست و گفت که باید در عملیات فوق محرمانه ای که بدستور ثابتی طراحی شده و چگونگی اجرای آن هنوز معلوم نیست شرکت کنی . پنجشنبه ۲۸ یا ۲۹ فروردین بود که رضا

عطارپور (دکتر حسین زاده معروف) از من خواست ترتیب انتقال کاظم ذوالانوار را از زندان " قصر " به زندان " اوین " بدهم . من هم نامعاش رانوشتم و به امضاء رساندم ، قرار شد که ناهار در رستوران هتل آمریکا ، در خیابان تخت جمشید با " عطارپور " باشم . من که از دعوت دیگران اطلاعی نداشتم ، تقریباً " همزمان با سعدی جلیل اصفهانی ، پرویز فرنزاد ، عطار - پورنوذری (معروف به رسولی) و شعبانی به رستوران رسیدم . سر میز ناهار عطارپور جزئیات طرح را تاکید بر اینکه امروز ، روز اجرای عملیات است و هیچکس حق اعتراض و سرپیچی ندارد افشاء کرد و افزود که بدستور ثابتی این طرح باید اجراء شود ، زیرا همانطور که عدای از رفقای ما بوسیله این گروه هاترور شده اند ، آنها هم باید مورد تهاجم قرار بگیرند و کشته شوند .

به زندان اوین رفتیم و قرار شد شعبانی (حسینی) و نوذری ، زندانیان ، را تحویل بگیرند ، ما نیز به قهوه خانه " اکبر اوینی " رفتیم و به انتظار نشستیم مینی بوس حامل زندانیان ، در حالیکه سرهنگ وزیری با لباس ارتشی در اتومبیل بود ، رسید و سربازی را که آنجا پاس میداد ، مرخص کرد . زندانیان را به بالای ارتفاعات بازداشتگاه اوین بردیم و در حالیکه چشم ها و دستهایشان بسته بود ، آنها را ردیف روی زمین نشانیدیم . بعد عطارپور ، برایشان سخنرانی کرد و گفت : همانطور که دوستان و همکاران شما که شما رهبران فکری آنها هستید و از زندان با آنان ارتباط دارید ، همکاران و دوستان ما را اعدام میکنند و از بین میبرند ، ما نیز شما را محکوم به اعدام کرده ایم .

بیژن جزنی و چند نفر دیگر، شدیداً "اعتراض کردند، اما نمیدانم عطارپوریا سرهنگ وزیری، با مسلسل یوزی بروی آنان آتش گشود و مسلسل را یکی یکی به ما داد. من نفر چهارم یا پنجم بودم که مسلسل بمن رسید و وقتی من شلیک کردم دیگر آنها زنده نبودند. البته نمیخواهم بگویم که در کشتن آنها دخالت نداشتم چون نفس عمل مهم است که من هم در این جنایت عمل کردم. بعد هم سعدی جلیل اصفهانی با مسلسل، بالای سر آنها رفت و هر کدامشان را که نیمه جان بودند، با مسلسل، خلاص کرد.

* "تهرانی" در ادامه گفته های خود اظهار داشت:

دو تن از این شهدا، مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار - عضو سازمان مجاهدین خلق و بقیه اعضای گروه های سیاهکل و چریک ها بودند. قصد ساواک از این عمل این بود که دوستان این شهدا، بدانند اگر کسی را ترور کنند، با همفکران و همزمانشان، اینگونه رفتار خواهد شد، بخصوص که در همان مواقع مستشاران نظامی نیز در تهران ترور شده بودند، اما من از اختلافات خصوصی ثابتی با جزنی مطلع بودم. ثابتی بر اثر همین اختلافات بود که "تبلی فیلم" متعلق به بیژن جزنی را بسته بود از طرف دیگر اینها کسانی بودند که به دفعات شکنجه شده بودند ولی هرگز حرفی نزدند. بهر حال پس از این ماجرا، من و رسولی چشم بند و دستبندهای شهدا را سوزانیدیم و از بین بردیم و اجساد را داخل مینی بوس گذاشتیم و حسینی و رسولی اجساد را به بیمارستان ۵۰۱ ارتش منتقل کردند.

روز بعد، متنی بوسیله عطار پور برای روزنامه ها تهیه شد که در آن

عنوان شده بود این ۹ نفر در جریان انتقال از زندان به زندان دیگر، قصد فرار داشتند که مورد هدف گلوله ماموران قرار گرفتند. این متن به دو دلیل بسیار ناشیانه تهیه شده بود اولاً " همه آنها، از روبرو هدف گلوله قرار گرفته بودند، پس قصد فرار نداشتند. ثانیاً " نحوه انتقال زندانی طوری نبود که بتوان قبول کرد که قصد فرار در بین بوده است.

✽ "تهرانی" در پاسخ به سئوالی در مورد واقعه سیاهکل چنین اظهار داشت:

من در پوشش بازرس سپاه دانش، ایرج نیری را در روستای شلخوش بلات دستگیر کردم. هادی بنده خدا لنگرودی نیز بوسیله مردم دستگیر شده بود. گروه سیاهکل، با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، قصد داشت هادی را نجات دهد، در این حمله ۹ قبضه اسلحه به غنیمت گرفته شد ولی چون مبارزان نتوانستند فشنگ بدست بیاورند، اسلحه ها را در جاهای مختلف پنهان کردند که بعداً " به دست آمد.

✽ تهرانی در جواب این سئوال که بنا به اظهارات ناصری شما در ماجرای سیاهکل شرکت داشتید و بخاطر فعالیت تان از شاه نشان گرفتید، پاسخ داد: من چون از همه جوان تر بودم، برای تخلیه انبارک ها اعزام شدم، ولی، نقش موثری نداشتم، اما به اتفاق ناصری به رشت رفتم و ایرج نیری، برادر هادی و محمود رحیمی را هم من دستگیر کردم. ضمناً " برای دستگیری تیم کوه سیاهکل با حضور ماموران ژاندارمری، من نیز شرکت

۱۲۲ _____ ساواکی

داشتم .

وی گفت: علی اکبر صفایی فراهانی، جلیل انفرادی و علی نیری بوسیله مردم، در روستای "گلستان" دستگیر شده بودند و مردم آنها را بشدت مضروب کرده بودند، مثلاً "با فرو بردن سیخ به ریه جلیل انفرادی، ریه او را پاره کرده بودند، بطوریکه صدایش شنیده میشد. دست علی نیری هم وقتی که برای نجات او از پاسگاه ژاندارمری، اقدام شده بود، بوسیله علی اکبر صفایی فراهانی تیر خورده بود و بشدت چرک کرده بود و مردم هم دستش را شکسته بودند. این سه تن به بهداری سیاهکل منتقل شدند و بعداً "۳ محل تماس اعضای کوه را روی نقشه روشن کردند، اما ژاندارمری موفق نشد آنها را دستگیر کند و فقط کوله پشتی آنها در کوه بدست آمد.

« بهمن نادری پور "معروف به" تهرانی " آخرین رئیس زندان اوین که از شکنجه گران معروف ساواک نیز بود در مورد شکنجه " مبارزان " چنین گفت:

در شکنجه بهمن روحی آهنگران شرکت داشتم، زیرا وقتی او را به کمیته آوردند، بازجو نداشتیم. سرتیپ سجده ای از من خواست از او بازجویی کنم و من با توجه به مدارکی که در جیب بهمن روحی آهنگران بود، بازجویی از او را آغاز کردم و حین بازجویی، حسینی که متخصص و مسئول زدن کابل برقی به افراد بود، او را با کابل شکنجه میکرد.

بعد از بازجویی من رفتم و خوابیدم، فردا صبح که بیدار شدم، گفتند: بهمن روحی آهنگران شکسته است (شکسته است اصطلاحی بود در

ساواک و وقتی این جمله بکار برده میشد که شخص شکنجه شده در مقابل شکنجه ، مقاومت خود را از دست داده باشد) گفتند : او آدرس تیمی را داده بیا و از او بازجویی کن چون آدرس تیمی در ساری بود ، من با تائید سرتیپ سجده ای ابتدا تلفونگرافی به ساری کردم و بعد بازجویی را ادامه دادم ، اما بعد از چند روز فهمیدم به علت ضربات کابل و چرک و خون پا ، به بیمارستان شهربانی انتقال یافته و شهید شده است . تهرانی ، آنگاه به دستگیری و شهادت سیدعلی اندرزگو ، که از سال ۴۲ تحت تعقیب ساواک بود و بهمین علت با نام مستعار شیخ عباس تهرانی ، در اجتماع ظاهر میشد اظهار داشت :

در سال ۵۶ پس از کسب اطلاعات پراکنده ، تلفن لبنیات فروشی صالحی ، متعلق به حاج اکبر حسینی مورد کنترل قرار گرفت و متوجه شدیم که شخصی با نام مستعار جوادی با حاج اکبر حسینی تماس میگیرد . بدین ترتیب تلفن منزل حاج اکبر نیز کنترل شد . بعد متوجه شدیم که او از منزل با مشهد تماس های مشکوک دارد . با هوشنگ ازغندی به بررسی نشستیم او گفت که طرف باید همان سید علی اندرزگو باشد که بعد از ترور منصور تحت تعقیب است . محل وی در مشهد ، شناسایی شد و همراه هوشنگ ازغندی ، با اکیپ ضربت و تیم مراقبت به مشهد رفتیم و در محله " چه نو " مشهد خانه وی را شناسایی کردیم ، در همین اوقات ، از تهران اطلاع رسید که او در تهران است . روز ۳۰ مرداد به تهران آمدم و برای آنکه بتوانم رد او را پیدا کنم به مرکز کنترل تلفن ساواک در خیابان ابوریحان رفتم . سرانجام

ساواک _____ ۱۲۴

فهمیدم که او ساعت ۵/۵ عصر ، برای صرف افطار به منزل حاج اکبر می‌رود . من در مرکز تلفن برای تغییر احتمالی برنامه ، ماندم و از غندی به کمیته رفت تا طرح عملیات را بریزد . با استفاده از اکیپ های ضربت و مراقبت اطراف منزل حاج اکبر زیر نظر گرفته شد و من بدون آنکه اطلاع داشته باشم در محل چه می‌گذرد ، از طریق کنترل تلفن فهمیدم که درگیری پیش آمده ، زیرا دختر حاج اکبر به پدرش تلفن زد که در اینجا چند نفر کشته شده اند . بعد که اطلاعات تکمیل شد ، فهمیدم او با آنکه مسلح نبود ، ولی طوری نشان داد که مسلح است و بهمین علت هدف گلوله ماموران قرار گرفت . ضمناً دفترچه کوچکی که تماس هایش در آن یادداشت شده بود ، قبل از شهادت در دهان گذاشت و خورد . ضمناً " میدانم که او شهادتین خود را نیز ادا کرده بود .

* از " تهرانی " در مورد دستگیری و شکنجه زنان و دختران مجاهد و مبارز سؤال شد . تهرانی در مورد شکنجه زنان گفت : در کمیته مشترک تفاوتی از نظر شکنجه بین زن و مرد نبود . اما شنیده ام که بعضی مواقع از دستگاه شوک استفاده می‌کردند و سیم ها را به نقاط حساس بدن زنان ، از جمله پستان ها می‌گذاشتند ، ضمناً " عده ای از دستگیر شدگان ، زیر شکنجه شهید میشدند ، یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق که در خیابان دستگیر شده بود و بازجوی وی منوچهر وظیفه خواه ، معروف به منوچهری بود ، تا آخرین لحظه مقاومت کرد و حتی اسم حقیقی خود را هم نگفت .

در این مصاحبه تهرانی ، از توطئه ساواک در اواخر سال ۵۵ پرده برداشت وگفت محمد دزیانی را اواخر سال ۵۵ در زندان دیدم که بعلت شکنجه ، قادر به راه رفتن نبود ، او را چند بار عمل جراحی پلاستیک کردند ، بعد او را آزاد کردند و بعد از چند روز ، بقتل رساندند و اینطور عنوان شد که پس از آزادی از زندان در برخورد مسلحانه ، کشته شده است .

علت این امر توطئه ای بود که ساواک طرح کرده بود و میخواست با آزادی او اطلاعات تازه ای بدست آورد ، ولی چون او همکاری نکرد ، محکوم به مرگ شد !

فاطمه امینی نیز چندین بار شکنجه شده و به بیمارستان اعزام شد و سرانجام بدلیل همین شکنجه ها ، شهید شد و ساواک اعلام کرد که او خودکشی کرده است !

تهرانی ، سپس به شهادت رضایی ها اشاره کرد وگفت احمد رضایی در خیابان لشکر تهران ، برای آنکه اسیر نشود ، با نارنجک خود را کشت . رضای رضایی نیز که جزو کادر مرکزی سازمان مجاهدین بود ، زمانی که ساواک خانه امن مهدی تقوایی را شناسایی کرد ، بی آنکه از وجود رضا رضایی در آن خانه مطلع باشد ، به خانه حمله کرد . رضا رضایی از خانه فرار کرد و زیر اتومبیلی پنهان شد و بسوی ماموران آتش گشود که در این ماجرا شهید شد ، ولی من نمیدانم او نیز خود را کشت یا با گلوله ماموران شهید شد . صدیقه رضایی نیز که از طرف یکی از متهمان لو رفته بود وقتی سارقان ملاقات حاضر شد ، به دام افتاد ولی پیش از آنکه ساواک اطلاعاتی از وی

بدست آورد ، با سیانور خودکشی کرد . ضمناً " محمد معصوم خانی ، رحمت الله مومنی ، محمود نمازی و فرشید منصوری نیز زیر شکنجه و بر اثر شکنجه شهید شدند که بازجوهای آنان ، همایون ، منوچهری ، پرویز متقی و یکنفر دیگر بودند .

در خاتمه این مصاحبه تهرانی به روشهای تازه ای که " ساواک " در مبارزه با مبارزین علیه رژیم جنایتکار محمدرضا شاهی ابداع کرده بود اشاره کرد و گفت :

از سال ۵۶ که مسئله حقوق بشر و فضای باز سیاسی در ایران مطرح شد رویه ساواک هم تغییر کرد . با روش تازه ، ساواک ، اعضای کادرهای مخفی را با خوراندن سیانور و یا اسلحه ای که بصدا خفه کن مجهز بود ، مخفیانه میکشند . از جمله ۳ نفر به اسامی سعید کرد قراچانلو ، محمود وحیدی و محمد رضا کلانتری ، از طریق گروه تعقیب و مراقبت و کنترل تلفن دستگیر شدند . بازجویی از آنها ، بطور عادی آغاز شد ، اما از غندی گفت : فشار بیاورید ما هم شکنجه کردیم و آنها اطلاعات دادند وقتی اطلاعات را گرفتیم ، از غندی گفت : باید آنها کشته شوند . من و سعید میرفخرایی ، معروف به سعیدی ، اعتراض کردیم ولی او گفت که ثابتی دستور داده کشته شوند بدین ترتیب ، لباس آنها را پوشاندیم ، سوار آمبولانسشان کردیم و در آمبولانس ، سه قرص سیانور به آنها خوردانیم و بهشهادت رساندیم .

نمونه های دیگری هم از این دست وجود داشت ، مثلاً " بازجوها

متهمان راه زیرزمین میبردند و بعد از چند روز ، دیگر از آنها خبری نبود!
تهرانی ، در پایان سخنان خود ، اظهار داشت که رژیم او را اغوا
کرده بود و با اعمالی که انجام میداد ، تصور میکرد که بمردم خدمت
میکند!!

* * *





* اعترافات جواد توانگری !

فریدون توانگری، معروف به "آرش" از شکنجه گران معروف است و در زندان اوین سال ها به شکنجه و آزار مبارزان و زندانیان سیاسی، مشغول بوده، توانگری در آخرین گفت و گوی خود قبل از شروع محاکمه اش ضمن ارائه اطلاعات تازه ای، از نحوه شکنجه و شهادت مبارزان در زندان اوین پرده برداشت.

فریدون توانگری که با غضب نام مستعار "آرش" توهینی نیز به این قهرمان اسطوره ای ایرانی کرده است! باتفاق "تهرانی" دستگیر شد. وی در بازجویی نیز به شکنجه های وحشتناکی که در مورد زندانیان سیاسی اعمال میکرده اعتراف کرد.

وقتی یک زندانی برای بازجویی به من واگذار میشد، همزمان او و زندانیان دیگر به او میگفتند: "شهادت" را بگو، زیرا از زیر دست "آرش" زنده بیرون نمی آیی!

وی ادامه داد: وقتی زندانی را تحویل میگرفتم، تا از او اعتراف

بگیرم ، ابتدا از کابل برق برای شلاق زدن به بدن ، بویژه کف پاهایش استفاده میکردم و برای آنکه زندانی ، کاملاً " در اختیار من باشد و قدرت مقاومت خود را زودتر از دست دهد ، او را از بلندی آویزان میکردم و بعد ، عمل شلاق زدن آغاز میشد . من معمولاً " بعد از آنکه عملیات خود را روی زندانی تمام میکردم ، او را به حسینی ، شکنجه گر معروف که چندی پیش خودکشی کرد ، می سپردم .

" آرش " که در جریان تعقیب و دستگیری مجاهدین و مبارزان نیز ماموریت هایی داشته ، اعتراف کرد که باتفاق ناصری شکنجه گر معروف ساواک ، در جریان سرکوب جوانان مبارز لرستان ، در بروجرد ، پس از اعمال شکنجه های گوناگون به جوانان بطری استعمال میکرده و بخاطر دارد که مبارزی بنام "هدایت" مورد این شکنجه قرار گرفته و ساعت ها بیهوش بوده است .

آرش همچنین اقرار کرد در زندان اوین ، زندانیان را به کمک دو مامور گردن کلفت ساواک ، روی زمین میخوابانده و در دهان آنان ، ادرار میکرده است !

* * *

آرش در مورد بازجویی از مبارزان مسلمان اظهار داشت :

من ابتداءً بازجوی مبارزان مذهبی مسلمان بودم ، ولی بعد ، بازجویی از کمونیست ها را به من سپردند . وی گفت : سر یک زندانی را لای در آهنی زندان قرار دادم و آنقدر به پاهایش شلاق زدم که پوست و گوشت پاهایش برآمد و مدت ها ، قادر به راه رفتن نبود . وی اعتراف کرد ، یک دختر ساواک _____ ۱۳۰

مجاهد را آنقدر شکنجه کرده که بیهوش شد و تا ۲۰ روز ، تعادل روانی خود را بازیافته بود .

در اوراق بازجویی و پرونده اتهامی آرش به نقل از یکی از مبارزان آمده است که او دختری را در حضور یک مجاهد بطرز فجیعی شکنجه میکرده و این اعمال ، بطور وحشیانه و غیر انسانی بوده. در اوراق پرونده آرش نوشته است که با آنکه ، بازجویی و شکنجه در زندان اوین ، بدون وقفه ادامه داشته و هیچ حادثه‌ای نمیتوانسته جلوی این قبیل اعمال را بگیرد ، مع الوصف وضع آن دختر مجاهد ، بقدری بد بود که پزشک زندان دستور داد ادامه بازجویی از او متوقف شود ، اما آرش بدون توجه به این دستور پزشکی شکنجه را ادامه داد و در مقابل اعتراض پزشک گفت : اینجا هتل نیست ، زندان اوین است ! آرش در گفت و گو با خبرنگاران گفت : من هرچه که دیکته میکردم ، زندانی مجبور بود به عنوان اعتراف ، همانها را در اوراق بازجویی بنویسد . اگر از این عمل احتراز میکرد یا قصد داشت ، کلمه ای بر آنچه که گفته ام بیفزاید یا کسر کند آنقدر او را شکنجه میکردم که مجبور به اطاعت میشد .

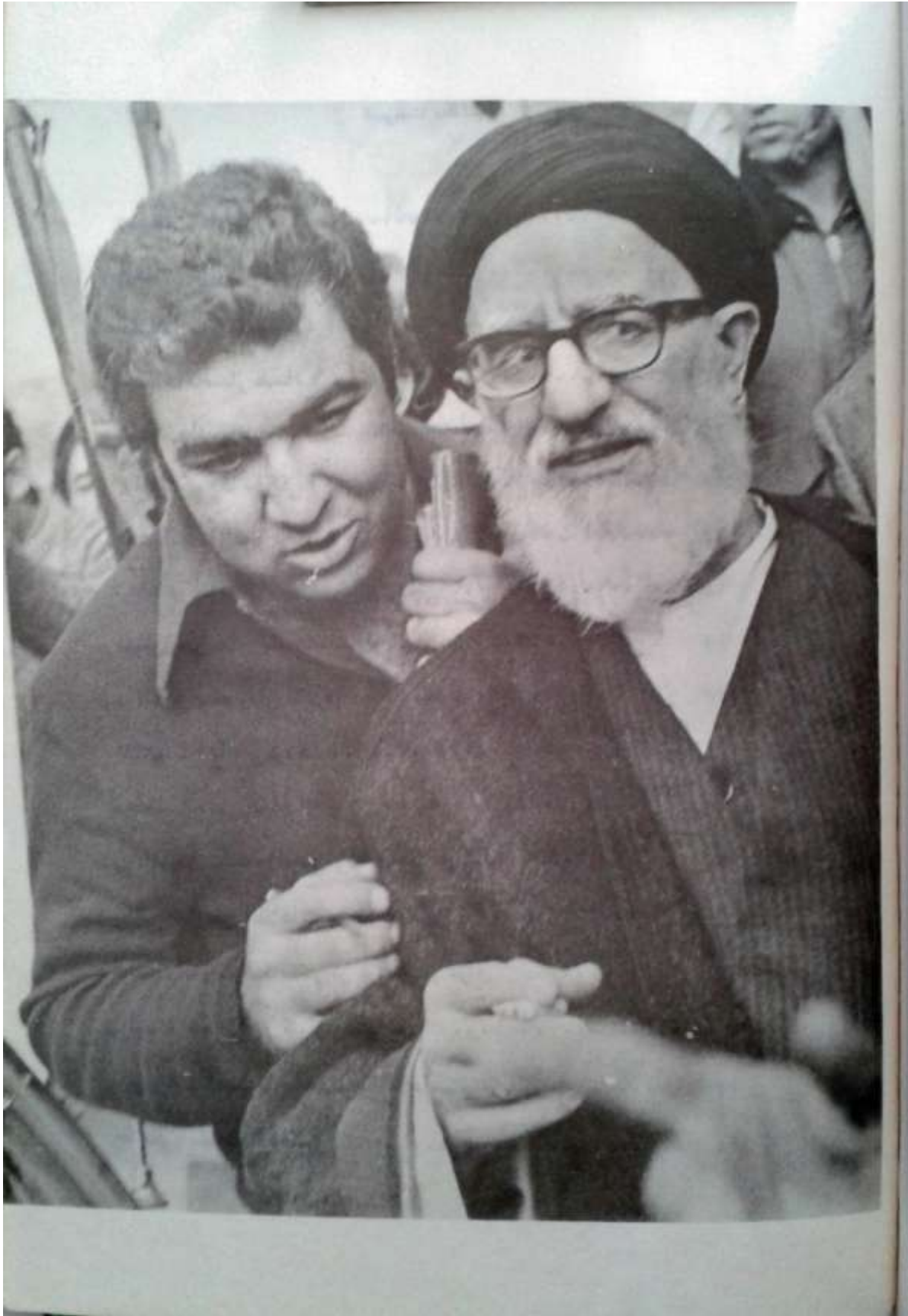
از تخصص‌های آرش ، خارج کردن کتف مجاهدان و مبارزان بود . او در این زمینه گفت : کتفم در حادثه ای از جادرفرت و چون میدانستم که چقدر دردناک است ، وقتی مبارزان زیر شکنجه بیهوش میشدند ، کتف آنها را از جا درمیآوردم و رفته رفته در این کار مهارت پیدا کردم ، بطوری که این عمل را در یک لحظه و خیلی راحت انجام میدادم !

در باره مؤلف .

" اسکندر دلدوم " مترجم و نویسنده مطبوعات در طول یازده سال فعالیت مطبوعاتی خود دوبار توسط " ساواک " دستگیر و شکنجه شده است .
بار اول ۲۸ روز و بار دوم بدستور هویدای معدوم یک هفته در کمیته مشترک محبوس بود . چند بار نیز سردبیرهای نشریات مختلف به واسطه تلفن هائی که به آنها شده بود همکاری خود را با " دلدوم " قطع کردند !

در طول مدت فعالیت مطبوعاتی خود با نشریات کیهان ، اطلاعات ، توفیق ، اطلاعات هفتگی ، اطلاعات بانوان ، تلاش ، کاریکاتور ، تهران جورنال و گروهی دیگر از جراید معتبر همکاری مستمر داشته است علاوه بر این از همکاران مجله معروف " پانچ - انگلستان " و " میدل ایست " بوده و نیز برای برنامه های رادیوئی فارسی فرستنده های مخفی و مخالف رژیم شاه سابق مطالب و تفسیرهای گوناگون نوشته و نخستین بازداشت او نیز به دلیل نگارش مقاله ای برای یکی از همین رادیوهای مستقر در خارج از کشور بود .

از ترجمه های معروف " دلدوم " آثا ماکسیم گورکی است که ۱۲ داستان جدید وی نیز هم اینک زیر چاپ است و بزودی منتشر خواهند شد .



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	تشکیلات ساواک
۱۱	پیدایش ساواک
۱۲	جاسوسی ساواک در منطقه
۱۴	اختلاف بختیار با شاه
۱۵	شکنجه های روحی
۱۶	۸ ایرانی ، یک ساواکی
۱۷	تقسیمات ساواک
۱۸	ارقام دردناک
۱۹	فروش زمین های شاه
۲۰	مساله ای بنام زبان مادری
۲۱	تظاهرات آغاز می گردد
۲۶	موقعیت محلی زندان اوین
۳۴	پیدایش دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی در زمان " رضا خان "
۳۶	وظایف سازمان اطلاعات و امنیت کشور
۴۱	فعالیت ساواک هنگام شورش کردها در عراق
۴۳	وزارتخارجه ایران " کارگزار ساواک "
۴۴	قانون تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور
۴۸	چگونگی شکنجه مجاهدین

انضباط چماق

شرح اعمال

وحشیانه ساوالک با

زندانیان سیاسی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵۴	خاطرات آیت الله طالقانی
۵۷	آلبوم محرمانه
۶۲	وجود عوامل ساواک در سفارت خانه‌ها
۷۲	زندان اوین از نگاه دوربین
۹۴	مدارک بدست آمده از سفارت ایران در ژنو
۹۶	همکاری ساواک با سازمانهای مشابه در اروپا و آمریکا
۱۰۲	مبارزه با کنفدراسیون
۱۰۶	فعالیت ساواک علیه اقلیت های نژادی
۱۱۰	ساواک در بازیهای آسیائی
۱۱۲	پرتاب کوجه فرنگی به صورت شاه سابق
۱۱۵	مصاحبه یا بهمن نادری پور معروف به "تهرانی"
۱۲۹	اعترافات جلاد "توانگری"

—

آزاد بخوان و وطن
دوستان این اسرار را
بدانند...

فراماسون

اسرار سازمان «ماسون» در ایران
به مناسبت کشف مخفی گاه فراماسونها



منتشر شد



دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان